

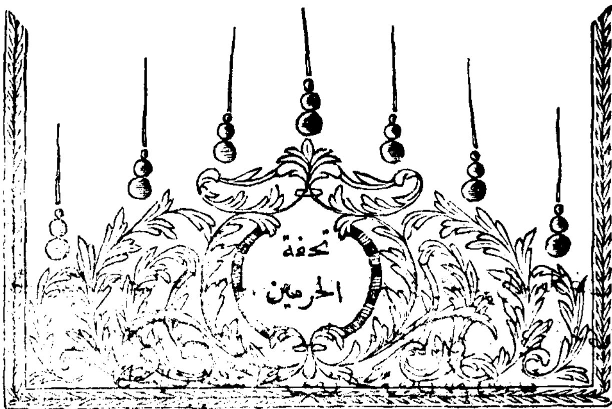
شهرستان فصاحت نظم ونثره داور * و بازار سخنورانه بلاغت آور

انجمن شعرانك مرجع ومآبى * استاد كامل يوسف نابى افندى

فاضلك تحفة الحرمين نام رسالهٔ

تأليف كرده و لطائف

آورده سيدر



* * * ﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾ * * *

ای بیت حرامی صف غفرانه مقام * وی باب سلامی مدخل دار سلام * ای ملتزم شریفی مستلزم عفو * وی زمزمی صفحه شوی عصیان انام * شمار قافلهٔ انفاس حجاجدن بیرون شکر ومنت اول حضرت منعم بی علته که ماصدق آیهٔ کریمهٔ (ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین) اوزره سرای جهان آرای کعبهٔ معظمه یی زمین دلنشین مکهٔ مبارکه ده خواستکاران استحکام ارکان ایمان ایچون تمهید ایدوب کشده کان بیابان عصیانه وسیلهٔ هدایت ایلدی (بیت) کعبه بنا کشت که روی نیاز * سوی وی آرند بوقت نماز * سجده که آن باشد ومسجود حق * معبده آن باشد ومعبود حق * کشته مکان حرم کبریا * کرده خدایش لقب ام القری * وقطار قطرات سرشك اشتیاقدن افزون حمد وثنا جناب وهاب خفی الحکمته که برفحوای نظم کریم (ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا) خوش نشینان ممالك اسلامی ضیافتخانهٔ عمیم النوال محترمنه دعوت و برموجب وحی قدیم (ومن دخله کان آمنا)

بحر هزج اخرب مکفوف
مفعول مفاعیل مفاعیل
فعول

بیت حرام مکهٔ مکرمه در که حق تعالی آکا احتراما غیری یرده مباح اولان نیجه اشیایی انده حرام ایتمشدر صف تخفیفله در غفرانه مضاف اولمشدر وی وای دن مخففدر صفحه شوی وصف ترکیبیدر معنای ترکیبیسی صفحه بیقایجی دیمکدر چونکه صفحه کاغدك یوزی معناسنه در شوی شویدن مصدرندن مشتقدر یقامق معناسنه در

﴿ مائدهٔ ﴾



مائدهٔ امان وغفرانی نهادهٔ پیشخولق عنایت ایلدی (بیت)
کعبه کر او درهمه دلها رهست * جز نی ناز اجزاش یمین الله هست *
جوهر آیینهٔ دلها وی است * کوهر کنجینهٔ دلها وی است * وعقد
اللآل کرانقدر صلوة وتحیات نثار سرخاك سلطان سر بر لولاك
اولسونکه ابر ناطقهٔ کوهر بارلرندن صدورایدن (بین قبری ومنبری
روضة من ریاض الجنة) حدیث شریفی ایله بیراسته اولان کلستان
مقدسده رخصت یافتهٔ کلکشت زیارت اولنلر (من زار قبری وجبت
له شفاعتی) مصداقنجه کلچین نهال شفاعت * وخار آزار کار فرمالقن
دوزخدن دامن آزادهٔ استراحت اولورلر (قطعه) سید اولاد آدم
جبرئیلش خوانده ام * رحمة للعالمینش حق تعالی ساخته * آل
واصحابش که باشد اختران چرخ دین * بهرشان لطف ازل جنت
مهیا ساخته * وتحفهٔ کیاب دعا اجابت اقتفا * داور دین پادشاه
روی زمین * تاجدار عالی کهر * شهریار مکارم پرور * خورشید افق
سلطنت کوهر بازوی معدلت خسرو کامبخشا * صاحبقران عالمکشا
ابو الفتح والمغازی * سلطان محمد خان غازی * ایده الله وابقاه
حضرتلرینك برداشتهٔ پای سریر معدلت مصیرلری قلمق سزادر که
آثار حمایهٔ علیهٔ ملوکانه لری ایله راه رحمت پناه حرمین شریفین غائلهٔ
بیم رهزنایدن آزاده * ونظر همت جلیلهٔ خسروانه لریله رهروان
بیت خدایه اسباب امن وآسایش آماده در (بیت) عروس کعبه که
ام القرای آفاقست * وظیفه خواریٔ او وقبیلهٔ اجداد * جهان
چو صفحهٔ تقویم پر زخانه شده * چنان حمایهٔ او سایه افکند ببلاد *
مدام کلشن عمرش بهار وخرم باد * بروی دولت وبخش نکاه
بد مرساد * سبب ترشح سحاب قلم بکشتزار مرام * وآغاز سخن
درعزیمت راه بیت حرام * قائد کتیبهٔ خیال * بو طریق اوزره ترتیب
قوافل مقال ایدرکه زلال صاف سرچشمهٔ رسالت علیه الصلوة

من بحر سریع مطوی موقوف
یمین الله حجر الاسود در
عقد عینك كسری ایله منظوم اینجو باغی دیمکدر
کران کاف عجمینك کسری ایله آغر معناسنه در

من بحر رمل مقصور

کیاب نادر معناسنه در
اجابت اقتفا یعنی شویله دعا که اجابت انك قفاسنده

من بحر مجتث مخبون

ترشح صیزمق معناسنه در
کشت کاف عربینك کسری ایله کیمك معناسنه در

والسلام حضرتلری منبع ماء الحیات مکه دن سیرابساز تشنه لبان ایمان اولمغیچون جانب مدینهٔ منوره یه هجرت بیوردقلری تار بخدنبرو طولاب دوازده پرسنین دلو مهر وماه ایله کشتزار روزکار اوزره بیك سکسان طقوز کره دور ایلدیکی سالده برقع کشای شاهد نوخرام بیان اولان (یوسف نابیٔ) ناتوانك آثار جاذبهٔ الطاف الهیه ایله روزنهٔ سویدای دل سودازده سی مهب هوای حجاز و بساط صبر وآرامی پرچیدهٔ دست شوق راحت کداز اولمغین (بیت) شوق حرم دردل من جوش زد * کوکبهٔ عشق ره هوش زد * آبلهٔ پابه ازان چشم وسر * کونکشود ست دران کونظر * مضمونی دخی توسن تند خیز شوقه تازیانهٔ اقدام اولیجق اولاجناب ولی النعم * آصف ستوده همم * وزیر پاکیزه نژاد * مشیر شیرنهاد * دستور والاکهر * فاضل افاضل پرور * داماد شهنشاه عالمکشا * مصاحب مصطفی پاشا حضرتلرینك اذن عالیلرند نصکره اوصاف عرش اتصاف حرمین شریفین سباقنده مدایح جمیلهٔ خسروانه یی حاوی * برقصیدهٔ نضیدهٔ شوق آمیز ایله استعطای مکارم پادشاهی اولنمغین مراحم همایون کامبخشالری جلوه کر موقع ظهور اولوب مهام طریق مرام محافظ مصر وزیرکاردان عبد الرحمن پاشا حضرتلری جانبندن ترتیب اولنمق بابنده خط همایون سعادتمقرون ضمیمهٔ احسان ایذان بیورلمغین کنجیدهٔ خروار امکان اولدیغی قدرلوازم طریقه مباشرت اولندیغی خلالده زمین دلدن برتخم آرزو سرزده اولدیکه وقایع آمد شد راه بیت الحرام که منظور نکاه رغبت خاص وعامدر نو بنو صورتنمای مرآت ظهور اولدقجه مشاطهٔ خامهٔ طرفه نکار * زلف خم بخم سلسلهٔ سطور عنبرین ایله پیرایه بخش رخسارهٔ آثار اوله تا که (بیت) مثال کعبه ایا نوردیدهٔ عشاق * کورن جمالنی مشتاق کورمیان مشتاق * وفقنجه بو شاهد نوخرام کوچهٔ ملاحتك کرشمهٔ نهفته ایله

برقع نقاب دیمکدر

اسم مؤلف کتاب

سویدا وسط قلب معناسنه در

کداز کداختندن اسمدر که کداختن اذابه معناسنه در یعنی ارتمك

من بحر سریع مطوی

کوکبه عظمت وشوکت معناسنه سودی

کوکب الحدید تیمورك یلدرامسی وکوکب برنسنه نك اولوسنه دخی دیرلر وانقولی

تند ضرب شدید معناسنه

تازیانه قامچی دیمکدر

کنجیده اسم مفعولدر صغمش معناسنه

خروار یوك چوله دیمکدر

سرزده باشلنمش وحاصل اولمش دیمکدر

مشاطه عروسی تزیین ایدن عورت

خم آکری که بونده جعد معناسنه وباصله ایچوندر جعد جعده اولان زلفی

سلسله سی دیمکدر

از بحر مجتث

کرشمه کاف عجمی ایله ناز وشیوه معناسنه در

نهفته کزلو دیمکدر

دقايق حسن اداسی * وشیوهٔ نانموده ایله روش خاطر رباسی * اولدن نائل وصال حرمين اولنلره وسيلهٔ شوق جديد * وحسرتكشان ارزوی عزيمته مايهٔ تأكيد * اولمغله در يوزه کر دريچهٔ عرفان يعنى نابئ پريشان بيانى دخى سقاطهٔ نوالهٔ دعادن فراموش ايلميه‌لر بنا برين فاتحهٔ عزيمتدن خاتمهٔ عودته دك چشم كذار اعتبار اولان اماكن متبركه * و پيچيدهٔ منوال ايام وليال اولان متاع نوظهور وقايع معتبره * دفهٔ خامهٔ عاجزانه ايله بافتهٔ كاركاه بيان قلنمغه شروع اولنمغين تسميهٔ (تحفة الحرمين) ايله تمغازدهٔ رواجكاه اشتهار قلندى * رجاى واثق واميد صادق بودركه حضرت غفوركنه بخشا بو بهانه ايله مسودهٔ جريدهٔ سيئاتمى قلم عفو ومغفرت ايله بياض ايدوب خدمت اوصاف حرمين شريفين بركاتنده رهرو جان ترك تخت روان جهار پايهٔ بدن ايلدكده مرافقت مشعلهٔ ايمان كامل ايله ره پيماى درجات باغ نعيم ايليه آمين (بيت) نيست طمع جائزه از كس مرا * جائزه ام عفو همين بس مرا * ميطلبم جائزهٔ اين سخن * از كرم ومرحمت ذو المنن (كردن از اسكدار رفع خيام بسوى راه حجة الاسلام * برسيده دم قافلهٔ شعله باراختران كهنه رباط اسر بى السقف آسماندن رفع رخت اقامت ايلدكده دهان ركاب شوق انتساب (بيت) برقدم كم اوله جنبان ره بيت خدا * جايى اول پايك اولورسه خانهٔ جشمم سزا * مألن او يحتهٔ كوش هوش اتمكين متيمنا بذكر الله تعالى فضاى ذمرد سيماى اسكداردن مقيم مسافرخانهٔ زين اولوب (قرتال نام منزله تحريك بال استعجال اولندى (بيت) همتم بدرقهٔ راه كن اى طائر قدس * كه درازست ره مقصد و من نوسفرم * روز دوم ككبوزه‌ده برمقدار جلسهٔ استراحتدنصكره خليج قسطنطينيه دن عبور * السنهٔ انامده صعوبت ايله مشهور * اولمغله امواج فلك ساى

در يوزه سؤال ايتمك يعنى ديلنمكدر كر كاف عربى ايله كاردن مخففدر اداة فاعلدر دريچه درك تصغيردر قپو معناسنه‌در سقاطه طعام مثلاو نسنه نك يره دوشنى معنــاسنه در

از بحر سريع مطوى (اسكدار)

جنبان يعنى متحرك فضا ميدان معناسنه سايدندن سورمك وسرشدرمك فلك ساى وصف تركيبيدر بدرقه مشعله معناسنه در طائر قدس جبريل اميند قدس بارى تعــالانك ذات پاكندن عبارتدر

تشویش فرماسی درنیای بلده آمدشده آماده اولمغین همان اول کون
مساعدۂ وقته مساعدۂ هوایی مقرون بولمغله (مصرع) کناره
عزم ایده لم بو یله برهوا دوشمز * زمزمه سیله ساحل خلیجه شتاب
اولنوب سوهان عمر عزیز رهروان اولان پست و بلند امواجدن
خالی آیینۂ هموار کبی صور تمای مرلد مشاهده او لنمغین مقذاف
توفیق ایله ساحل هرسکه کذار اولندی (روز چارم بدرقۂ توفیق
بلدۂ ازنیقه دلالت ایتمکین (بیت) کردیلرسك اوله سن واهمه دن
آزاده * اولسون آرامکهك درکه اشرف زاده * دست آویزی ایله
خاك آستان اکسیرفشانی تکیه کله جبین نیاز قلندی (اسکی شهر نام
قصبه ده نمونۂ اشك کرم عشاق اولان کرمابۂ بی کلفتی قدرنده کرد
راهدن تطهیر ابدانه عادت رهروان اولمغین (مصرع) یارب
اسکی شهره یکی عادت اولمشون * دیو ابنای سبیل ایله اول آب
سلسبیلی آشاده صورتمای نیلوفر اولنوب فرداسنده سید غازی یه
نهضت اولندی برکوه سمر بلنده اویوزم رخام تراشیدۂ مجلادن مبنی
وجلای احجار دیواری آویزش سمر آلتدن مستغنی * تکیۂ عالیشان که
رسم مصنوع وطرح مطبوعی شکست آور انداز معماریان بنای افکار
دوربین مهندس سایه روزکاردر خصوصا میان قبلب حباب شمارده
مدفن حضرت سید غازی اولان قبۂ فلك موازی که طائر نکاه دفعه
کنکره سینه پروازه مجالی محال در پیمودۂ اندازۂ نکاه حیرت قلنوب
مزار فیض بارلری زیارتی ایله دیدۂ دل تنویر اولندی (اقشهر قصبه سنده
قطب دائرۂ عرفان * شیخ محمود حیران * حضرتلرینك (بیت)
باقیا خانقه عالم حیرتده همان * هرکلان کیمسه بو اسرار له حیران
انجق * مضمونی نقش کتابه سی اولان آستان عالیسی وسید نعمة الله
نخجوانی حضرتلری زیارت اولنوب بتخصیص لطائف مشهورۂ محتمل
الصدقی دوائر آفاق نمود ارقلعۂ قهقهه ایلین خواجه نصرالدین

خلیج نهر معناسنه در

مقذاف کمی کورکی
(هرسك)
زه زمه آواز مهیب والفاظی
ظاهر اولمیان کلام معناسنه
(ازنیق)
(اسکی شهر)
کرد کاف عجمینك فتحیله
غبار معناسنه در کسریله
مدور نسنه معناسنه و بر
نسنه نك چوره سی دیمکدر
السلسبیل عین فی الجنة
(سید غازی)
نیلوفر نهرلرده بتر صاری
چیچك
حباب صو اوزرنده اولان
قبارجق معناسنه

علیه الرحمه نك زیارت خاك زعفران خاصیت خنده فرماسی ایله اكتساب انشراح درون اولند قد نصكره میان كوه. بهشت شكوهده واقع وادئ خاطر بادە لولان قصرارم نمون كه سلطان بهشت مكان مراد خان غازی طاب ثراه حضرتلری عزیمت فتح بغداد اثناسنده شیخ الاسلام * قائمقام * یحیی افندی ایله سایه انداز تشریف اولد قلرنده هوای خاطر زداسی كاخ روب ضمیر شهریاری اولمغین نزهت نشمین وشوق كستر ین وطراوت حوالئ روح پرورین * متضمن نونهال روضهٔ سلطنت ایله صفحهٔ دیوارین تزیین بیورمشلر (شكفتهٔ سلطان مراد) بهشتدن قطعه در حقا كه بو عشرتخانه مأوی * بوكه داخل اولان مرده اولور ذوقی ایله احیا * مرادی فتح ایراندن كجنكم كتدی بغداده * تنعم ایلیوب ایجدك بو كوثردن شراب آسا * ویحیی افندی بطریق النظیره بو بنج بیتی مانندهٔ دست انصاف نهادهٔ سینهٔ تحسین ایتمشلردر (نظیرهٔ یحیی افندی) زهی جای فرحبخش صفا كستر حیلت افزا * نباتندن بینه بهر یغ الوبدر طوطئ كویا * بهشتك قطعه سی دیردم ولی رشك بهشت اولمش * قدوم پادشاهیله بو نزهتكاه بی همتا * صوین كوثر دیو نظمنده او كیمش اول شه عادل * خوشا پاكیزه نظم ورواح پرور آب روح افزا * الهی حضرت سلطان مراده عمر سرمد ویر * مسخر اوله كه جملهٔ دنیا وما فیها * دیه اخلاص ایله بیرده بشر كوركده ملك آمین * دعالیقده كجه اول شاه جهانه صدقله یحیی * اول كوشهٔ دلارا تماشاسی ضمننده روح شریفلرینه تحفه كتاب دعا اهدی اولندی (ایشعن ولا دیك ممرلكری ضمیمهٔ فی ...) اولندی قد نصكره مدابر الملك یونان زمین * ... مسقط رأس افلاطون ... نشین * ... شهر قونیه ... ملك ... لكن ... آید ... اولیا * ... قطره آب قبضنی ...

انشراح برنسنه یی كشف ایتمك وشرح قلب قلبی آچوب پاك ایتمكه دیرلر

وانقولی

شكوه هیبت وحشمت ویراشقلق وكوزللك

نعمة الله

خم نسین اكری اوتوریجی دیمكدر یعنی مجاهد وجه كش معناسنه در ناك اداة وصفدر كه كلماتك آخرینه لاحق اولور اتصاف واتصال معناسن افاده ایدر مثلا زهرناك وفرحناك كبی

نعمة الله

سرشك خونين اصفيادر خصوصا مستغرق دریای عرفان *
بالانشین انجمن عاشقان * بلبل رنكين نوای کلستان حقيقت *
وطوطئ دستان سرای شکرستان طريقت * نخلبند کلشن هوا
شكن مثنوی * پرده شكاف دقايق صوری ومعنوی * شهريار ممالك ارشاد
* تاجدار سریر رشدو سداد * مرهم سينهٔ دلسوختكان * آرام خاطر
سودازده كان * پیشوای اصفیا * مخدوم اوليا حضرت مولانا جلال
الدين رومی قدس سره السامی حضرتلرينك شوق ناصيه سائی
آستان بهشت نشانلری ايله بوسبزهٔ نوخیز مزرعهٔ دل وسيلهٔ اذن
دخول قلندی (نظم) و برر نشاط مؤبد مكان مولانا * ايدر
جبینی منير آستان مولانا * لباس خطوه كيرا برواني شوقندن * اولنجه
ناصيه سا عاشقان مولانا * رواج كحل جواهرمی قور نظرلرده *
صفای خاك جواهرفشان مولانا * بولورمی بلبل بيكانه رخصت
فرياد * نعيم قربده دركلستان مولانا * اولورمی بوسه زن زير پای
كنكر چرخ * تنزل ايلمسه زائران مولانا * نوله جواهر ايله اولسه
مثنوی مملو * كليد كنج حكمدر زبان مولانا * نه مثنوی درر شاهوار
مخزن فيض * نه مثنوی چن بيخزان مولانا * سطور صف سپاه
قلمرو تحقيق * نه فوج موج يم بيكران مولانا * ره وجوده بصلدن
قدم بوايدی اميد * كاولم جبين زدهٔ آستان مولانا * خدايه شكر
نصيب اولدی بلبل نكهه * كل مشاهدهٔ بوستان مولانا * خوشا
سنوده ره ورد رهبر توفيق * زيارت حرم عرش سان مولانا * اميدی
شمدی بودرنابیٔ سيهكارك * كه انكچون ايليه لر دوستان مولانا *
كنار دفترد لده بوكونه نامنی قيد * كمينه خاك دربندكان مولانا *
استقبال امواج روحانيتدن ديده ودل شناور دريای دهشت وحيرت
اولوب (بيت) قدم بهوش بايد نهاد ای مشتاق * كه اين خزانهٔ
فيضست وكعبهٔ عشاق * صداسی در وديوار فيض باريدن سامعهٔ

پیشوا هرطائفه نك مقتداسی

جانی پرایدوب (بیت) تاب شوق ایلمنجه دل سنکینکی موم * نیجه
ممکن کاوله سك نائل بزم شه روم * خطابی زبان قندیل مه سیما سند ن
خانقه درونه آتش صالمغین * بر مدت داور حیرت مملکت دلده
حکومت ایلدکدنصکره ینه اعانت فیض هوشبخشاسی ایله سرمایهٔ
اندك شعوره دست رس میسر اولیجق بیك جانله خریدار طواف
مرقد نورآمیزلری اولوب پروانهٔ نورنکاه بالای سرشمع مزارلرنده
وقف کردش قلندی حقا برقبهٔ رفیعهٔ کردون نموندر که عقد ثریا
آویزهٔ کردن کنکرهٔ براق * ونوك کنکری میل سرمهٔ دیدهٔ سکان
سبع طباقدر * زیرقبهٔ جلالت دستکاهنده مجرد کندولرك و پدر
عالی کهرلری سلطان العلماء بهاء الدین حضرتلرینك آسایشکاه
خاصه لری اولوب طاق قبه ایله بازو بند اتصال اولان طاقلرسایه سنده
فرزند ادیب وآلانژادلری حضرت سلطان ولد وینه کناره نشین
خوان نعمت ولایت اولانلردن سکه دار خالص العیار ضربخانهٔ
معنی * ومذهب سرصفحهٔ نسخهٔ هدی صلاح الدین زرکوب
قنوی * و شمشیر تیز بازوی توفیق سر فرو برده نیام تحقیق *
حضرت چلبی حسام الدین وسائر اولاد امجادلری آسودهٔ خوابکاه
رحمت پناه مزارلری اولوب کندی زبان کوهر فشانلرندن زیور
آغوش ظهور اولان کلام حکمت نظام اوزره پهلوزدهٔ بستر راحت
کستر خاك اولملری پادشاهانه واقع اولمغله سائر مراقد اولیای کرام
قدس الله اسرارهم کویا زیرقبه ده ترتیب دیوان ثریا نظام ایتمشلردر
بعده صدرالصدور انجمن حقیقت * مرکز دوائر پرکار طریقت *
داور قلمرو معنی * دست بردهٔ سرمایهٔ هدی * رهنمون کاروان عالم
علیین * کنجور خزینه دار الملك یقین * جناب شیخ صدرالدین *
قنوی قدس سره حضرتلرینك خاك مشکین فیض آکینلری
عبیر طرهٔ مژکان قلوب اول راستکوی انجمن قدس حضرتلرینك

سیما بکز وچهره

مرقد پرانوارلری نسخه .

جلالت دستکاه ال ایرشمسی وقدرتدن کنایتدر

وآلا بمعنی بلند قدر

دخی لسان بدیع البیانلرندن مربع نشین چار بالش حیات اولمامز
امیرانه * و غنودهٔ خوابکله ممات اولمامز فقیرانه * اولسون دیو
صدور ایدن مقال حکمت اشتمال وفقنجه بالای مزار عطر آمیزلرنده
مانندهٔ مجمر مشبك چوب تراشیده دن ساخته برقبهٔ قفس سیما واقع
اولمشدر که طائر کنکرهٔ افلاك اولان روح لامکان پروازلرینك کالبدی
آرامکیر کنج قفس اولمشدر هنوز صدرنشین مدرسهٔ شهود ایکن
ناطقهٔ سامعه پیرالری مفتاح الغیب کنجینهٔ حکم اولدیغی دار
الافاده لری که خزائن پرزروسیم کبارا اکا نسبت کلخن پرخاکستر *
ومعادن جواهر آبدارا اکا نظرا اورام صدوردن بدتردر * وانك
طبقهٔ فوقانیسنده واقع کتابخانهٔ رحمت نشانلری که (بیت) حفظ
ایچون نسخهٔ محبتکی * ایلدم چاك سینه می دولاب * فحواسنی حاوی
برنیچه دولاب مخصوص جناب کرامیلرینك میزاب ماء الحیات چشمه
سار دل الهام آثارلری اولان خامهٔ عنبر افشانلرندن چکیدهٔ صحیفهٔ
تألیف اولمش اسرار قدسیهٔ الهیه دن مملو نسخ معتبره ایله مالامال
اولدیغندن غیری قطب ربانی فاضل صمدانی * شناور بحر اسرار
غواص لآلئ افکار پیشوای واصلین * رهنمای محققین شیخ
محیی الدین عربی قدس الله سره العزیز حضرتلرینك کالای کارکاه
ایقان * ومحصول مزرعهٔ عرفانلری اولان کتاب سعادت نصاب
فتوحات مکیه که بالجمله جناب ولایت پناهلرینك قلم فیض بارلرندن
اوتوز درت مجلد اوزره کشیدهٔ صحیفهٔ بیاض اولوب وهر جلدینك
خاتمهٔ شریفه سی کندی اسم سامیلریله واسفار تسویدن اوراق
تبییضه نقل بیوردقلرنده نائل دولت مشارکت مقابله اولان عزیزك
نام نامیلری ایله ختم وتذییل بیوروب مجموع مجلداتی ارزوی دولت
حفظیله آغوش خزانهٔ جنت خمیازه کش حسرت اولان برصندوق
ایله جایکیر * واول کتابخانهٔ علیه نك دولابنده تقریر اولنمشدر

غنوده اویومش وآسایش معناسنه نعمة الله

کنکره دیوار اوزرنده اولان بدنلردر وانقولی .

حتى سلطان الاوليا برهان الاصفيا آفتاب فلك ولايت نشا نكاه سبحهٔ سلسلهٔ سيادت * قائدجيش روحانى شيخ عبدالقادر كيلانى قدس سره حضرتلرينك شمعهٔ ضيابخش لسانلرندن بومقدار سالدنصكره بردفعه دخى پرتوچراغ اسرارمزابجمن افروز خطهٔ اندلس اولمق مرسوم پروانهٔ ديوانخانهٔ ازلدر ديو صدورايدن كلام كرامت نظاملرى وفقيجه خرقهٔ لطيفه لرى على طريق التوصيه دورابد آن خلفاء قادريه ايدرك (بيت) اولدى بكاقبس وكوهكندن واصل * كلد ستهٔ سرعشق اولوب دست بدست * وفقيجه محى الدين عربى حضرتلرينه واصل اولوب جناب محى الدين دخى پوشش حياتدن تجرد بيوردقلرندنصكره ديوانخانهٔ معنادهٔ شيخ صدر الدين جنابنه الباس اولنمغين حالا صندوقيله مضبوط كنج كتابخانه لريدر بحمدالله تعالى اول نسخ شريفه واول خرقهٔ لطيفه نك عبير كيسوى حوران بهشته راجح اولان غبارلرى توتياى چشم افتخار قلندى (اركلى قصبه سنده پيشرو اصحاب قبول شيخ شهاب الدين مقتوللك خاك خون آميزى مرهم سينهٔ اعتبار قلندى نمونهٔ اشك كلكون حسرتيان اولان قزل ارماق كنارنده واقع ادانه ده بركون تخليهٔ خانهٔ زين اولنوب دل سنكين خوبان جور آيندن نمونه رخام جلادادهٔ آيينه سيما ايله بنا اولنمش جامع مشهور بى نظيرينك تماشاسنده صورت انشراح مشاهده اولندى (السنهٔ نقلهٔ اخبار ازمنهٔ سابقه ده جارى اولديغى اوزره حضرت دانيال عليه السلام چاره جوىٔ موت بى درمان ارزوسيله اجزاى نسخهٔ حكمتى استصحاب ايله صحرايه شتاب اناسنده حضرت روح الامين كوشهٔ جناحيله نسخهٔ حكمتى انداختهٔ آب ايتديكى محل اولمق اوزره شهرتياب اولان جسر مسيسدن كذر اولندى (هواى تب فرماسنه نسبت آه كرم عاشقان نفس زمهرير اولان پياس قصبه سنده

پروانه كابك وجبت وخبرجى نعمة الله

الخطه خانك كسريله شول يردركه بركسه كندى نفسى ايچون اختيار ايدوب انده بنا يا پمغه علامت وضع ايليه وانقولى

(رسيدن بقصبهٔ اركلى)

(ادانه)

(جسر مسيس)

(پياس)

برکون کرمیٔ هوادن لب دریا صفت کف زنان ومبتلای مرض صولغان اولوب سنبل صفت نفس سوخته ودود کبود ایله بقراضه عزیمت * اندن انطاکیه یه نهضت اولندی رؤس جبال شاهقه یه آغوش استحکام صالمش حصار وسیع الارجاسی که پیك خرد برکونده حوالیسن دوره عدیم الاقتداردر ور بع ربعی مقداری انجق مسکون * و بقیه سی پارده‌ٔ نوع انسانی اولمق غائله سندن مصون برشهر اعجوبه در میانهٔ شهرده واقع معمارهٔ بانیٔ آثار * جناب حبیب نجار حضرتلرینك مشهد رحمت آمیزلری زیارتلرینه دل نالان مانند آب عاصی جریان ایلدکدنصکره اوچنجی کون شهر حلب الشهبا منظور چشم شوق پیما اولمق میسر اولدی * واقعا بلدهٔ غریبهٔ حلب برمعمورهٔ بوالعجبدر که رواق بنیانی کلاه افکن نظاره کیان * وطباق قصوری عجزفرمای باصرهٔ تماشایاندر * طاق ایاوینی قوس فلکدن فراخ ورنکین * طرح قوا عبسی کاخ بهشت قدر دلنشین * نقش رخامی حیرت ده صورت کران دیراوهام * فرش رخامنه پای نابرهنه حرام * لطافت حیاضی چین رسان نواصیٔ رحیق وتسنیم * نزاهت ریاضی مستغنیٔ آمد شد کاروان نسیم * جوامع ومساجدی بسیار * خوانق وزوایاسی یکانهٔ حد وشمار خصوصا جامع کبیرینك جانب قبلبسنده مشهد رأس مبارك حضرت زکریا صلوات الله علی نبینا وعلیه که هنکام زیارتنده منشار حیرت دل زواری ماه کبی دونیم * ومشام اشتیاقی نائل بوی کلزار نعیم ایدر میان شهرده واقع خندق بعید الغور پرآب احاطه سنده برتودهٔ مصنوعه‌دن مستحکم برقلعهٔ سر بکردونکه غایت ارتفاعندن ناشی افواه اهل بلاددن رسیدهٔ کوش هلال اولان کلبانك صیت وصدا * مسامع سکاننه نارسا * وبا آلای برجندن آتلان طوب رعد آشوبك صداسی کوش سکان شهره یتشمك خیلی معنادر * خصوصا

(انطاکیه)

ذکر رسیدن بدیار حلب نسخه

الایوان بالکسر الصفة العظیمة جمعی ایوانات واواوین کالدیوان ودواوین قاموس

چین بمعنی بوکلم الرحیق الخمر الصافیة التسنیم عین فی الجنة العالیة

السنهٔ انامده نظیری مستور پردهٔ ابهام اولان خانقاه نزهت پناه
شیخ ابو بکرکه میان قباب بی حسابنده سرکشیده اولان سرولر
بیان امتناع قبول مثالنه لسان حال * وساحهٔ راحت بخشاسنده
اولان حیاض مالامال * ادعای رجحان آب حیوان ایچون بسط
زلال مقـال ایتمده درکاه شهردلارا وکاه مسائر روح بخشاده ایام
عشرهٔ کامله تکیه زدهٔ وسادهٔ استراحت اولدقدنصکره (نظم)
سینه بی مخزن شوق ایلدی سودای وطن * چشمی بیکانهٔ خواب
ایتدی تماشای وطن * قالمدی کارکه دلده متاع آرام * اولدی (ذکر عزم فقیر
غارتزدهٔ پنجهٔ یغمای وطن * دارغربتـده غریب اکدیغی دمده بسوی وطن)
وطنی * دل جکرجانلری جانلرتی تن پیرهنی * مضمونی ناصیهٔ حالده
بدیدار اولمغله عنان اختیار ربودهٔ دست هوس * ونالهٔ اشتیاق
همنفس جرس * قلنوب پرورشکاه جسم عجز پناه اولان رها جانبنه (بلدهٔ رها)
سوق مطیهٔ شوق اولندی (بیت) چنان بشوق خرامان شدم
دران کشور * که سوی حجله شتابان عروس نوداماد * میانهٔ طریقده (الحجلة فتحتینله کلین اوی)
واقع قلعهٔ بیرة الفرات دامانده نمونهٔ کاهکشان نهرفراتدن سفاین
هلال سیما ایله کذر وایکنجی کونده سدهٔ دروازهٔ معمورهٔ وطن غربت
شکن بوسه کاه پیشانیٔ نکاه اولمق میسر اولدی آرامکاه وطندن
آستانهٔ دولت جانبنه کربند عزیمت اولدنبری نسخهٔ دورنك قرطاس
سنبندن اون اوج ورق کردان اولوب بحمدالله تعالی حصول اسباب
کامرانی * ووصول درجهٔ آمال وامانی ایله هرصحیفهٔ ماضیه دن
خوبتر * وعطا خانهٔ الطاف یزدانیه دن توجه ایدن هر نعمت
مقدمهٔ نعمت دیکر اولمشیکن بنه (بیت) یوسف که بمصر پادشاهی
میکرد * میکفت کدا بودن کنعان خوشتر * مصداقی اوزره هر بار
یاد وطن حوالی کرد شهر بند خاطر اولدقجه تسلسل قطرات اشك
لاله کون دل دیوانه یه (حب الوطن من الایمان) نالهسن اشعار

ایدر زنجیر جنون اولوردی بوقدر سوزش حسرت ایله اول سواد دلاویزك دریچه سنه قدمزن دخول اولمق میسرا ولدقده بخار سرورمقعر دماغه صعود * وکسب رطوبت ایله راه چشممدن ورود ایدوب اکر دیدهٔ ارزویه اکسیر اعظمدن معتبرکورینن غبار دروبی توتیا قلنمسه خروش سیلاب سرشك قصهٔ طوفان نوحی صحایف ایامدن شسته ایده جك مرتبه‌لر نمایان اولوردی بوحالت کریه‌خیز سرورانکیز ایله صحرای عدمدن دار البریهٔ امکانه قدم نهاده اولدیغم خانه نك چشم دریچه سنه غبارراه ایله دخول میسر اولدقده نسیم شوقله دریچه‌لری سینه چاك * روزنلری شوق ناك * رواقلری بال کشای پرواز صفا * طاقلری آغوش افرازمرحبا * اوراق واشجاری برزبان خوش آمد کویان * سبزهٔ ساحه سی طوطئ شکرخای شکریزدان اولوب (بیت) رواق منظر چشم من آشیانهٔ تست * کرمنما وفرودآ که خانه خانهٔ تست * زمزمه می جار دیوار مسرت اندودندن استماع اولنوردی خصوصا که ثمرهٔ ازدواج ابوین یعنی اختین واخوین که (بیت) مرا امید وصال تو زنده میدارد * وکرنه هردمم از هجر تست بیم هلاك * ترنمیله بوقدر مدتدنبرو دیده‌لری روزنهٔ راه حسرت * وسامعه‌لری موقوف پیام بشارت اولوب (بیت) عجب کورزمیوز اول رویی بردخی * بوخسه قالور کیدراو غریب الدیار کلمزمی * ناله سن دمسازآه وانین دل حزین ایتمکله پیغوله نشین اولدقلری حالده بوسوزش آزمای آتش فراق دخی دریچهٔ حرمدن صورتنمای وصول اولدقده برمدت هر بری هجوم حیرتله نمونهٔ صورت دیوار اولوب (مصرع) اینکه می بینم بیدار یست یارب یابخواب * مضمونن لسان حال ایدرك یمین وشمالدن آغوش حسرتلرین حائل کردن جمع نزار ایتدکلرنده نشئهٔ معجون مفرح وصال برزمان دخی جمله یی رنك زلال ایدوب قافلهٔ شعور

دروب جمع الدرب یعنی صوقاقلر

اندود یعنی صوا نعمة الله

دستمایهٔ حیرت ایله برنیجه دفعه آمد شد د نصکره آخر استشمام
رایحهٔ انس قدیم ایله رباط پنج کوشهٔ حواسده استقرار بولیجق
طرفیندن کالای درازماجرای اشتیاق * پیش کش پای تلاق *
قلنمغه آغاز اولندی فحمدا ثم حمدا حضرت قادرعلام *
جمله افتادکان پیغولهٔ حسرتی مشاهدهٔ صورت مطلبو بیله فائز
المرام * وهمه زهرابه کشان کربت وغربتی کردش کاسهٔ مراجعت
اوطان ایله شیرین کام ایلیه آمین * کوییا اول حین مسرت آیین
مرقع ایام حیاتده برمجلس مصور * یانسخهٔ کتاب زندکانیده برمحل
معتبر اولمشدرکه اول هنکام دل آرامده پیمانهٔ خاطری لبریز ایدن
صهبای نشاطك تحریرکیفیتی خامهٔ مستانه خرامه حرام * واول
روز کدرسوزده تلاطم ایدن امواج انبساطك تقریرکیفیتی تصویر
رسام اوهامدر * مواصلت جسمانیه دن نشأت ایدن ذوق روحانی
ایله کاه مکالمهٔ سرکذشت ایام فراق * وکاه مذاکرهٔ مشکلات
نسخهٔ اشتیاق * ایدرك کنجینهٔ عمردن برکون دزدیده قلندی
هنکام طفولیتده که نوآمدهٔ شهرستان غیب اولمغله هنوز کیسهٔ
هوسده دستمایهٔ انس روحانیدن بقیه بولنمغین بهرسو صرف
نقدینهٔ نکاه اولندقجه چاشنیٔ ریاض جنان احساس اولنان کلستانلر
خصوصا حلقه بند کنج دبستان اولدیغمز زمانلرده کاه سبقداش
نسخهٔ الفت * وکاه مشق نویس عشق ومحبت * اولدیغمز اطفال
وامثال که (بیت) خارج ضبط ایلمش تختنی سلطان کلك * زاغلر
طوتمش دریغا جایکاهن بلبلك * رسمی اوزره هر بری خط آوردهٔ
کنار کلستان عذار بلکه اکثری (مصرع) شکوفهٔ چمن
رحتست موی سفید * وفقنجه یاسمن نمای میانهٔ سنبل زار اولوب
(بیت) شد از فشار کردون موی سفید وسرزد * شیری که خورده
بودم درروزکار طفلی * مقالن ترجمهٔ بیان حال ایتمشلر تجدید ذکر

حالات کذشته ایله اکتساب نشاط ایام شباب ایدرك بتخصیص
طلسم حائل کردن فقیره تعویذ مسافرت منتقش اولدیغی ایامدن
بری نیجه نو رفتارسه سالهٔ کوچهٔ ملاحت * ونیجه زیور دوش
دایه اولان متاع حسن بهجت * ونیجه جنبش کهواره دن تعلم
طرز خرام ایدن نازنین * ونیجه افق مشیمهٔ ارحامدن طلوعه آماده
اولان مه جبینلرکه هر بری برسرو سرافراختهٔ بوستان افتخار *
وهر بری برماهپارهٔ آهو نکاه وعاشق شکار اولمشلر ایدی (بیت)
بالله بکو چه نام داری * واندرچه فلك مقام داری * دیه رك کاه
استطلاع اسامی واحواللری ایله محصل الآمال * وکاه مطالعهٔ
صحایف جمال وکماللری ایله منشرح البال * اولهرق کشت وکذار *
وسیر چمن وکلزار اولندی (المنة لله تعالی مقدم حقیرانه مز ایله
اهالیٔ دیار یمزك دخی مهمانسرای قلوبی منزلکه قافلهٔ انشراح
اولوب اجرای لوازم الفت وصحبت * وادای مراسم اکرام ورعایت *
وکشت اماکن وسیر مساکنده وزیارت مواطن متبرکه ده بردقیقه
مستور پردهٔ اهمال قلنمدی خصوصا مابه الافتخار دیار یمز اولان
رسول یزدان * خلیل رحمن * برکزیدهٔ رب رحیم * جناب خلت
پناه ابراهیم * صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلرینك بهترین
متاع کارخانهٔ آفرینش اولان وجود جودنمودلری زینت افزای
رواجکاه امکان اولدقلری غارکه کنجینهٔ انوار * وشهرمز بورده
مولد خلیلی نامیله رسیدهٔ حد اشتهار در فرش وسقف وچار
دیواری یکپاره رخام بی مسامدن تراشیده اولمغله طرق احتمال
ترشح مسدود ایکن برآب زلال مثال ایله مالا مال اولدیغی معجزهٔ
ابراهیمیه دالدر * اول غارك جانب غربیسنده واقع مسقط رأس
مبارکلری مخصوص برصندوقهٔ سبز ایله متعیندر اول غار ایله طرف
شرقیدن هم پهلو برغار دیکرکه والدهٔ مکرمه لری اول نازنین

مهد خلقی واهمهٔ متجسسان خدمهٔ ظلمهٔ نمرود بدبوددن محافظه
ایچون ودیعهٔ آغوش غار ایلدیکند ه فرمان قادر ستار ایله دفع
مظنهٔ اشرار * وکتمان جواهر اسرار * ایچون پیرامن دهان
غاری تار عنکبوت ایله ممهور قلمشیدی واول طفل نودرس کتبخانهٔ
تحقیق مقتضای استعداد ازلیه ایله نسخهٔ نه ورق پیروزه کون
کردونده مرتسم اولان نقط خرد و بزرك انجمدن استکشاف
مطلوب حقیقی ایچون قرعه انداز تفحص اولدقلری حالده مرسوم
لوح جبین ستاره کان اولان داغ افول مانع قبوللری اولیجق
(فاطر السموات والارض) جانبنه توجیه وجه عبودیت بیوزدقلری
اماکن هدایت انکیزك غبار مشك غباریله تنویر ابصار اولندی
(وینه اولی شاهباز بازوی عنایت آشیانهٔ کفهٔ منجنیقدن میان
آتش نمروده پرواز ایلدکلرنده فیض نمای بخشای باغبان قدرقامت
زبانهٔ بالاکش ناره الباس جامهٔ کلزار ایدوب چکیدهٔ زبان یراعهٔ
روات اولدیغی اوزره اول مکرم مهمان شهربند اعجاز آغوش
آتشده جای ساز اولدقلرنده چشمهٔ دوزانوی مبارکلری تقبیلی ایله
تازشکر بهشت برین اولان قطعهٔ زمیندن فوران ایدن آب
حیاتبخشا که برودت وسلامتی ثبوت یافتهٔ بوستان نظم کریمدر حالا
حوالئ منبعده ساختهٔ معمار همت اولمش بر حوض عظیم
طولانی که احد طرفینده اولان کنسنه نك تشخیصی ذاتنده پردهٔ
اشتباه مرتفع دکلدر اول آب زلال مثالك عمقی اوج نیزه دن متجاوز
ایکن ینه کمال صفوتندن ناشی ته آبده اولان رمال انامل انظار ایله
شمار اولنمق مرتبهٔ امکانده در اول حوض موزون درونده آب
سیمکون اوزره سواد منزله سنده اولان خوشنمونه ماهیلر که پردهٔ
آب نمایش اندامملرینه حجاب اولمیوب کنار حوضدن کذر ایدن
زوارك قدومنه صدهزاری بردن شتاب ایدوب خواهش نانپاره ایچون

یراعه بمعنی یونلمش قلم

قوله ته بمعنی زیر وتحت
دشبشه
بطلمیوس افلاکی طقوز
قاندردیوب اشاغیدن
یوقرو بری برندن اکبر
اولوب طقوزنجی فلك
اعظمدر که جمیع افلاك
اوزرینه حاکمدرا کا فلك
اثیر دیرلر زیرا اول غیریسنه
تأثیر ایدوب دوراینه دیرر
لغة دشبشه

صورت لسان حالیله (بیت) بوس لب مهوشانی اکلمز هرکز * بوس لب نانده در سپهر ایله نزاع * مضموتی اجرا اید رلر اول حوض خاطر کشانك جانب غربیسنده سایهٔ حصارده برتکیهٔ فردوس نمون که شهشینلری مجلس مصور شهنامه کبی صحیفهٔ پیروزه کون آب اوزره کشیده * کنکرهٔ زر اندودهٔ قبابی مقعر فلك اثیره رسیده در پیرامن حوض صفا آیینی هنوز آثارکلشن کلخن شکن ابراهیمیه دن باقی اشجار ملتفهٔ سایه افکن ایله مزین * والی الآن زمینی کندهٔ تیشهٔ باغبان اولدیغجه نیچه نیزه مقداری جا بکستر ظهوریله اول محلده صحت وقوعی مبرهندر * واول سرچشمهٔ هدانك حصار شهردن بیرون اولدیغیدك مجراسنده واقع ریاض وجوامع ومساجد وخوانق وبیوت وطواحین ومغاسل وقهوه‌خانه‌لره ایصال فیض ایتدیکندن ماعدا بیرون شهرده دخی حدائق بیشمار افاضه سیله مغتنمدر * واول جوی کدرشویك جانب جنوبیسنده واقع ذروهٔ کوه کردون شکوه اوزره سرافراخته اولان قلعهٔ فلك رشك فرازنده مهندس بنیان کفره وضلال * معلم دبستان مکر واحتیال * ابلیس علیه اللعنه‌نك ریختهٔ قالب ابداع ایلدیکی ایکی قطعه احجار تراشیده دن پرداخته منجنیق مناره سیما که کویا نمرود بد بودك نفی ادعای باطلی ایچون صورت لاده نمودار * ویاخود دوش ضحاکده ایکی مارمغز خواردر * کاه اول مصانع بوالعجب مطالعه سیله صحیفهٔ دلی تختهٔ تعلیم وقایع روز کار قدیم * وکاه اول نزهتکاه کدر فرسا مشاهده سیله استیفای نشئهٔ ذوق نعیم * ایدرك شمار ایام استراحت درجهٔ خمسینی تجاوز دنصکره قامت کوتاه وصال تبدیل لباس فراق ایتمکه قریب اولوب آرزوی صدای درای راه حجاز * انجمن دلده نغمه‌یه آغاز * ایتمکین (قصیده) کل کوکل عزم ره بیت خدا ایلیلم * سعی ایدوب

سپهر اثیر یادوم فارسی یعنی کورهٔ ناری شرفنام
الاثیرهی الطبقة العلیا من طبقات الهواء الملاصقة بکرة النار
شیخ

مروه يه تحصيل صفا ايليلم * ايشمز ايلسون التون دوجهانده مولى * ناودان زرك التنده دعا ايليلم * عرفاتك سوره لم خاكنه يوزلر كوزلر * سرخ روى اولمغه اكسير رجا ايليلم * لب لبيك زن وچشم سرشك افشانى * كوچهٔ خواهش رحمنده كدا ايليه لم * كاسه كاسه جه زمزمدن ايچوب آب حيات * جان پرعلتى لبريز شفا ايليه لم * الالم كوهر رحمت ويره لم نقد كناه * دلى سودا كر بازارمنى ايليه لم * باب سلطان سرا پردهٔ لولاكه واروب * قديمز بار تضرعله دوتا ايليه لم * ويره لم روضهٔ پاكينه صلاتيله سلام * علت جرمه شفاعتله شفا ايليه لم * اوله لم خاك درروضه سنه ناصيه سا * جبهه مز مشرق خرشيد هدا ايليه لم * بكيروب بنده لرى دفترينه نامزى * يريمز حشرده ده زيرلوا ايليه لم * دفتر جرمى ياقوب ايليه لم خاكستر * نابيا آينهٔ قلبه جلا ايليه لم * مقالن زاد راه شوق ايده رك برصبحدم رهايافتهٔ آرامكاه رها اولوب طراز دامن سواد بيره منزله سنده اولان نهر سرخ فام فرات * پيچيدهٔ اقدام سفن بى ثبات قلندقده نصكره بيم رهزنان عرب راه راستدن انحرافه سبب اولمغين حسن سيما * ولطف آب وهوا ايله عروس عر بستان اولمق اوزره شهرتياب اولان شهر عينتابه شتاب * واوچ كون مشاهدهٔ صفاى جاليله نشئهٔ مسرت اكتساب ندنصكره يته حلب الشهباده اون كوندن متجاوز اتكاء وسادهٔ ابتراحت اولندى (بيت) چين زلفى قدرا ولماز سكا جاى آرام * بعد ازين اى دل آواره عليكم بالشام * ترانه سى حدى جازهٔ عزم اولمغين جانب شام شريفه توجيه لجام مطيهٔ اقدام اولندى (بيت) يابريد الحما حاك الله * مرحبا مرحبا تعال تعال * ترانه سى نمونهٔ قدس فلك اولان دولاب محمديدن استقبال ايتمكين نطاق سيمين ميان سواد حما اولان نهر عاصى مجاريسنده كردن كردونه آغوش

حائل ایتمش دولابلرکه (بیت) قنده برصاف درونی که کورر آب کبی
*دل سرکشته دونر اوسنه دولاب کبی * مقالن اداره ایله ریاض
چشم وکوش تماشا نیانی سیراب نشاط ایتمشلر بعضیسی (بیت)
بر برینه کردیلر دولابلر اه آبلر * آبلر غالب اولنجه دوندیلر دولابلر *
مطلعنه نظیره پردازلق وادیسنده (بیت) کور حماشهرین دولمش
کوشه کوشه آبلر * نهر عاصی یه مطیع اولمش دونر دولابلر * نظمن
مقام اوجده اصول دوری اوزره ترنم ریز اولدقجه ستم کشان دوران
واژکون کردونه شست وشویی کدر درون ایدرلر (بیت) ماحصل
شهر حما برمایهٔ سودا ایمش * آب عاصی برشراب عافیت بخشا ایمش *
اول نشئهٔ خاطرکشا ایله جوی عاصیدن دولاب وش روکردان *
وجانب حمصه عنان جنبان اولوب نیم راهده واقع جسردن راستدن
کذرا اولندقده خورشید فلك حقیقت * مرکز دائرهٔ شریعت *
سلطان بارکاه عرفان * شهریار قلمرو ایقان * نور چشم اولیا * مشعل
ضیاپاش قافلهٔ اصفیا * مسند نشین صدر صفهٔ عارفین * رهنمای
کاروان واصلین * کالا پیمای کارکاه ابرار * تنها سوار ممالك انوار *
جناب بایزید بسطامی قدس الله سره السامی حضرتلرینك
خاك عطرناك مزار فیض نثارلری بوسه کاه جبین نیاز قلنوب لله الحمد
جواهر سرور مخزون قلب محزون قلمنق میسر اولدی اندنصکره
سواد ویرانه نمای حمص منظور نظر اشتیاق اولندی حقا که برویرانهٔ
صوریکه هر کوشه سنده بر کنج معنوی دفین * وهر جانبنده برشیر
غرین بیشه زار ولایت مکین اولمشدر ازجمله سلطان عالمکیر سریر
رسالت صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلرینك دیوان بهشت
عنوان حلقهٔ اصحاب کراملری بیننده بالانشین کرسی اعتبار ودار
الضرب میدان غزاده سکه یافتهٔ اشتهار اولنلردن حضرت
خالد بن ولید وسعد بن ابی وقاص وکله ربای کنکرهٔ فلك اعظم

دورروان اصولی اوزره نسخه

پیك تیزتك ركاب سید عالم صلی الله تعالی علیه وسلم * عمرو بن امیه
و پیام رسان جهان آفرین اكثریا سیمای پسندیده لرین استعاره
ایندكلری دحیة بن خلیفة الكلبی رضی الله تعالی عنهم ورواة حدیث
نبویدن عكاشه وعبدالله بن مسعود وعبدالله بن عمرو وعبدالرحمن بن
عوف وابوموسی الاشعری وكعب الاحبار رضی الله تعالی عنهم
و بونلردن غیری عبد الرحمن بن خالد بن ولید وعبـد الله بن
جعفر طیار وعبدالرحمن بن جعفر طیار ودوش سید شهدا حمزة بن
عبدالمطلب خلعت پوش سرخ فام شهادت اولمشیكن ینه تلاطم
جو یبار مغفرت ایزدی قامت ندامتنه الباس جامهٔ رحمت ایدن وحشی
رضی الله عنه (ومشاهر اصحاب كالدن جمال الدین قطب رحمة الله
علیهك مراقدنده ذودست دعا صحیفهٔ سبع المثانی قلندقدنصكره
قلعهٔ فلك رس صعب الصعودنده واقع جامع شریفك جانب یمین
محرابنده صحـایف پوستین غزال اوزره نكاشتهٔ قلم مشكین رقم
عثمانی اولان كلام یزدانیكه (بیت) ازچشم هزار خون پراو ریزانست
* برك كل سرخ مصحف عثمانست * مآلی كارا وراق خون آلوده
سنده هویدادر اول كل سرخ رخ كلستان حیا رضی الله تعالی عنه
حضرتلرینك چشم وزبانلری شناور امواج سطور بحر قدیم یزدانی
اولدیغی حالده دندان نهنك دریای قضا * یعنی دشنهٔ سرتیز جفای
اعدا * ایله بدن بهشت آرالرندن فوران ایدن جو یبار خون كریمهٔ
(اذا جاء اجاهم لا یستاخرون ساعة ولا یستقدمون) مسطور
اولدیغی صحیفه یه الباس جامهٔ كلكون ایندیكی دیمتی باشتعبر حكمت
غامضهٔ قادر بیچون ایدیكی اصحاب اعتباره نمایاندر اول حالت رقت
خیز مشاهده سی چاك افكن كریبان جكر اولمغین بی اختیار سطر
جبین سیاه كاه آكین * اول صحیفهٔ خونینه سایه‌ده قلمغه اجترا
اولندی امید وار الطاف كردكارم كه اول بشارت یافتهٔ مغفرت

قلندیغندن غیری قلعه نسخه

ایزدی اولان حضرت ذی النورینک کندی رقزدهٔ قلم مشکبارلری
اولان وحی منزل ربانی که رشحات خون نافه ریزلری دخی گلگونهٔ
عذار صحایف اوراقی اولمغله زیارتگاه خزینهٔ فردوس ایدیکی
محسوم ایکن اکا مالیده قلنان پیشانی انجمن رستاخیزده ماننده‌ٔ
خورشید قیامت فروغ مغفرت ایله نورانی اولمه‌دن محروم
اولمیه (آمدن در دیار شام شریف) اندنصکره مشهور السنهٔ
عوام اولان کاربانسرای قطیفه ساحه سنده ضرب خیام آرام
اولنوب سپیده دم قطیفه بوغازی نام ممردن گذر اولندقده دیدهٔ
اشتیاق پروره بر بحر اخضر بدیدار اولدیکه تحریک نسیم روحبخشادن
صفوف امواجی سواحل آفاقه پیوسته اولمغله احاطهٔ پرکار مد
بصردن بیرون * واندازهٔ باصره مساحهٔ ساحه سنده کوتاه اولمق
مرتبه سندن افزون ایدی واقعا کثرت اشجار بر مرتبه پهن گسترٔ
دامن وسعتدرکه هرنقدر اطارهٔ شاهباز تیز پرواز انظار
اولنسه اقاصی سنده آشیانگیر اولمق محال * وهرنه‌دکلو ادارهٔ پفترهٔ
افکار اولنسه ینه نهایتندن شکار طائر اخبار اولمق عدیم الاحتمالدر *
نهالستان رطوبت پیرا بر درجه‌ده نمایافتهٔ ساحهٔ ظهور اولمشدرکه
اشهر بلدان عالم اولان شام گبی پرسواد اعظم سایهٔ چین گیسوی
خیابانده پنهان اولوب دریچهٔ محلاتنه وضع قدم اولنمدقجه آثار
وبنای شهر ورای پردهٔ خفادن صورتنمای ظهور اولماز اول باغزار
بهشت کردارک اقرب اطرافی قطیفه جانبی ایکن ینه بش التی
ساعتدن متقدم پیمودهٔ اندازهٔ اقدام خیول قلنمق خارج حیز امکاندر
پانهادهٔ مداخل محلات اولنجه دک سرتاسر عکس مخللهٔ اشجاردن
نقش پذیر اولمش قالیچهٔ آبگون چمن طراز اوزره رفتار اولنوب
(بیت) بید آبه دیمش که لطفکدن * دمبدم رشحهٔ زلال ایچرز *
آب بیده دیمش که بزده سنک * سایهٔ دولتکده خوش گچرز *

(آمدن شام)

پفتره کوجی و یاتفه درکه
چلجه‌لر آلتندر
نعمة الله

خیابان اقرصولو یر
اولوب ایکی جانبدن
سایه دار فلك پیوند
اشجاره دیرلر
عزمی زاده

بید آبه دیدیکه فیضکدن
دمبدم شربت زلال ایچرز
آبده بیده دیدی بزده سنك
سایهٔ دولتکده خوش گچرز

مالی نعمهٔ تسلسل امواجندن نمایاندر * معمورهٔ دلنشین شامده
وطنساز اولان دوستان مهمان نوازدن بری کندی مسکن کلشن
شکنده کوشه کیر آسایش چند روزه اولمغیچون مقناطیس پنجهٔ
ابرامن حلقهٔ لجام ایتمکین حل عقدهٔ احمال اولنوب کشت وکذاره
نسیم آسا تحریك اقدام اهتمام اولندی (ذکر وصف سواد شام
شریف) خوشا سواد دل آرام شام که کوچه‌لری مذاهب رندان
کبی وسیع * دیوارلری همت مردان کبی رفیع * روزن شهنشینلری
همحال دیدهٔ عشاق * رواق طاقلری دست بدست اتفاق * بیرون
بیوتی خشت کل اندودندن پرداخته اولمغله اکرچه نوعا صورتنمای
نمد پوشان فنا اولمشدر اما درون بهشت نمونی ماندهٔ قلوب
صافیه مطهر ومجلا در نقوش زرجوش لاجوردنامیله تاوان
تابنده جاملری رنك شکن سقف آسمان * وضع تیشه کاریٔ هفت رنك
هزارپاره ایله فرش رخاملری حیرتبخش مجامع اختراندر اول
معمورهٔ دل آرایه کلشن قدیم نظم کریمده بالاختصاص ذکری
جاری اولان ربوهٔ ذات قراردن هفت جوی کوثر سرشت توارد
ایدوب بالجمله اماکنده جاری * ومانندهٔ روح حیوانی مجموع
مواضعنه ساری اولمغین بالجمله خانهٔ تنك وفراخ صغار وکبارینك
مواضع عدیده سنده ساق سیمین وسمین خوبان صفت آب صاف
متسلسل الورود صورتنمای شراین اجسام اولدیغندن ضمیری البته
رخام آیینه فامدن برحوض متناسب اندام * ساختهٔ دست التزام
اولمشدر ریاض نزهت آیینی آب خوردهٔ کاسهٔ احسان حیاض
اولمغین نهالستان ریاض دخی دوش حیاضه اوراق وازهاردن
نوبنوالباس خلعت رنکین ایله ادای شکر نعمت ایتمه‌ده درکرمیٔ آفتاب
رهیاب دخول اولمامق ایچون شد نطاق اتفاق ایتمش طاق برطاق
روشن وبراق چارسولر که سوداکر نظر هرنقدر اضاعهٔ بضاعهٔ

(وصف شام)

الشریان واحد الشرایین
وهی العروق النافضة
ای المتحرك لسان العرب
الشریان بالفتح والکسر
یورکه اولاشور برچرك
محرك طمردر جمعی
شراین کلور اح

نکاه ایلسه یه پایانندن تحصیل رأس المال استخبار ایتمك بعید
ودلال افکار هرنه دکلو خطوه فروش شتاب اولسه یه مشاهدهٔ
صورت هل من مزید در نظافت صحن دکاکینی غبطه کاه کبسهٔ
اصحاب فنا * وزینت طاق ایاوینی خمیازه بخش قبهٔ سمادر (بیت)
بود بمرتبهٔ دلپذیر زینت او * که کر وجود رود سایه نایداز دنبال *
میان چارسوی کدر شوینده جابجا خاطر زدا ودلکشا کرمابه لرکه
بمجرد مشاهدهٔ طرح نظام جامه کنی انسانی لباس کدردن عاری
ودرون خلوت نشاطده متواری ایدر جلای رخام فرش خرده کاری
اعتبار آیینهٔ صدفکاری یه واسطهٔ انکسار وفوران شادروانی
خاطر آب حیوانه وسیلهٔ غبار در هر خلوتنده نیجه خلوت نهان وهر
صفحه سندهٔ نیجه صفه عیان اولوب نه برصفه سی شادرواندن تهی
ونه برخلوتی برحوضه غیرمنتهی در حمام نه طاق عبرتغا بر کوشه سنده
کشدم راه اولق مبالغاتدن دکلدر (بیت) همین که دیده بنظارهٔ
اش مقید شد * از او بسعی بدر بردن دلست محال ﴿ ذکر اوصاف
قهوه خانهٔ شام ﴾ خصوصا وطن تلخابه کشان غربت * وآرام
جای سودا زدکان کربت * اولان قهوه خانه لرکه ینه فوش
منقش ایله مشتاسی مصیفندن رنکین مصیفی مشتاسندن دلنشین *
صحن مشتاسی خاطر شکن سرمای وحشت * ساحهٔ مصیفی تعدیل
بخش مزاج الفت * فوارهٔ مشتاسی پیام آور کرمابهٔ مرام * شادروان
مصیفی غبار شوی دست ودامن آرام * سقف دیوار مشتاسی نقوش
مانی پسند ایله جلوه کر * فرش مصیفنه نهال شکوفه دار سایه کستر
ساقیٔ زیبنده رفتار قهوه فروش پیمانه بکف * دور مجالس ایلدکجه
طرف طرف خوش نشینان نشیمن نشاط (بیت) قهوه سوداسنی
سکر کیدرمش دیرلر * ساقیا لعلك ایله قهوه یی زمزمله ده ویر *
اداسیله حرف انداز معاملهٔ نازونیاز اولدقجه خوبان قهوه فروش دخی

قولهم لامحالة ای لابد وهومصدر بمعنی التحول ای لاتحول ولاانقلاب

(بيت) صونلمادى بكاقهوه ديمه سن * نصيبك وار ايسه كلوز يمندن * مقاليله شكر ريز تبسم اولورلر ايدى رامشكران مطربان شوق طراز (بيت) كنج فراغ اهل دله قهوه خانه در * حبيله قهوه مرغ دله دام ودانه در * تقسيمى ايله نغمه پردازاولدقجه كوشه كيران ز برطاق صفهٔ انبساط (بيت) برمهلقادن اولمدى خالى زمانه ده * اكسك دكل چراغى بجب آستانه در * منطوقى ايله هم آوازاولورلر ايدى صباى ناى راست نوا (بيت) بشنوتوزنى چهاچهاميكويد * اسرارنهفت كبريا ميكويد * رخ زردوشكم تهى وسرداده بباد * بى نطق وزبان خدا خدا ميكويد * صداسى ايله اوج مطربخانه دن پنجكاه حواس عشاقى محير ايتدكجه بزرك وكوچك عربان آهنك مخالف حجازاوزره طرف طرف اهالىٔ عراق وعجم نوروز رسيده كبى فريادلرين حسينى يه چيقاروب حصار دائرهٔ مجالسى مانندهٔ زمين نيشابورزلزله ناك ايدرك (بيت) غالبانايك ايچى بركبى سوزدلدن * انكيچون قتى پرمق بصمه بازنيرن * اداسيله تحقيق مقام ايدرلرودف صدفكارى دست خنيا كران ماه سيماى زمزمه سازدن فزياده كلوب (بيت) چون دائره آن ماهوشم ميدارد * كاهى به طبنجه دلخوشم ميدارد * كرناله كنم برويم افشاند آب * خاموش شوم برآتشم ميدارد * ولوله سيله لشكرآلام مستعينه دائره كش حصارممانعت اولدقجه تفنك اندازان دخان آه (بيت) تادائره زيب كف يار اولدى بنه * خورشيده سحاب پرده دار اولدى بنه * تاب رخى چقدى طشره يه دائره دن * مه هاله ايچندن آشكاراولدى بنه * غلغله سيله طوب اندازكمانك دروپشانهٔ هوهواولورلر ايدى (بيت) جهانده كاسه تهيلك بلاى جان ايديكى * خراش سينهٔ طنبوردن نمايا ندر * مألن زبان مضراب جكركاه اعلام ايدر (بيت) دل دائره وش سله خور دست غمكدر * فرياد سنك اى شه بيداد الكدن * مضمونى ربان جلاجل افهام ايتدكجه

زرد ودرون تهى نسخه

خنيا كران بضم اوله بمعنى سرودكر وآواز مطربان

اين بيت از بحر هزج اخرب ومكفوف ومحذوف

افیونزده کان قهوه پرستك (بیت) تریاکی اکر سبنه شود صد چاکش * از دل نرود خباثت امساکش * مانندهٔ خشخاش سر آورده به پیش * سر برنکند تا نه رسد تریاکش * مدعاسنی مبین اولان قامت خمکشته لری مار پیچیده کبی همصورت چنبر دف ایکن (بیت) افیون مفرحیست که درکائنات نیست * انرا که نیست نشئهٔ افیون حیات نیست * دیه رك دودست حقه پیوستلری مضراب سینه خراش شوق وشغف اولمشیدی زمزمهٔ کمانچه ناوك انداز صف وحشت * ونغمهٔ قانون شفا بخش خسته دلان محبت * اولوب (عربی) آهوای رشاء اسمعنی القانونا * فی حاجبه الازج القانونا * اقسمت بمن فی الیم القانونا * اعیا مرضی بقراط والقانونا * آوازه سی انجمن بالا خانهٔ افلاکه پیوسته اولوردی بر طرفدن ایسه کرمسازان هنکامهٔ جنك جویان دیرین * وقصه پردازان معرکهٔ پهلوانان پیشین (بیت) ادای شوخ ایله لعلین قبای شبنشهٔ می * محل جده بوکون کم حکایه باشلمدی * وقفنجه دست بهم زن * ونیزهٔ خیزران ایله قلب شکاف صف سخن * اولدقجه برشخواران سر بزانو کرز کران حقهٔ برشدن خشده اولان قامتلرینه هزار رنج ایله بالا ایدوب بدیع وقاسم نامنده ایکی شخص مجهول الاصل وعدیم الوقوعك غوغای ترجیح شجاعتی ایچون نعرهٔ های های بنکیانه ایله صحن قهوه خانه یی میدان وغایه دوندوررلر ایدی نیجه پابسته کان پیغولهٔ فلاکت خامهٔ مبلعه یی زبان ودهانی حقهٔ برش ایدوب لعاب سیال برش آلود ایله صحیفهٔ کریبان چرك آکینلرینه (نظم) مایهٔ مائدهٔ جاندر برش * مرهم قلب پریشاندر برش * خال رخسار صفادر افیون * طرهٔ عارض عرفاندر برش * ویرر انسانه حیات ابدی * جان بها اولسه ده ارزاندر برش * رتبهٔ نشئه سن ادراك ایده نه * آب حیوانله

حاجب ازج ای رقیق وطویل

ادای جوش ایله نسخه

آکین یصدق ایچی وهر نسنه نك که ایچی طولمش اوله آکا دیرلر وایچنده اولان نسنه یه دیرلر نعمة الله

یکسـاندر برش * رنج اندوه قومز دللرده * بادزهرغم دوراند ر برش * مقالن تسطیر ایدرلردی برکوشه ده ایسه ابدالان بنك خوار ناهشیار وادیٔ قلندرانه ایله پا لهنك سنکیتی زیب میان * وفنایٔ نیم شکنی زیور سر بی سامان * سفرهٔ چری بارحیرت کبی بردوش * ومنکوش پشمیی سخن کران کبی درکوش * وسر دستهٔ آبنوسی پیرایهٔ زانو * واکثری کوچك نامنده برمهرویی هم پهلو * ایدیبوب اطوارخانه بردوشانه ایله (بیت) مستانه یترکشت ایده لم هرسوقی * پرصید وصدا ایلیه لم عیوقی * ای همدم جان بکوریٔ افعیٔ غم * میدانه کتورذمرد مسحوقی * اداسیله جرعه دان اسرار حیرتبخشایی صفانظر یاران و بخش قلندران ایدوب اصطلاحات مخصوصه لری اولان ترهات بیمعنی وخلطیات بی نظام ایله کوشهٔ قهوه خانه بی همرنك تیمارخانهٔ مجانین ایدوب بربشقه عالم ایدرلرایدی ماحصل (بیت) غرضم ملك بقا ایدی عدم راهندن * اوغرایوب شهر وجوده اویالندن قالدم * مصداقی اوزره اقصای مقاصد * اوصاف علیهٔ مساجدو مراقد ایکن رهکذارخامهٔ هرزه کرد اوصاف شامه دوشمکله سرکرم نشئهٔ معجون صحبتی * وفریفتهٔ آب وتاب جمعیتی * اولمغله (بیت) دل طفلی که آواره لکك لذتن الدی * خیر ایتمز اوبردخی دبستان امیده * وفقنجه جیب ادا ربودهٔ دست هوا * اولمغین پنجهٔ کریبـان کیر شحنهٔ ندامت ایله راه جامع امویه یه امالهٔ قبالهٔ عزیمت اولندی (ذکر اوصاف جامع اموی) مرابرید بباب البرید جامع شام * که بی برید نیارم برید راه مرام * الحق بناء کار خانهٔ قدر قباب سبع طباقه اساس افکن استحکام اوللدنبری نه اول جامع شهر یفك زانوی ارتفاعنه سر سوده اوله جق بربنا سرافراختهٔ عرصهٔ ظهور اولمش * ونه قبهٔ لاجورد کون کردونه قندیل زرین ماه وخورشید آویخته اوله لی اول عبادتکاه رحمت پناهك آرایش سقف و

قهوه خانهٔ شام نسخه

(بیان جامع اموی)

کنبد لاجورد نسخه

دیواری برآفریده‌نك صفحهٔ متخیله سنه مرتسم اولمش حرم تابناکنك
فرش رخامنده عکس نواصئ کروبیان نمایان ودیوار فیضنا کنك سینهٔ
بی کینه سنده رسوم اجنحهٔ روحانیان جلوه کاندر * پیك نکاه
سر منزل طولنه وصولدن عرض اعتذار * وکند آه سقفنه ارتقادن
بسط مقدمهٔ انکسار ایدر (بیت) قبله کاه صف مقصود اوله مز سن
ای دل * سینه چاك اولمیجق صورت محراب کبی * وقفنجه سایهٔ
رحمت مایه سی خوابکاه هفتاد انبیا صلوات الله علی نبینا وعلیهم اولمق
اوزره ثبوت یافتهٔ تواتر اولان دیوارقبلیسنك دیدهٔ بیناسی منزله سنده
اولان محراب اعظمك جانب یمیننده واقع محراب مخصوص ابو العباس
حضرت خضر علیه السلام که بالاسنده لوحهٔ مرصعهٔ سنیهٔ
دیوار مثابه سنده ایکی روزن مزینك آرایش کتابهٔ جام ملونی اولان
ایکی لفظهٔ جلاله تعیین حدود مقام خضره دال واکثر ازمانده اول
محراب سعادت نصابده مشهود آشنایان عالم حال اولدقلری پرده
پذیر اشکال دکلدر علی الخصوص شمع سرانداز انجمن نبوت * شاهباز
سرباز میدان رسالت یحیی پیغمبر صلوات الله علی نبینا وعلیه
حضرتلرینك روضهٔ شریفهٔ نور پیمارلری که ماه منیر آسا هالهٔ
آغوش جامع شریفده منزل وبدن جامعه جانشین سویدای دلدر
بحمد الله والمنه جوهر خاك پاکی ودیعهٔ کنجینهٔ چشم عالم بین *
وعکس نقش حصیر فرش آستان شفاعت عنوانی پیرایهٔ جبین *
قلندی (بیت) مظهر مرحمت حضرت مولی اولدق * روضهٔ
حضرت یحیایه جبین سا اولدق * ینه محراب اعظمك جانب یمیننده
چکیدهٔ قلم الم سوز حضرت ذی النورین اولان مصحف شریفك
سیرهٔ مزرعهٔ رحمت اولان صفوف سطورندن دست نکاه شکوفه
چین انتباه قلندی (ینه جوف دیوار قبلیده نهفته عبادتخانهٔ خاصهٔ
حضرت معاویه رضی الله تعالی عنه زیارتنه بسط سجادهٔ همت

صحیفهٔ متخیله نسخه

تابناك بمعنی پاریلدایجی

هفتاد بمعنی سبعین

اولندی ینه جامع حیابخشانك رکن شرقیسنده واقع منارهٔ بیضا که همسایهٔ نیراعظم مهمان ضیافتخانهٔ طارم چارم یعنی حضرت عیسی ابن مریم صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلری ساحهٔ سرادقات ملکوتدن همراهیٔ صفوف روحانیانله پال جنبان خطهٔ ناسوت اوله جقلری هنکامده (بیت) انتظارره وصلتده غبار اولدی تنم * باشم اوستنده پر ایتسون اوکوزم نوری بنم * اداسی ایله صورتنمای لسان حال اولمغله منزل اولین قدم وآلاترین عیسوی اولوب نیل دولت پایبوسلرنده اجزای ارضیه دن چوکان کوی ربای مسابقت اولمغین منارهٔ عیسی نامیله سرفراز اوج اشتهار اولمشدر بحمدالله تعالی درجات مرقاتی هم آغوش خطوط جبههٔ تعظیم وطریقهٔ نیاز مندان شفاعت اوزره صحیفهٔ شریفهٔ عنبرینه مداد سودهٔ مردم دیده ایله (بیت) دیوان شفاعتده ایا حضرت عیسی * نابی قولك ایت بردم جانبخشله احیا * مآلیله عرض حال دل سرکشته ترقیم اولندی (ینه اول جامع فردوس سیمانك نظرکاه دریچهٔ شرقیسنده برحوض هفت خانهٔ رخامیه میانده قارپوز قالدران نامیله برفوارهٔ طوفان خیزآوازه انداز شهرت اولمشدرکه ساعد سرین سمین سیمین خوباندن افزون برآب صاف کال قوت صعودایله چرخ نه طاقه اطالهٔ لسان ایدوب کردش هندوانه شکل بلکه برقبهٔ سنکینی دستخوش بازیچهٔ امتحان ایتمك مقولهٔ غلو اغراق اولمدیغی مشهود چشم نظاردر اول فوارهٔ سودا سوز وصفوت سازه دیده کشای تماشا اولان نشیمن نشاط کسترده ترطیب دماغ استقرار اردنصکره جوهر ناياب کونین بهای معدن نبوت * جسد ملکوت آرای سلطان رسالت صلی الله تعالی علیه وسلم کنجینهٔ روضهٔ مطهرده دست زدهٔ دزدان نقب زن موش فن * کفرهٔ افرنج اولمغه قریب اولدقده ساحهٔ عالم مثالده زبان کوهر

طارم کچه دن اولان اوکه اتراك اولر یدروهر قبه کبی اولان نسنه ده استعمال ایدرلر فلکه دخی طارم دیرلر نعمة الله

قل نابی قولك بردم جانبخشله احیا نسخه

چرخ ناصافه نسخه

فشانلريندن ادركني يانور الدين خطابي كوشوارهٔ سامعهٔ استعدادي اولمغله صبحدم خاك پاك مدينهٔ منوره يه عنان انكيز مسارعت * واول قطاع الطريق ماركرداري زيرخاكده محفور تيشهٔ خدعه لري اولان راه پنهانده كزيدهٔ افعئ شمشير همت ايتدكدنصكره طائر عرش آشيان جسد مطهر محمدي بي صلى الله تعالى عليه وسلم قفس بندشباك اولان سلطان عظيم الشانك مشهد نورآميزلري زيارتيله تنوير نظر اولنمق ميسر اولدي اندن غيري جانب جنوبئ شامده آسوده نشينان محلهٔ خاموشاندن بلبل محفل طراز مسجد نبوي * يعني بلال حبشي * رضي الله تعالى عنه حضرتلرينك وابن عم حضرت حبيب مختار * وبرادر زيبنده كهر حيدر كرار * جعفر طيار حضرتلرينك وازواج طاهراتدن ماعدا ايكبوزه متقارب حلقه بندان دائرهٔ مجلس نبوي اولان اصحاب كرام رضي الله تعالى عنهم اجمعين حضراتنك مراقدي زيارتي ايله اكتساب انشراح درون اولندي (ذكر اوصاف صالحيهٔ شام) معمورهٔ شام زيبنده مقامك غربه مائل شمالي جانبنده ذروهٔ قله سي پالهنك نطاق ابدال چرخ نمدپوش اولان كوه بلند شكوه دامننده قصبهٔ صالحيه واقع اولمشدركه سواد شامله ميانندهٔ اولان لطافته لسان جري البيان اشجار وانهار وسيلهٔ فيصل * ودو صحيفهٔ رنكين صالحيه وشام اطرافندهٔ اولان وصالهٔ سبزكون اوزره خطوط انهار سميدن مكرر جدول * اولمشدركويا صالحيه وشام دوكفهٔ ترازوي لطافت سنجدر كفهٔ صالحيه دهٔ خفت بنيان اولمغله سواد شامه نسبت ايله نوعا صورت ارتفاع نمايان اولوب (مصرع) بري بيرندن احسندر بري بيرندن اعلا در * مصرعنه ماصدق واقع اولمشدر قصبهٔ صالحيه نك طرفين شرق وغربنده واقع ارزه وبرزه نام ايكي قريهٔ قرين الاعتبار بينده يتمش نفر جواهر كنجينهٔ نبوت دفين مطمورهٔ

(بيان صالحيه)

خاك اولد یعنی حدیث معجز بیان سلطان تختگاه لولاك ایله رسیدهٔ
درجهٔ صحت اید یکی جائز حد تواتر اولد یغندن غیری کوه جنت
شکوهك صدر و آلاسنده اجلهٔ مردان خدا اولان قرقلر مقامی ومدار
سبعهٔ سیاره آسایدیلر مقامی مسافهٔ بعیده دن نمایان * وانواریله
دائرهٔ شام درخشان اولمشدر علی الخصوص مقیم روضهٔ نعیم *
مرحوم سلطان سلیم قدیم علیه الرحمه نك آثار همت عالم کشالری اولان
جامع شریفده تنها سوار مضمار ولایت * یکه تاز فضای حقیقت *
سالك راه وحدت وجود * کاشف رموز بود و نبود * باغبان
خیابان طراز فتوحات مکیه * طوطیٔ پاك لهجهٔ شکرستان
سنوحات غیبیه * اشهر الواصلین * اکبر المحققین شیخ محی الدین
ابن عربی حضرتلرینك وجناب ولایت پناهلری ایله هم پهلوی
نشیمن خاك اولان شیخ فخر الدین ابراهیم عراقی قدس الله اسرارهما
العزیز حضرتلرینك خاك آستان فیض رسانلری خلعت دوش اجفان
قلندی (ذکر فرمان برای شهرآیین) (بیت) زلف خم در خمکده
بولدی قرار * شامدن چقمق استمز دل زار * رسمنده سواد دل
آرام شامك اشجار ملتفهٔ سر باسمانی قفس طائر ضمیر * وامواج
مسلسل انهاری پای دل دیوانه یه زنجیر * اولد یغی حالده مکرا ول
سنهٔ عمیمة المیمنه نك هنگام جنبش سپاه فصل بهارنده آصف اکرم
دستور اعظم صدر الوزرا * حضرت مصطفی پاشا * قلعهٔ منیعهٔ
چهرین تخریبنه علم انگیز عزم عدوشکن اولدقلرینه بناء دستیاریٔ
الطاف کردکاری ایله قلعهٔ مزبوره یی نمودار قلوب ویرانهٔ کفار
بیوردقلری نویدی ایله طرف اقطار ممالك اسلامیه یه خوان بهنای
فتوحدن توزیع حصهٔ مسرت اولنمغله (مصرع) هر طرف نامه
رسان پیك مرصع کمرست * وفقجه سر شاطران رکاب همایون
نسیم مژده رسان بهارکبی تزیین شهر و بازار ایچون ابلاغ فرمان

نوید بمعنی مژده
پهنا اینلو وعریض

شهر یاری ایتمکله (بیت) کلک تشریفنه بلبل ندا ایلر دونغایه * ینه کل چارسوی باغده سیرایت تماشایی * قولنجه زینت عارضیه یه کالا فروش استغنا اولان مفرح چارسولر * لباس آخر ایله دخی جلوه کر اولوب اولدن مشاهده سی دو چشم تماشائیانی کفهٔ ترازوی حیرت ایدرکن بو زینت تازه دخی علاوهٔ لطافت اصلیه سی اولمغله مد نکاه نظاری اندازهٔ دیباچهٔ ای دهشت ایلدی هرکوشه بر مفرح کاشانه یه وهر دکان بر مزین خانه یه دونوب (بیت) رفع ایدوب شبهه یی اوسنده عیاندر دیدیلر * جنت التده یا اوسنده دینلرشامل * شعشعهٔ امتعهٔ زرتار ایله هر بازار بر مشرق انوار و آویزش اقمشهٔ پرنقش ونکار ایله هر دکان بر کلزار شکلنه کردی (بیت) خیال هست جهانرا که پر بزد ازشوق * که کرده اندز آیین زینتش پروبال * رؤس قلل و بروجدن انداخته اولان طوب وتفنک مجالس ملاء اعلایی خبر یافتهٔ نشاط * وکلبانک ادوات ناری ایراث ایلدیکی زلزلهٔ قرار فرسا آسود کان لحاف خاکی نشئه مند انبساط ایلدی طاق آفاقه پردهٔ سیه فام شام آویزان اولدقده غلبهٔ چراغان ایله هر دکاندن نیچه ماه تابان وقنادیل فراهیم شده دن هر طاقده بر پروین فروزان اولدی (بیت) شبش چنان بلطافت که دیدهٔ اعمی * زجیب شام به بیند جمال صبح ومسا * خصوصا بو مقوله لیالی شادمانیده اسواق شامه مختص اولان آلای ارباب صنایع که بهر شب اون ایکیشر صنف اصحاب حرف که هر برصنفک دست اختیارنده عصای آتش افشان موسی آسا بر رشمع کافور وسائر نور رسیده کان بازار ملاحتک دخی پنجهٔ سیمینلرنده بر رشمع سوزان * ودوش ومیانلرنده ساعد عشاق کبی تیغ خونفشان * وتفنک زرنشان ایله کشت شهر و بازار وحکام شهر پیشکاهندن کذار ایدرلر (بیت) به فوج فوج ظریفان والون لون لباس * جهان بجلوه درآمد باحسن الاشکال * مواسم

فرسودن سورمك واياغله دپمك

فراهم جمع معناسنه در فعللر ومصدرلرا اولارینه داخل اولور فاعللرك ومفعوللرك جمع اولمسی قصد اولنور مثلا فراهم آمدن دیرلر کلجی فاعللر برابر ایه جمع اولمق معناسنه فراهم آوردن دیرلر کتوریلن مفعوللری برابر ایه جمع ایتمك معناسنه حلمی

اسفار همایون شهریاریده دارالسلطنة العلیه ده جاوی اولان اردو
الایی شکلنده هرفرقه مطلع جمعیتلرنده نمونهٔ کارلرین اعناق
اشخاصده مرور ایدن تختروانلرده ساده رویان خورشید جمال
یدندن اشعار ومقطع نظام حرفنده شاه بیت قصیده شکلنده برر
تنها سوار میدان حسن جمال والطافتی لباچهٔ فاخره ایله برر رخش
نازنده خرامه سوار ایدوب برکستوان کرانبها ایله برنیچه حبیب پرزیب
وسائر لوازم آیین پاشاییدن شاطران زرین طاس وسیمین تبر ومطره
جیان زراسکوف بکتاشی پیکر ترتیب اولنوب نیچه شهسواران
خورشید منظر تیرکش وتیغ وخنجر ایله سلحدار وچوقه دار طورنده
(بیت) آه کم برسپاهی دلداری * بنی ایتدی صوقق سلحداری *
مآلن اظهار ایده رک قطار اولوب طرفینده صف زده اولان
تماشاییانه (بیت) هرگز نگاه گرم بمن رو نمیکند * تامشورت بگوشهٔ
ابرو نمیکند * مضمونی اوزره جنبش ابروی مشکین ایله صورت سلامده
نگاه التفاتیله افاضهٔ نشئهٔ حیات ایدرلک و بعضی لاابالیان بی پروا
مشرب (بیت) رنجانی وصاله اوشانه عرض حال ایتدک * نه برمحلی
دیدرد لک نه در کنارایده بیلدک * و نیچه نیاز وصالی متضمن رقع
ورقعهٔ عرضحال ایتدکجه (بیت) کوزا وجه ایله عاشقه که لطف ایدر
کاهی عتاب * برسؤاله یرقومز اول غمزهٔ حاضر جواب * حقهٔ
العلین لب شکرفشانی مشرق تبسم پنهانی * و بعضی سیه بختان
پریشان روزکاری جنبش چین جبین ایله عتاب وآزاره ارزانی *
و نیچه نامراد لک عرض حالن کریبان صبر وآرامی کبی چاک * و نیچه
تماشادی جلاد بی امان شمشیر مژکانیله هلاک * و نیچه آزاده دللری
محبوس زندان چاه زنخدان ایتمکه فرمان * و نیچه دلبسته لری بردار
زلف پریشان ایتمکه شایان * و نیچه بیکسلری دیوان زبر طاق
ابروسنه احضار ایچون استعجال * و نیچه بوالهوسلری قاضیٔ محکمهٔ

فاخر ایله پاشانامنه برر نسخه

پیشکاهنده برکستوان نسخه

هجراند ه مرافعه یه ارسال ایدوب لوازم داد وستد ومراسم دار وکیرده بردقیقهٔ کمتر نامرعی قومیوب کذر ایتدکدنصکره بر فرقه دخی طور آخر و پاشای دیکرایله مروره باشلدی اولا طائفهٔ بزرکران (بیت) دانهٔ خالنه بق جنت رخسارنده * نیجه صبرایلسون اللهی سورسك آدم * ترانه سیله زمین دل نظاره تخم محبت اکه رك وفرقهٔ آسیا بیان (بیت) کریبان چاکیٔ عشاق ازذوق فنا باشد * الف دوسبنهٔ کندم زشوق آسیا باشد * مقالیله کلوی عشاق سرکشته حاله دانه زین حیرت اولدیلر * وکرم بازاران خبازان (بیت) ای دل غدای روح ازین خاکدان مخواه * طوفان درین تنور مهیاست نان مخواه * مألیله تنور درون عشاقی فروندن فزون کرم ایلدیلر وآتش دستان کبابیان (بیت) کباب آسا بلا بزمنده کوردم قلب عشاقی * مخالف دورالندن یردم اغلر بزمان ایکلر * ناله سیله کوشت پارهٔ قلب مشتاقی کوفته صفت نرم ایلدیلر (جرب دستان خوبان آشپزان (بیت) خوان احسانه اغیاری طیورمش دلبر * کوکلك ای خستهٔ هجران نه نك آشی اسر * مضمونیله سیر ساز معدهٔ اشتها پرور انتظار اولدیلر * وشربتیان بنفشه خال کلرخان (بیت) شربت لعل روانبخشنه عالم تشنه * اوجفا پیشه لطافتده برابجم صودر * زمزمه سیله حرارت کذار جکر سوختکان انکسار اولدیلر * کرشمه سنجان بقالان (بیت) برآفت بقال ستم سنجك الندن * طاشلرله دوکر سینه سنی کفهٔ میزان * ورتبی اوزره بادام چشم و پسته دهان ولب انکبین وروغن سرین ایله چهرهٔ سرکه فروشان بازار انتظاری طبلهٔ خندهٔ نمکین ایتدیلر (وابریشم تنان عطاران (بیت) صیدایتمکه مرغ دلی اول دلبر عطار * درهمله ترازوسن ایدر دامله دانه * وفقجه خال قرنفل نام عنبرین بو * وطرهٔ عبیرآلود مشکین مو * ایله تعطیر مشام اشتیاق عشاق رهنشین

سرون فارسیه بضم السین والراء ویجوز سرین بکسرهما بالترکیهٔ اوجه وبالعربیهٔ الورك کما فی التقدمهٔ والسامی وهی مافوق الفخذ

نمناك باش اولمش نمکین مثله بولفظ نمکین مرکبدر نم لفظیله آکین لفظندن ترکیب اولیجق الف حذف اولنور غمکین دخی بو یله درمعناری نمله وغمله طولمش دیمکدر نعمة الله

ایلدیلر (وشکر فروشان شیرین لبان (بیت) قند بشقه باشنه کله جکر
برار ایدی * چاشنیٔ لب جانانی کورنجه اریدی * ترانه سیله تلخکامان
زهرابه نوشان هجرانی لب قند ریزلرندن خطاب مکرر ایله
شیرین مذاق ایلدیلر * وحلوائیان شیرین حرکات (بیت) بلنی
قوچه ده در اول صنمك درد وبلا * یوخسه شیرین لبی عاشقلره
حاضر حلوا * اداسیله دماغ حنظل آشامان حرمانی چاشنیٔ نبات
التفاتیله فراموش کردهٔ مرارت اشتیاق ایلدیلر * سیم ساعدان
سرتراشان (بیت) اول سرتراشه بنده اولور سبنه سین کورن *
قورنقد جانی اوستنه آینه سین کورن * نغمه سیله زیرتیغ سرتیزی
جای آسایش عدایدن سربرهنه کان منصهٔ تسلیمی سر بی ساماننده
آثار سودایی تراش ایدوب * وخونریزان قصابان بی رحم دل
(نظم) قصاب دلبری جکر حلقی پاره لر * قانلر دوکر غم مژه سیله
قناره لر * قصاب چنکی ایتمده ده اغیار یله ولی * عشاق سبنه صافی
کوردکجه آره لر * منطوقی اوزره ساطور نکاه پوستین شکافیله پارهٔ
جکر قربانیان بسملکدهٔ محبتی زیور قنارهٔ مژکان خونپاش ایلدیلر *
* زیبنده قدان خیاطان (بیت) آچدم متاع رازمی برترزی شوخنه *
چوق اوچلدی دوکدی کوردی جقشمز تکللدی * فحواسی اوزره
مقراض نکاه و سوزن مژکان وابریشم تار کیسو وتباشیر غرهٔ روی
دلجویلری ایله قامت انظار نظاره جامه دوز اضطراب اولدیلر *
(وطنازان قزازان (بیت) ایدردم دکه سبنه رشته جانم ایلك دلدن * بنمله
اول مه قزاز اکر بازاره ال ویرسه * رسمنجه تار شعشعهٔ جماللری
ایله کریبان صبر عشاقه نکمه باف انقلاب اولورلر ایدی * چوانان
کفشکران (بیت) پابرهنه کوچه کرد آزادهٔ بی قیدایکن * آه برشوخ
کفشکر پای بند ایتدی بنی * قولنجه آوارکان کوچهٔ هوایی اباق
خفافی ایلدیلر * وسیم تنان زرکران (بیت) تن زرسیم سرشك وکرهٔ

چوق کسدی
بچدی کوردیکه
چقشمز تکللدی
نسخه

آهم ایله *مسکنم چارسوی زرکره دوندی جانا *مقالیله پوتهٔ محبتده
قال اولان دلسوختکان سکه دارخالص العیاری دلبرصبرانی ایلدیلر*
* سلسلهٔ مومیان آهنکران (بیت) دوشدی دامان دله برشرر شوز
افکن *عشق آهنکری زنجیر جنون اشلر ایکن * ناله سی ایله آهن — سوزافکن
سرددوکن مجانین بیقیدی درزنجیر ایلدیلر * وهلال ابرویان — نسخه
نعلبندان (بیت) حسادایکی یاری بری برینه چقرلر *بوخلق کهی
نعله کهی میخه قفرلر *آوازه سیله نعل در آتش اولان بیقراران
بادرهوایی تسخیرایتدیلر *سرخ رویان سراجان (بیت) عنانم الدی
برسراج زردوزملك پیکر* که چرخی عکس رخساری کل شفتالورنك — ادیم عکس
ایلر * وقفنجه عنان اختیار نظاری ربودهٔ دست ناز ایلدیلر* — نسخه
ونازك تنان دلاکان (بیت) سیه فوته‌یله کورحامده اول ماه تابانی*
اکرکورمك دیلرسك ظلمت ایچره آب حیوانی * ماصدقنجه برهنه
جسمان کوی ملامتی کرمابه نشین پرتف وتاب نیاز ایلدیلر*
الحاصل سه شبانه روز علی التوالی اهالئ شامك قعودلری قیامه
وآراملری خرامه مبدل اولدی جنبش مقراض اشعه ایله مجموعهٔ
ایامدن اوراق لیال منقطع * وتوسط مسرت وانبساط ایله اجفان
انامده هیئات اتصال مندفع اولدی (بجامه خوابلری محمل نسیانده
برچیده چارشبلری آبدان تعطیلده پیچیده اولوب طرف طرف
حلقهٔ انجمن یاران صید طائر عشرته حلقهٔ دام * ومشاهدهٔ
جمال خوباندیده لرده جایکیر منام اولدی (بیت) نه عجب تیز کچر
ذوق وسرور ایامی* ایرمدین نصف نهاری ایرشور اخشامی*
مضمونی خاتمهٔ صحیفهٔ شادمانیده نمونهٔ امضای انجام اولوب (بیت)
لباس عاریه درهب کچر کوکل اولمه * فریب خوردهٔ تزیین چارسوی
جهان * مألی صورت آرایش ایامدن پرده کشای ابهام دوام — دوام اولمغین
اولوب (بیت) شامی کوردك ینه تحریك رکاب ایلیلم *کل کوکل — نسخه

اصلی به شتاب نسخه

مقصد اقصایه شتاب ایلیلم * دیه رلك چشم سارشامدن دست شوی
آرام * ومصر قاهره یه امالهٔ لجام اولندی * نهضت از بلدهٔ
لطیفهٔ شام * اوجنجی منزلده مسند آرای کلبهٔ احزان * پیر پاکیزه
ضمیر خانقاه کنعان * حفید جد الانبیاء * ناله سنج واسفا * یعنی
جناب یعقوب صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلرینك (بیت)
سرشك دیده سی اوسته ده پل کبی خم ایدی * فراق یوسف ایله
قدی پیر کنعانك * مضمونی مبین ساختهٔ معمار همت نبویلری اولوب
بنه اضافهٔ اسم سامیلری ایله نائل رتبهٔ افاضه اولان جسر یعقوب
علیه السلامدن ماندهٔ سیل اشك کذار اولندی * و بیختهٔ غربال
تواتر اولان حبوب اخبار وفقنجه مردم چشم عالم بینلری پیر و
یوسف علیه السلام اولنجیه دك پیكان خاراکدار سرشك
آتشینلریله اول حوالینك احجاری سوراخ اولدیغی ممر نظر
حیرت قلنه رق (بیت) یوسف از بیمهری اخوان بچاه افتاده
است * بحسد نبود برادر کر پیمبر زاده است * مصداقی اوزره
اول محراب ابروانی سجده کاه کواکب اولان ماه منیر اوج رسالت
افتادهٔ چاه رصد حسد اخوان اولوب هالهٔ آغوش غیابه سنده
حلوه کر اولدیغی چاه صفوت پناهه القای کمند نورنکاه وآب
دل زداسی زیارتکاه افواه اجفان قلند قدنصکره هفت روزه طی
منازل ایله قصبهٔ رمله پازدهٔ خیول وصول اولدقده احمال واثقالدن
تجرد طریقیله زیارت بیت المقدسه تحریك قامهٔ شتاب اولندی

بیان (زیارت بیت المقدس

﴿ عزم کردن بسوی قدس شریف ﴾ رهنمونیٔ فیض خدا ایله روزن
کشای حرم اقصا اولان مهمانسرای چرخ آشنای سلطانیه که
ملوك ممدوح السلوك مصریه دن سلطان قیتبای علیه الرحمه نك
ارتفاع درجات دارینه دال * ونقوش خرده کار رخامیه فرش
ودیوار * وسقف شعشعه پاشی صورتنمای امتناع قبول مثالدر

اول منزل وآلاده خطه‌ٔ راحلهٔ چندروزه قلنوب رویمال خاك عطرناك
حرم اقصایه مسارعت اولندی حقا حرم نور پیمای مسجد اقصا
برساحهٔ روح بخشادرکه سکزیوز قرق ذراع طولی و بشیوز
یکرمی بش ذراع عرضی فرمان بنای کارخانهٔ قدرله رسم کشیدهٔ
پرکار کوشهٔ بال روح الامیندر دائرهٔ سورمعمورهٔ قدس مبارکك
مقدار ثلثی ساحهٔ صحت بخشای حرم اقصی اولوب ثلثان آخری
مساجد ومواضع بیوت ناس ایدیکی قرار دادهٔ مهندسیان دیاردر
(اولا حرم مکرم اقصی حصار جنوبی وشرقینك رکننده غایت
ارتفاع اوزره واقع اولوب طولی جنوبدن شماله وعرضی شرقدن
غربه دوشمشدر) وبو حرم شریفك طرف غربی وشمالیسی معمورهٔ
شهره متصل اولوب بالجمله مدارس وطرف شرقی و جنوبیسی
وادیٔ وکهسار واقع اولوب حتی اوندن زیاده روزنهٔ خاطرکشاسی
بالای حصاردن جانب جنوبی صحرایه کشاده واقع اولمشدر
(وحرم شریف اقصانك شمار طبقات افلاك اوزره نه دریچهٔ
ملائك نشینی اولوب اشرف اشهری دیوار شمالینك رکن شرقیسنه
قریب محلده واقع اولان باب الحطه درکه معمورهٔ نظم الهیده
کریمهٔ (وادخلوا الباب سجدا وقولوا حطة نغفرلکم خطایاکم
وسنزید المحسنین) ایله اعتلای شانی مبین اولدیغندن غیری بالجمله
انبیای کرام صلوات الله علی نبینا و علیهم السلام حضرتلری
قادمه چنبان زیارت اولدقلرنده اول باب سعادت انتسابدن داخل
اولوب علی الخصوص تنها سوار میدان اسری صلی الله تعالی
علیه وسلم حضرتلری دخی شب معراجده رهنمونیٔ روح الامین
ایله اول باب آسمان جناب سده سین مغبوط قباب نه رواق بیورب
عنان براق باصره رفتاری مربط ازمهٔ خیول انبیا اولان حلقهٔ
سعادتمداره بسته بیورمشلردر(وباب الاسباط دخی باب الحطه

الحطه خانك کسریله
شول یردرکه برکیمسه
کندی نفسی ایچون
اختیار ایدوب انده بنا
یاپمغه علامت وضع ایلیه
ومنه خط البصرة
والکوفة وانقولی

ایله علاقه کیرتقارب اولمشدر اکرچه مرسوم کوشهٔ بال روح
الامین اولان دائرهٔ حرم مکرم بالجمله مسجد اقصی ایدیکی حیز
درجهٔ تحقیق ایدیکی مسلمدر لکن حالا احاطهٔ دائرهٔ حرمده
مسجد اقصی نامیله سرافراز اوج اهتزاز اولان جامع شریف
دیوار جنوبیده جانب بیت الحرمه توجه اوزره زانوزدهٔ قعدهٔ
استحکام اولوب جانب غربیسنده مسجد مغاربه نام برمسجد
طولانی وجانب شرقیسنده حضرت عمر الفاروق رضی الله عنه
سواد مرقع معمورهٔ قدس مبارکی دست عالمکشالریله صور
وجود بدبود کفاردن تخلیه وتطهیر بیوردقلرنده تعمیرکردهٔ
معمارهمت بی همتالری اولان مسجد همزانوی صف اتصال واقع
اولوب جامع اقصادن پابرجای قیام اولان ستون رخام ابرفام خارج
مراتب شمار * وزخم رسان سبابهٔ تعجب نظار درجانب یمین
منبرده قامت افراز ساحهٔ اعزاز برستونکه حالا آویزش کوشوارهٔ
مینافام قنادیل ایله اجرای مراسم تعظیم اولنمشدر اول سرو ریاض
قدسك سایهٔ دولت مایه مسند مکلچین کلشنسرای افلاك * بالانشین
سریر لولاك صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلری اکثریا ذودست
خزائن کشای شفاعتلرین قفل کنجینهٔ صلوة بیوردقلری مشهودهٔ
نکشاده چشمان صورت ومعنی اولمغله اول مسند وآلادهٔ تختهٔ دریوزهٔ
دست دعا ونیاز نقد اجابتدن تهی اولمدیغی اشتباهدن خالیدر
مسجد عمر رضی الله عنهدن رکن شرقیه یه وارنجه رتبهٔ عشره یه
قریب طاقچه لرله برصفهٔ طولانی ساق زدهٔ استقرار اولوب تختی محبس
عفاریت جناب سلیمان نبی صلوات الله علی نبینا وعلیه درکه هزار
عماد دیوشکن ایله مغاك هولناك زیرزمینده میانهٔ تقویم فتاده مانندهٔ
شب یلدا تاریك وطولانی * قلوب شیاطین کبی ظلمانیٔ جاودانی *
واقع اولوب هدم وتخریبی بیرون یارای قوت انسانی اولمغله بنای

یارای بمعنی طاقت
یعنی مجـال

سلیمانیدن باقی قالمشدر اول زندان واهمه رسانه متصل رکن
حقیقیٔ شرقیده حضرت مریم رضی الله عنهانك ایام حیاتلرنده
اقامتگاه استراحتلری اولان بر حجرهٔ روشن که نردبان چند پایه ایله
زیر زمینده گوشه نشین خفا اولوب دیوار قبلیسنده سینه گشای
هدا اولان محراب مریم پیشگاهنده رخام مجلادن بر تکنهٔ روحانیکه
خمیرمایهٔ انفاس حیاتبخشا * یعنی ذات آسمان مسند مسیحا *
هنوز پیچیدهٔ قماط شیرخواره کی اولدقلری حالده مهد وجود
نازنینلری اولمغله جانب طارم چارمه خمیازه کش حضرت اولمشدر
وینه اول حجرهٔ دلپذیرك دیوار شرقیسنده واقع صفه ده محراب
جوارینده قندیل فروز تعیین اولنمشدر رکن شرقیدن رکن شمالیه یه
وارنجه تأسیس کردهٔ اندازهٔ معمار حکمت اولان حصار مغفرت مدارك
شرقی که وسطنده باب الرحمة وباب التوبه نام ایکی باب دولت مآب
سینه گشای مطلع آفتاب اولمشدر * اول ایکی در حکمت اثر پیشگاهنده
اعاذنا الله تعالی وادی هولناك بعید الفور مغاك جحیمدر که بر مقتضای
تعیین ازلی حالا مقبرهٔ عذاب نمود کفرهٔ یهود اول وادیٔ کافرسوزك
درونده طور ثنای جدری روی زمینه اولوب روز جگرسوز رستاخیزده
گذرگاه رهروان نعیم و جحیم اولان جسر صراط وضع اولنه جق
محلی تعیین واشارت ایچون باب الرحمه ایله مهد عیسی بیننده بالای
حصار شرقیده اوچ ذراع مقداری برستون رخام بنه اول وادیٔ
دهشت انگیزه اوزره خارج حصاره اطاله اولنمشدر جناب سلیمان
صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلری فرمان مبدع کارخانهٔ
ایجاد ایله اتمام بناء بیت المقدس بیوردقلری شام مسرت انجامده
نیت زیارت ایله باب الحطه دن درون حرم محترمه کامزن دخول
اولدقده دائرهٔ حرم مقدسی لبریز نور الهی مشاهده ایتملریله تاب آور
تاب تجلی اولمدقلرندن پای عزیمتلرین کره بند زمین حیرت ایدوب

پیچیدن بورمق
وطولاشمق
القماط قافك کسریله
شول نسنه درکه انکله
بشکده اوغلانی بغلرلر

آینهٔ

آینهٔ زانولرین نهادهٔ روی زمین ایدرك اول نشئه مند صهبای
بی خمار تجلی روش مستانه ایله برنیجه قدم طی ایتدکلرنده فرمان
حضرت کریم چاره ساز دلنواز ایله صخرهٔ مبارکه نك برقطعه سی
استقبال ایچون سنك فلاخن سرعت اولدیغنده اشارت سلیمان نبی ایله
اول منزلده کوشه گیر آرام بردوام اولمغین بالای سر سعادت اثرینه
ابرقبه بنیاد بیوروب ینه فرمان آرایئ انس وجن ووحوش وطیور
ایچون ترتیب دیوان بیوردقلرنده کرسیٔ حکومت نبوت توأملری اول
جایکاهه قریب محلده موضوع اولدیغنك اشارتی حالا هویدادر
(اما زمین حرم ارم توأم اقصایه دست فراش صنع ازل ایله قالیچهٔ
بریشم تارسبزهٔ همواره کسترانیده قلنوب جابجا آشیانهٔ طائر قدسیان
اوله جق اشجار سایه دار * ریشه انداز زمین استقرار اولمشدر
میانهٔ حرمده حرم مخصوص صخرهٔ مبارکه بش التی ذراع مقداری
ارتفاع اوزره تخمینا اوچر یوز ذراع طول وعرض ایله مرآت
صورتنما کبی رخام مجلادن بناء اولنوب بیرامنی ینه رخامدن برذراع
مقداری دیوارچه ایله احاطه اولنمشدر رکن غربیسنده روز بازار
قپانده میزان عمل سنج انام موضوع اوله جق محلده نیجه ستون
موزون رخام اوزره برمنبر مطبوع السیما * وبر محراب سینه کشا *
بنا اولنمشدر وبوساحهٔ تابناکك جوانب اربعه سندن سکزیردن
یکرمبشر پله دن افزون سلم سلامت فرمایه ارتفاع اولنوب پایهٔ
پایینی مسافهٔ بعیده دن تأسیس اولنمغین غایت پهن وفراخ واقع
اولوب هر پایه سنده پهلو به پهلو یکرمبشر آدم پانهادهٔ صعود
اولمق حیز امکانده در (وبوساحهٔ دلارانك آغوش میانه سنده
قبهٔ صخرهٔ مبارکه بیضهٔ طائر سعادت شکلنده جلوه نما اولمشدر
قبهٔ نور پیمانك نصفنه بالغ اولنجیه دك اطرافی لباس رخامیه ایله
برحرم هشتخانه هاله وار احاطه ایدوب اندن یوقارو تاکنکرهٔ زرین

قبه یه دك خلعت كاشئ نادیده نقوش ایله جلوه نمای طرز آخر اولمشدر اول قبهٔ عالیشانك بنای اصلیسی ملوك امویه دن سلیمان بن عبد الملكك بیضهٔ طائر همتی ایكن بعده الباس كاشی و رخام بهشت آشیان (مرحوم سلطان سلیمانك) دوختهٔ كارگاه همت بی همتالریدر زیر قبهٔ سپهر مماسده تخمینا طولا یكرمی وعرضا اون سكز ذراع مقداری قفص احاطه سنده طائر زیندهٔ پرواز اوج سعادت یعنی صخرهٔ مباركه جانب قبله یه توجه اوزره آسوده بال آشیان استقرار اولوب شش جهتدن قطع روابط واتصال ایله علاقه پذیر وقفهٔ امتثال امر ذوالجلال ایدیكی پیوند گسل حبال قیل وقالدر (دوش یمیننده نقش تمغای اثر پای محمدیكه تشریف سرادقات ملكوت پیوردقلری شام طرب فرجامدن یادكار قالوب ماننده دهان گوهر فشان (بیت) چون غلامیست كه كم كرده خط آزادی * هركه بیداغ تو در عرصهٔ محشر گردد * ترنمیله لبریز مباهات اولمده در * بهشت مسند (مرحوم سلطان احمد اول) صور تمای فاختهٔ شاخسار خدایی تعظیما مكین قفص سیمین ایدوب نو بنو گلاب ایله پر اولمغین اول فیضله وجوه نواصیٔ زوار مشارق انوار اولمه ده در (مهمان گرامی ترین ایزدی صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلری رخش ران آسمان اولدقده صخرهٔ مباركه كشش جذبهٔ محبت ایله بیقرار اولوب آمادهٔ پرواز مرافقت اولدیغی حالده فرمان یزدانی ایله حضرت روح الامین نیم راهده تمكین بیورمدقلریله آثار خامهٔ انامل روح القدس صحیفهٔ صخرهٔ مباركه ده مرتسم اولمشدر * وبرجا نبنده دخی رخصت یافتهٔ گلگشت چمنزار فرادیس * جناب ادریس * صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلرینك اوندن متجاوز نقش قدم مكرملری دیده كشای جانب آسمان اولمشدر زیر سایهٔ دولتمایهٔ صخرهٔ مباركه برغار

پیوند اولاشق سبب اتصال حلمی

تشریف سراپردهٔ سرادقات نسخه

صحیفهٔ بدن صخرهٔ نسخه

شكلنده

شكلنده نمودار اولوب جانب قبلیدن نردبانڭ هفت پایه ایله اول
مخزن اكسیر سعادته وضع قدم زیارت اولنمه‌ده در (لیلهٔ معراجده
امیدگاه كافهٔ عجزهٔ عصاة صلی الله تعالی علیه وسلم جنابندن
ناطقه سنج رجای شفاعت اولان لسان بلیغ البیانی جسم مبارك
صخره‌دن متمیز اولوب ما لشكاه افواه وجباه اولمشدر طرفین
نردبانده محراب داود وسلیمان صلوات الله علی نبینا وعلیهما
السلام صورتنمای دوچشم جهان بیندر كه اكثر اوقات حیاتلرنده
اول محرابلرده سجده بردرگاه قاضی الحاجات اولمشلردر (قافله سالار
نبوت صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلری لیلهٔ معراجده امامهٔ
سبحهٔ اصفیا * یعنی امام صف انبیا * صلوات الله علیهم اجمعین
اولمغیچون مردمك دیدهٔ محراب اولدقلرنده اثر عمامهٔ مباركه‌لری
سینهٔ صخره‌ده اثر ایتمكین بر هیئت مقعر جلوه‌گر اولوب شام
وسحر بر قندیل ضیاپاش فروزان اولمه‌ده در * بر گوشه‌سنده دخی
بر صفهٔ مختصره كه ینه شب پرطرب معراجده تنهانشین منصهٔ رسالت
صلی الله علیه وسلم حضرتلرینك گوشهٔ دامن دولت پیرامنلرینی
بر گربه بستر خواب ایتمكین اطارهٔ خواب راحت گربهٔ مسكین تجویز
كردهٔ شفقت دلنوازانهٔ نبویلری اولمامغله گوشهٔ مأمن دامنلرین بریدهٔ
مقراض مرحمت بیوردقلرنده گربهٔ ناهشیار فرمان مغیر الصور ایله
صورت حجرده جلوه‌گر اولوب تا بقیامت خواب سنگینده مشاهدهٔ
صورت بیداریدن وایه‌گیر حرمان اولمشدر حالا علامتی هویدا *
ومحل اجابت دعادر * بر گوشه‌سنده جناب جد الانبیاء * خلیل خدا *
صلوات الله علیه وعلی نبینا حضرتلری نیجه دفعه اصحاب بصارت
هویدا اولمغله محراب ابراهیم نامیله مرسوم صحیفهٔ دیوار اشتهار
اولمشدر بالای صخرهٔ مباركه‌ده داود علیه السلام حضرتلرینك
ساختهٔ دست اعجاز آهنگدازلری اولان درخت پرشاخ وبرگ

محرابلرده سجدهٔ
پروردگار قاضی
الحاجات نسخه

آهنین ایله سپرسید الشهدا حمزهٔ باصفا سایه انداز شهرت اولمشلردر (ینه درون قبهٔ صخرة الله ده امیدگاه اهالی ایمان یعنی درروضهٔ جنان اوله جق محله یسرنا الله وایاکم باب الجنه تسمیه سی ایله بررخام سبز کون وضعی ایله اشارت اولنوب مائدهٔ آسمانی دخی پیش نهاد مهمانان یزدانی اولان محل بررخام سفره سیما ایله تعیین اولنمشدر واسطهٔ نزول کریمهٔ هل اتی ماصدق وصف لافتی باب مدینهٔ علم احمدی * شاکرد درسخانهٔ محمدی * علی بن ابی طالب کرم الله وجهه منظور اصحاب صدور اولدیغی محل مقام علی تعیینی ایله زیارتگاه اصحاب انتباهدر امادرون قبهٔ رفیعهٔ صخرهٔ مبارکه ده نگاشتهٔ قلم استاد ازل اولان نقوش حیرت فزا * نورنگاه مخروطی الشکلی همرنك دم طاوس * وعکس جام روزنی نظاری همچشم خروس ایدوب خصوصا صحائف جدرانده شکافتهٔ ارهٔ حکمت ونگاشتهٔ قلم قدرت اولمش رخام آیینه اندامله که چارقطعه سندن بررکابهٔ موزون یاخود بررشمسهٔ خوشنمون بدیدار اولوب کویا خلاق ازل عزوجل * نگارخانهٔ صنع ازلیده مطلق آرایش دیوار صخرهٔ مبارکه ایچون رسم وایجاد ایلمشدر تخصیص ایکی طاوس تمام الاعضا برکاسه به سرانداز اولمق صورتی هویدا اولدیغی اصحاب بصیرتی سر افکندهٔ زانوی استغراب ایتمه ده درخوشا صخرهٔ مبارکه که میانهٔ اجزای ارضیه ده ذات مقدس الهیه یه اختصاصله همسنك ترازوی قدر عرش اعظم اولوب فرقهٔ انبیای کرامه زیارتگاه * واقدام فیضکاهلرینه بوسه گاه اولدیغندن غیری سلطان عرش مسند صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلرینك خلوتخانهٔ خاص الخاص قربه عروجلری هنگامنده بام آسماندن آویزان سلم نورانینك متکای درجهٔ پایی اولمغله اثرقدم شفاعت توأملرین حلقهٔ گوش افتخار ایلدکی مرتبه سندن فضله روزچکر

سوز رستاخیزده دخی تفریق اهالئ بهشت ودوزخ ایچون منصهٔ
محکمهٔ قاضی الحاجات اولوب زمرهٔ عصاة زوارینه لب جنبان
شفاعت اوله هزارهزار شکر حضرت خالق بیچونه که مهمان رباط
چارصفهٔ بدن یعنی روح پرمحن * راحله بند بندر فنا اولمدین ناصیهٔ
سیاه کناه آلود اول سنك مبارکه مالیده قلمغله داخل شمار زوار
اولمق میسر اولدی المنة لله تعالی وتقدس کنار صخرهٔ مبارکه‌ده رخام
مجلادن برقبهٔ خوشنما بنا اولنوب قبة المعراج اسمیله طوافکاه انس
وملك اولمشدر سوداکر بازار ملکوت صلی الله تعالی علیه وسلم
حضرتلری راه آورد صلوات خمس ایله نازل مطمورهٔ خانه اولدقلرنده
ابتداء تحریمه بند افتتاح صلوة اولدقلری محاذه دخی برمحراب
سعادت نصاب پابرجای قیام اولوب شاهد با آلاخرام دعا اول محراب
شریفده کلدکونهٔ تأثیرنما ایله سرخ روی اوله کلمکین قزل محراب
نامیله شهرتیاب اولمشدر (وینه خارج قبهٔ صخرهٔ مبارکه‌نك جانب
شرقیسنده محکمهٔ داود صلوات الله علی نبینا وعلیه اولان موضع
اوزره قبة السلسله نامنده هشت طاق رخام اوزره برقبهٔ زیبنده سیما
جلوه‌نما اولوب بهشت مکان سلطان سلیمان زیوربند کاشی
خوش نقش اولمغین (یاداود انا جعلناك خلیفة فی الارض) نظم
کریمی الی آخره آرایش کتابهٔ بالای طاق ایلمشلردر (وینه اول
محل معتبره قریب مقام حضرت خضر علیه السلام بررخام آبری ایله
تعیین واشارت اولنمشدر (خارج حصار قدس مبارکه‌ده پیشکاه
باب الحطه ده مزار عصمت مدار مریم دفین آغوش زمین اولوب
(ینه خارج حصارده جانب غربیده مرقد نور آلود حضرت
داود صلوات الله علی نبینا وعلیه برمسجد وآلا قباب داخلنده
حجرهٔ بهشت اثر درونده موازئ الحاف خانه اولوب استار زرین
تار صندوقهٔ مشکبارلری نور بخشای افواه زوار اولمشدر

المطموره مبحث فتحی وطانك سکونیله شول چقوردرکه انده ترکه صاقلنور وانقولی

(وینه معمورهٔ بیت المقدسك جانب شرقیسنده سر برآوردهٔ مفغر
گردون اولان کوه بهشت شکوه طور زیتاده مضاجع انبیا وشهدا
ماندهٔ انجم جابجا ضیا بخشا اولوب امکنهٔ متعینه‌دن مزار لامع
الانوار (حضرت عزیر واثر قدم روح الله وحالت رعی اغنامده
نالشگاه (کلیم الله صلوات الله علی نبینا وعلیهمدن غیری مزار
رابعهٔ عدویه رضی الله تعالی عنها زیارتگاه قدسیاندر (فریاد
کریه خیرهای‌های حسرت * زلزله افکن اساس گردون * وشعله
آه عالم سوز ندامت * داغزن درون چرخ نیلگون * اولمق
سزادر که بیم نیزهٔ سرتیز زهرنان امان ندان عربان جناب خلیل خدا
(حضرت ابراهیم وحضرت موسای کلیم صلوات الله علی نبینا
وعلیهما حضرتلرینك (وگنجینهٔ مدفن ابراهیمده مدفون اولان
جواهر فروزندهٔ درج نبوت یعنی جناب اسحق و یعقوب و یوسف
صلوات الله علی نبینا و علیهم حضرتلرینك زیارت ریاض
مقدسه‌لرینه خاردیوار ممانعت اولوب شوق خاك آستانلرینه آغوش
ناصیهٔ امید خمیازه کش تحسر قالمشدر ﴿وصف ریك بی امان راه
مصر﴾ قدس مبارکه ده سه روزه آرامدن صکره ینه رمله وغزه جانبنه
عنان گردان اولوب غزه‌یه قریب محلده قبور شهدای عسقلانه
آمد شد سفیر دعا درکار قلندی (غزه‌دن بشنجی منزلده واقع قلعهٔ
عریش ایله صالحیهٔ مصر بینی که بش مرحله در آب ودانه دن
تهی ریکستان اولمغین (بیت) چون کذ شتی از رباطتن ذکر معموره
نیست * زاد راهی برنمیداری ازین منزل چرا * آوازه سی اقلام
السنهٔ اصحاب وقوفدن مرسوم صحیفهٔ سامعه اولمغین مأکل
ومشارب پنج روزه تحمیل دوش جمال قلنمغله دریای رمالده شنابه
عزم اولندی واقعا عرضا بش التی منزل طولا یکرمی منزل مقداری
مجل لب بحر سپید دن کنار بحر سویسه وارنجه بحتهٔ غربال تنك

السفیر بفتح السین وکسر الفاء بمعنی الرسول ومن یصلح بین القوم وانقولی

چشم اولمش ریك ساعت مشابه سنده ریك سفید کستردهٔ دست
فراش قدرت اولوب میانه ده طاق کردونه پیوسته کوهلرکه تازیانهٔ
تحریك باد ایله موجهٔ دریا کبی بیقرار ودستخوش بازیچهٔ روزکار اولوب
(بیت) روزکاریست که باریك روان باسفرم * میروم راه زمنزل
خبری نیست مرا * وفقجه دست استاد صنعله مانندهٔ آلات
شطرنج برساعت برخانه ده آرامی محال * وجنبش چوکان
روزکار ایله کوی صفت برساحه ده استقراری منعدم الاحتمالدر
(بیت) بادرد عشق طاقت و بی طاقتی یکست * تمکین کوه وکاه
در پنجار برابرست * الحاصل اول بحر مواج ریك ایچره غوطه خواریٔ
اضطراب ایله عزیمت اولندقده قوایم خیول قارونه قرین * وخم
خسروانی کبی شکملری زیب زمین * اولوب صفحهٔ ریك اوزره
آثار اقدام مطـایا برینه نقش تختهٔ رکاب هویدا * ورسم قوایم
جماله بدل عکس داغ سینه‌لری پیدا ایدی سوارلر پیاده شکلنده
نمودار * پیاده‌لرك ایسه انجق عقدهٔ زانولری آشکار ایدیکی
مبالغه واغراق دکلدر * اوتاد خیامه استقرار حیز امکاندن دور
اولمغین دستبرد تاب آفتابدن سایهٔ شب چشم اعتبـاره سرمهٔ
صفاهانیدن برتر * وپای دواب قرارداده اوله جق مرتبه زمین سخت
تخت سلیمانیدن نازکتر * کوریتوردی نه حال ایسه بوکونه رنج راحت
فرسا ایله پنج شبانه روز افتان وخیزان (مصرع) ایده لم طی بیابان
برایجم صوده رك * نخلستان قصبهٔ صالحیه آشیانهٔ طائر نکاه
اولدقده حکایات الفرج بعد الشده صحیفه‌ٔ دلده مرقوم اولوب
سایهٔ نهال بالاکش خرماده وضع خیام آرام اولندی ﴿ذکر وصف
زمین حرم مصر﴾ اواخر فصل مهرجان اوائل فروردین مصر
اولمغین تمام هنکام اعتدال هواسنه مصادفه اولدیغندن فضله آب
نیل تمام اراضیٔ ساهرهٔ غبرای قاهره یی مستور دامن همت ایندیکی

فرسودن یعنی صولمق و بوزلمق واسکیوب دیدلمك وسورمك وایاغله دیمك

موسم اولمغله کریبان صالحیه دن دامن مصره وارنجیه دك
درت بش منزل مقداری فضا لباس آبکون آینه سجاده ناپیدا *
اولوب انجق کذرکاه رهروان ایچون تخمینا درت بش ذراع عرضنده
برراه مرتفع ومفرح قالوب میانهٔ آب کوثر سجاده برمنزل خد نك
مقداری محلده برقریهٔ قصبه نمون جایکیر اولوب برراه باریك ایله
یکدیکره اتصالی اولمغله هرچار قریه نك ما بینی برحوض دلپذیر
شکلنی اشعار ایدوب ساحهٔ قرادە اولان هرنخل سرافراز (بیت)
میان نیلده هرنخل خرما بکزدی کویا * شناورلك ایدن بردلبر کاکل
پریشانه * مضمونی افاده یه لسان حال اولمشدر اماخیاط صنع الهی
زمین دلنشین مصری کاه لباس آبکون ایله پرده وکاه لباس پردهٔ
سبز رنکله جلوه کر ایتمکین شاهد مستانه رفتار نیل تدریجله دامنکش
اولدیغی محللردن آثار قدم خضر کبی سبزهٔ بریشم تار فرش
زمرد کون سرزده اولمغه یوزطوتوب میانهٔ نیلده طیور متنوعه طیران
وجریان ایتدکلرین شکار شاهباز نکاه ایدرك هرمسافه ده برموج
مسرت استقبالی وهرکامده برکره دل انحلالنده طفل سردرهوای
دل آغوش ام الدنیاده غنودهٔ استراحت قلندی * ذکر اوصاف
مادردنیا * خوشا بلدهٔ معظمهٔ قاهره که فسحت دائرهٔ سوادی
پرکار قیاسی فرسوده قدم * وکبوتر تیز کام تخمینی کسسته دم ایدر
ساحهٔ ارتفاع طبقات پنجکانهٔ بنیانی بیرون پارای مد بصر وکنکرهٔ
سطوح سرادقات ایوانی شکست آور اندازهٔ نظر درمعانقهٔ عمارات
طاق ابرمماسی سدهٔ جکر فلك ومزاحمهٔ منارات رواق پرواق انکشت
نماسی مانع جنبش بال ملکدر رشك کثرت قباب انجم حسابی
خرابساز خاندان حباب وماهچهٔ زراندودهٔ منارات رفیعه سی طبنجه
زن صورت آفتابدر * دروب نزاهت مصحوبی جداول صحایف
دواوین کبی پهن وراسته ونسق آرایش دکاکین واسواقی نظام

دل انحلالیله نسخه
آغوش رموز ام الدنیا
نسخه
غنوده اویومش
وآسایش معناسنه

ماهچه بمعنی علم درکه
سنجاق باشنه کچوررلر
دروب صوقاقلر
معناسنه

پرویز كبی بی كم كاسه در سایهٔ مظلهٔ بنیانده مجموع طرق واسواق دستبرد پنجهٔ آفتابدن آسوده و سرجمله عیون ایوانی آغوش دایهٔ صفا پرور طاق سایه كسترده غنوده در * هرخانهٔ صد بیتی بر دولتسرای عالی وهر دریچه سی منقش نكار ایله بر عروس لاابالی * هرخانه نك صحیفهٔ دیواری پرنقش ونكار اولمغله بالجمله طرفین طرقی هردم بهار اولمشدر كویا هر قصری اطافتله بر قصر یوسف ونقش ونكار ایله خلوتخانهٔ زلیخادر * غلبهٔ زحام سكانی بر رتبه ده در كه اقاصیٔ حوالیٔ شهرده غایت تنهایی ایله متصف اولان كوشه لرنده بیله قطرات باران زحام اجسامدن روی زمینه حسرتكشیده در كثرت مجامع ومساجد برمرتبه ده دركه برقاصد چابكخیز ایام حیات یكساله سن وقف دور مجامع ومساجد ایلسه ینه طی طوامیر حسابی مرهون درجهٔ استحاله درحتی قلمكیر صحیفهٔ تحریر بالای قلعه ده سواد مصرك اكثر حوالیسی محاطهٔ سلسلهٔ انظار اوله جق محلده استكشاف كمیت اعداد منارات ایچون تحریك سرانكشت نكاه ایلدیكمده غایت ارتفاع ایله نمودار اولان منارات شماری درجهٔ هزاری كذار ایتدیكندن ماعدا قصور قامت وبعد مسافه ایله متواریٔ پردهٔ خفا اولنلرك حسابی مستور پردهٔ ابهام اولمشدر سواد شهردن خارج اراضیٔ خالیه ده اولان جوامع بی جماعتك حسابی محاط علم الهیدر سواد خوش نقش قلمروچرا كسه واكرد اولدیغی ایامده بر بریله همچشم رشك وحسد اولوب كندی تبایعی آخرك جامعنده همزانوی صف صلوة اولمسی منافیٔ قاعدهٔ حمیت اولمق اعتقادیله همسایه دیوار بدیوار شكلنده جوامع بنا ایدوب یكدیكره تشابهندن تحاشی وجهی اوزره لباس آخرده جلوه كر ایتمشلردر حتی بعض مواضعده برمرد چالاك مناره دن مناره یه پرتاب ایده جك مرتبه یه تقریب ایتمشلردر مداخل ومخارج صحن ساحه لرنده

وحيطان وجدرانلرنده اولان نقوش رخاميهٔ خرده كارى پاى انظاره
زنجير حيرت اولمشلردرجمله نك اشهرى جامع ازهردركه وسط جسد
ام الدنياده منزله كبر قلب وسيع اولوب شام وسحرنيچه بيك بالا
نشينان سرخوان تحقيق وتقرير وحلقه كزينان استفادهٔ حديث
وتفسيره مقرا اولمقدن خالى دكلدر بريسى دخى جامع سلطان غوريدركه
شمسهٔ زراندوده تاوانى واسطهٔ كذرضمير مهرانور واسطوانهٔ
سربكردونى قناديل نجومه مستقردر(بريسى دخى جامع طلوندركه
طولا وعرضا مساحهٔ ساحهٔ بيت الحرم اوزره بنا اولنوب
(بيت) باشندن آتشى اكسك دكل اولوب پامال * مناره كبى اولان
كج درون وراست نما * قولنجه درون مناره ده اولان اعوجاجدن
روكردان اولوب (بيت) اكرچه نخل خرماوش دكلسه ظاهرم
هموار * عصاى موسوى وش باطنمده استقامت وار * مضمونى
صحيفهٔ متخيلهٔ بانيسنده نما يان اولمغين خلاف رسم معهود اوزره
درجات مرقات مناره سى منتهاى شرفاته واريجه قامت نهالى
درآغوش ايدن تاك صنعت ظاهرندن پيچيده اولمشدر بوكونه احدوثهٔ
انكشت نمانك منشائى بودركه كذشتهٔ جريدهٔ ذكر اولان طلون
اول جامع والانك بناسنه اعمال معمارهمت ايتديكى ايامده بركون
برشخصك مرفوع پايهٔ سرير ايتديكى عرضحالن بازيچهٔ دست
انديشهٔ طفلانه ايده رك سرانكشتند پيچيده ايدوب اول ورقپاره ده
بحسب العاده برهيئت مخروطى نمايان اولديغى خالده رقدهٔ افكاردن
بيدار اولمغين اول مقوله مشغلهٔ لعبت * عارضهٔ وقار سلطنت *
اولمق ملاحظه سى مشهود سبابهٔ نبض آشناى ادراكى اولمغله
دامن تمكين ملوكانه سندن ازالهٔ غبار خفت فكرينه دوشوب نسيم
جهانكير دخرد ايله خلوتخانهٔ سينه سنده عقد انجم مشورت ايتمكين
اول محلده معمار جامعى احضار ايدوب حالا اثر سرافراختهٔ ساحهٔ

پاى نظاره نسخه

كذرضمير نسخه

پيچيده صرمشق و بلزك و بمعنى طولشمش حلبى اثناده نسخه

عقد انجمن نسخه

ظهور اولاجق جامعك مناره سی بو رسم اوزره متاع درجاتی بافتهٔ
منوال مصور رم اولمغین بو كارنامهٔ مصنوعه اوزره ریختهٔ قالب
استحكام اولمق مقصود مدر دیو دست معماره تسلیم ایتمكله دیدهٔ
نظاری حلقهٔ دریچهٔ اغفال ایتمك تكلفاتنه دوشدیكی زبانكذار
تواریخ شناسان وقایع مصریه‌در * بریسی دخی روم ایلی میداننده
جامع سلطان حسندر كه زیر كنبد فیروزه فامده نظیری جلوه كر ساحهٔ
انعدام ایدیكی قراردادهٔ خواص وعوامدر (زیرا اساس افكن
استحكام عمارتی اولان سلطان بلندهمت علی وجه الالتزام اندازهٔ
طاق كسری احضارندنصكره التی ذراع دخی ترقی ایله بر برینه مقابل
چارطاق اوزره بازوزدهٔ استحكام ایتمشدر بانیٔ مبانیٔ بیان اولان نابیٔ
ناتوان صفوف احجار دیوارین شماره اقامت سلم انظلر ایلدكده
مرتبهٔ منتصفنه ارتقا ایدنجیه دك هشتاد صف كذر ایدوب
نصف اعلاسنك تشخیص فواصلندن سبابهٔ باصره اظهار عجز
ایتمكین نصف اسفلنه مقایسه وجهی اوزره اكتفا اولندی (دست
ارتفاعی كلاه افكن تماشائیاندر دیو زبانزد انام اولان تعبیر مشهور
بو جامع والانك نصفی مرتبه سنده جلوه كر ظهوردر (بریسی
دخی جامع فاتح برقع ام الدنیا عمرو بن عاص رضی الله تعالی عنهك
مصر عتیقده آثار همت علیالری اولان جامع رفیع الاعتباردركه
هزاربك ستون رخام اوزره پابرجای ساحهٔ استحكام اولوب یمین
ویسار محرابنده ایكی مصحف شریف نهادهٔ رحلهٔ تعظیم
قلنمشدركه بری چكیدهٔ خامهٔ عنبرفشان حضرت عثمان بریسی
دخی نمیقهٔ قلم كوهربار حضرت حیدر كرار رضی الله تعالی
عنهما در * وسواد بدن ام الدنیاده ایكی دیدهٔ بینا منزله سنده ایكی
بركهٔ لطیفه واردركه بری بركهٔ فیل وبری بركهٔ اوزبكیه ایله نام
یافتهٔ السنهٔ انام اولمشدر * هر بری تقریبا طولا وعرضا ایكی میل

المنوال میمك كسری
ونونك سكونیله سرمین
دیدكلری انچدركه
جلاح اكا طوقدیغی بزی
صرار النول نونك فتحی
وواوك سكونیله بمعناه
ومنوال وجه معناسنه‌ده
كلور یقال لا ادری علی
ای منوال هو ای علی
ای وجه هو وانقولی

مقداری شکل مستدیر ایله جایگیر اولوب بش طبقهٔ دور وقصور بیقصور احاطه ایدوب روزنلری ورای چین کیسوی اشجار * وکره زلف پیچ دریچ سرور هوادن آیینهٔ آیه چشم کشای تماشا اولمشلردر * مربع نشینان سواحل آب دائرهٔ زورقه به هوای صباده ضرب انامل مقداف ایدرك اصول دوریله سیر مقامات ایتملری محیر ساز چنبر اوج کردوندر * اما بوایکی برکهٔ مطبوعه جوشش احسان نیلدن حصه یاب اولملریله شش ماه مقداری گنجینه‌لری پردروشش ماه پرذمرد اولمغین حواله نشین اولنلرکاه سیراب ایله شفایاب علت سودا * وگاه مشاهدهٔ سبزهٔ ذمردفامیله کورسازافعیٔ آلام دنیا اولمده درلر (جویبار نیل مبارك جدول نیلکون کبی سواد مجموعهٔ مصرك کنارغربیسنه کشیده اولوب ساحل شرقیده قدم نهادهٔ عرش برین ﴿ جناب سلطان المرسلین ﴾ حضرتلرینك ایکی نقش پای ملکوت پیمالری برسنك مبارك صحیفه‌سی اوزره ایکی دیده بینا کبی جلوه گر اولوب اطرافنه نیجه کاخ دلارا * وبرجامع بیهمتا * بنااولنوب قدم نبی نامیله شهرتیاب عرصهٔ روزکاردر اولا لب نیل اول مقام مبارك دامنن بوس ایدوب بعده معمورهٔ مصرعتیق پیشکاهنده اجرای مراسم رویمال ایدرك مروردنصکره نسخهٔ هشت بهشتدن یك ورق شکلنده پیرایه بخش محافل حورعین اولان قصرعین نام مسیرهٔ دلکشاسایه سنده کف زنان اتجا وبعده بولاق قصبه سنده سبتیه نام مسیرهٔ جنت فریب تماشا سندن اکتساب صفا ایدرك سواد اسکندریه ودمیاط ورشیده وارنجه ایکیه منقسم اولمغین سپر مستدیر بحر سپیده حوالهٔ رسم ذوالفقار ایلمشدر * مصرعتیق مقابلنده جیزه واین بابا نام ایکی قصبهٔ مطبوعه کناره کیرجوی نیل اولمغین شام وسحر هزار سفاین صرصرشتاب بادبان کشای اياب

وذهاب اولمده درميانه ده برجزيرهٔ نازنده سيمايى آب نيل كرسيمين كبى
احاطه ايتمكين بن آبده پشت ماهى يه زخم رسان اوله جق اساس
مستحيل الاندراس اوزره سنكين طاقلربنا اولنوب با آلاسنده بش
طبقه اوزره معلا كاخلر واسطهٔ كلف عارض ماه اولمشلردر *
اول بنانك طبقهٔ سفليسنده ممر آبده بر كنج پنهان كبى برحوض
رخاميهٔ مربع الاضلاع اختراع اوانوب وسطنده رخامدن چار
كوشه برستون موزون مانند نقطهٔ نون مستقر اولوب ارتفاع نيله
درجات سلم ارتقا اولمق اوزره اشارت اولنان خطوط حساب اصابع
كريبان لباچهٔ استقا متنده چبراست شكلن كوستروب (بيت)
منتظر كن مژدهٔ انعـامنه سرجمله ناس * نيجه بربارمق حسابن
كوستررام القياس * شهرتيله مشار بالبنان اولمشدر * كلهٔ ام القياس
غلط مشهور السنهٔ عوام اولمغله (بيت) دمبدم غرقهٔ سيلاب سرشك
اولدى تنم * دوندى نيل ابحره كى مقياسه غمكدن بدنم * مألن بيانه
لسان حال اولمشدر * وراى نيلده ايكى ساعت مقدارى مسافه ده
كمال ارتفاع واستحكام ايله سرافراختهٔ اوج اشتهار اولان جبال اهرام
تجـاوز كردهٔ عدد ثلثين وار بعين دراما ايكيسى بربرينه قريب
دو پستان ام الدنيا منزله سنده چار ركن مخروطى الشكل ايله بديدار
اولوب هرجانبى چارصد ذراع وارتفاعى دخى چارصد ذراع هيئات
غريبه ايله مربع نشين اساس تمكين ايديكى تودهٔ راه نكاه حيرتدر
ومصرك جانب شرقيسنده اولان قصبات وعماراتك شمارى خارج
حوصلهٔ ارقامدر لكن احسن واشهرى واسطة العقد سلسلهٔ
سلاطين چراكسه اولان سلطان قيتبانك عمارات حوالئ مزار
فيض بارلريدر كه ينه برسنك مبارك اوزره ايكى نقش قدم سيد عالم
صلى الله تعالى عليه وسلم كوهر تاج افتخار مزارلريدر پادشاه سالف
الذكر حرم بهشت توأم نبوى * وروضهٔ مطهرهٔ مصطفوى

صلی الله تعالی علیه وسلم بناسنه صرف کنجینهٔ همت ایتدکدنصکره
پرشب آتش محبت فخر کائنات ایله دیك پرخون درونی غلیان *
وصعود بخار حسرتیله سر پوش پردهٔ زجاجیٔ دیده سندن قطرات
اشك لاله کون میل آغوش دامان ایدرك رقدهٔ خفیفه مهمان رباط
اجفانی اولیجق دار العطای عالم مثالده رسم قدم شریف نبوی
نقرهٔ اشك خلوص آمیزینه بدل اعطا وودیعهٔ صندوقهٔ امانت
اولان محلی تعیین وایما بیورمغله اول پادشاه کامیاب کندو حیاتنده
توطین جسم فنا پذیری ایچون محفور تیشهٔ انتباه ایتدیکی مدفنه
لوح سینه ایدینوب لذت چش خوان عمیم النوال ممات اولدقدنصکره
شمع مزار ایلمشلر ایدی (فردوس مسند مرحوم سلطان احمد زینت
بخش سریر سلطنت اولدقلرنده انلردخی هوادار پابوس سلطان رسالت
صلی الله تعالی علیه وسلم اولملریله اول قدم شریفی استحضاره اقدام
ایتمکین بامر خالق بیچون مزاج روزکاره سکون طاری اولوب اول
کوهر عالمتاب کرانبهایه کنجینه اولان سفینه زورق ماه منیر هفت پاره
تهی وپر اولنجیه دك ساحل قسطنطینیه یه بادبان چین وصول اولدقده
داور مغفور کمال شوقنه بناء (بیت) بلبلاره ویردی مژده مقدم کل *
خوش کلدی قدم کتوردی کلزاره صبا * ترانه سیله اول سنك مبارکی
بغرینه باصوب مدد اشك وخامهٔ مژکانیله (نظم) نوله جانم کبی باشمده
کتورسم دائم * قدمی رسمیدر اول حضرت شاه رسلك * کل
کلزار نبوت اوقدم صاحبیدر * احمدا طورمه یوزك سور قدمینه
او کلك * منظومه سین عقد مروارید کبی نثار شکرانهٔ قدوم
ایتدکدنصکره اول رسم همای سعادت ایچون آماده اولان قفص
سیمین ایچره مکین * وبازوی طاق خانهٔ خاصه یی اول کوهر نور
بخشا ایله تزیین * ایتمکین شبانکاه روزنهٔ چشم عالم بینلری مستور
غشاوهٔ خواب اولدقده کار فرمایان عالم معنادن یا احمد

الرقده رانك فتحی
وقافك سکونیله
برمقدار اویومق
نومهٔ خفیفه معناسنه
وانقولی

دیوانخانهٔ قسمت ازلیه ده تعیین اولنان حصهٔ آخره اطالهٔ دست
طلب منافئ قاعدهٔ توکل دکلمیدر (بیت) بشنواین نکته که دل را
زعم آزاده کنی * خون خوری کر طلب روزی ننهاده کنی *
مضمونی ایله مظهر سرزنش اولملریله صبحدم ینه برسفینه یه
حمائل کردن قلوب جانب مصره اعاده اولندقده بوکزلوحهٔ
مهرمنیر یدی دفعه کردن عروس نیلی برقع کردونه آویزان اولدیغی
مدتده ساحل مصره لنکرانداز استقرار * وینه سرمزار قینبا یه
شعشعه بلر اولدیغی مسلوك قدم قلم اصحاب آثاردر (اکرچه
مدینهٔ قاهره ده مشاهد مشاهیر کبار بیکانهٔ حد وشماردر اما اشهری
زانو زده کان حلقهٔ انجمن اصحاب رضی الله عنهمدن حضرت
عقبه درکه قبهٔ مزار لامع الانوری دیباجهٔ صحیفهٔ قرافهٔ کبرادر
ا.کا متقارب رکن واحد ارکان اربعه امام شافعی علیه الرحمه
حضرتلرینك جواهر کرانقدر جسد لطیفلری صندوقهٔ سبزپوش
ایله برقبهٔ آسمان سای سایه سنده مقیم اولوب جناب سید الثقلین
صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلری اول قبهٔ معلا یه تشریف
بخش قادمهٔ آسمان مسیر اولدقلری مشهود اصحاب ارباب بصائر
اولمغین دیوار غربیده مورد سعادت اثرلری بر پردهٔ زرتار ایله اشعار
اولنمشدر (وفارس میدان ولایت عمر بن فارض قدس سره العزیز
حضرتلرینك دخی خوابکاه فیض پناهلری سرسطر جریدهٔ
خاموشان قرافهٔ کبرادر * وکل کلشن طراز ولایت شیخ ابراهیم
کلشنی حضرتلرینك دخی قطعهٔ چمنزار بهشت اولان مرقد
مؤیدلری جلوه سازسینهٔ سواد قاهره اولمشدر * ماحصل تحریر
اوصاف مواضع غریبه * واماکن عجیبهٔ قاهره * بیرون یارای
حوصلهٔ قلم اولمغین جانب صحرای مرامه تحریك لجام اولندی
کالای سینه فام ظلام * کسوهٔ قامت شام * اولمغین دامن

بدر شوال شب بشب بريدهٔ مقراض نقص اولمغه شروع ايلدكده
بالاى شاهد بيت الهى ايچون بافتهٔ كارگاه يكساله اولان كسوهٔ
شريفهٔ عنبرين تار * غلغلهٔ اذكار مشايخ بيشمار * ايله والئ
مصر پيشگاهندن گذار * ومدفن رأس پرنور حضرت حسين بن
على المرتضى رضى الله عنهما ده چندروزه وديعهٔ وقفهٔ استقرار
ايلديلر ﴿ برون رفتن محفل مصريان ﴾ علم عالمتاب قمرمنور شقهٔ
سيمگون مرصع طراز عشرينه كشاد و يردكده دار الحكم مملكت
قاهره دن خارج باب النصرده قصبهٔ عادليه يه وارنجه اوچ ساعت
مسافه نك طرفين رهگذارنده واقع دروب وايوان ودكاكين — دروب اى الاسواق
وميادين و طبقات بيوت و قصور بالجمله سكان مصر ايله نمونهٔ
صحيفهٔ ديوان اشعار اولوب غلبهٔ مزاحمهٔ نفوس انسان * جمعيت
معشر محشره پرده كش نسيان * اولمق صورتلرين نمايان ايلدى
* اجسام انام غرقهٔ امواج زحام اولوب بر برى فوقنده نجق
دوائر وجوه واعمام * بديدار اولمشيدى هرنه طرفه امرار نظر
اولنسه يكسره لب ورو وچشم وابرو مشاهده اولنوب گويا نساج
كارگاه صنع طرفين رهگذاره نقش بشرهٔ انسانيه ايله مزين
بر پردهٔ مصور آويخته ايدوب اول مرتبه جلوهٔ عالم صورت
منظور ديدهٔ عبرت بين اولمامشيدى * ذروهٔ رؤس سوابق
ستون زنخ لواحق وصدور لواحق بالش اكتاف سوابق اولوب
خطوط نواصئ اسافل چيراست سينهٔ اعالى وارقامى زيرلب
اعالى خط پيشانئ اسافل اولمشيدى بوحالت ايله هركس ديده
كشاى راه تماشا ايكن بالجمله مواجب خوران ديوان * ومشايخ
جليل العنوان * غلغله اذكاريله مسامع ناسى دريچهٔ خانقاه
حقيقت ايدەرك محفل شريفى زيوردوش تعظيم ايدوب مخيم
حاجه ايصال ايلديلر ﴿ رفتن حاجيان به بركهٔ حج ﴾

اول كوندنصكره جرس مهرمنير بش دفعه آويختهٔ كردن جمازهٔ ايام اولدقده بالجمله آماده كان راه بيت خدادوش جماله تحميل اثقال ايدوب مايه داران قوت ماليه اولنلرمسند نشين حضوراولمغيچون وقف زلزلهٔ بى انفصال * ومشروطهٔ رعشهٔ بالاتصال * قفص طائرحجاز خلوتخانهٔ سالك راه دراز بيت چار فقرهٔ بحررمل * سرير چهار پايهٔ دوش جمل * حباب عمان بيابان * يعنى خانهٔ پادرهواى تخترواندە كوشه نشين استراحت اولوب نيجه‌لردخى دوصفهٔ متقابلهٔ محفه ده بادام دومغزصورتن كوستروب بركة الحج تعبير اولنان غدير پاكيزه ضميركنارنده آرامكير سايهٔ خيام اولديلر ايكى كون اول فضاده اتمام قصورمهام ايچون آرام اولنمق مرسوم جريدهٔ اعتياد اولنديغنه بناء كنبد فيروزه فام كردونه غشاوهٔ عنبرين تعليق اولنديغى دم اعيان حجاجك پيشكاه خيامنده اشاره تعبير اولنور بررستون اوزره قناديل بيشمار ايله صورت عقد ثريا فروزان اولوب رهروان بيت اللهك مراسم ركوب ونزولى مغاير اسفارسائره اولمغين اكثريا حركتلرى طبل نذين آفتاب زيور زيرنعل فئ زوال اولديغى وقتلره تصادف ايتمكله هنكام نزوللرى دخى قافلهٔ صبحدن مقدم واقع اولمغين شب كردان ككردهٔ راه دلالت نجوم ايله رهبردهٔ منزل مقصود اولديغى كبى هركس سموت خيامن استعلام ايچون العارف يكفيه الاشارة ديه رك هر اشاره تك نقشى نقوش سائره‌دن ممتاز اولمق اوزره ترتيب اولنوب كويا شب روزه ده برمعمورهٔ عظيم السوادك رؤس شرفات مناراتى قناديل ايله تزيين اولنمشيدى ﴿ابتداى عزيمت حجاج﴾ نفس صبح اخير اطفاء قناديل نجوم ايتدكده طرهٔ كوس رحلت مدقهٔ منبه ساعت حركت اولمغين (بيت) كوكل طى ايت بساط عيشى هنكام عزيمتدر * يورى برك سفر آماده قيل كيم وقت رحلتدر * مألن جرس حديد اللسان منكوش سامعهٔ انتباه ايتمكين ينه دومصرع

اون كوندنصكره نسخه جمازه بمعنى محمل دوه‌سى وهيون مثله نعمة الله و بمعنى ييل دوه‌سى نعمة الله

برك مهمات سفر

محفه بيت قصيدهٔ مشهوره شتر حجره يه نظيره قلنوب قلبا وقالبا جانب قبلهٔ آماله توجيه قبالهٔ اقبال اولندى (بيت) ماراهروان حرم كعبهٔ جانيم * باقافلهٔ اشك روان همره ازانيم * اثناى طريقده صحراى تيه وطورسينا كذار اولندقدنصكره طقوزنجى كونده عقبهٔ مصر ناميله مشهور السنهٔ انام اولان راه عسرتپناه كه طرفينده اولان قلل جبالى آشيانهٔ نسر طائردن برتر * وميانه ده اولان ممر بلريك عميق پشت كاو وماهى يه برابردر مانندهٔ مار پيچيده پاى مطايا اوله رق لب بحر محيط بوسه داد دامن خيام قلندى (بيت) لب دريا ست چون لب دلبر * از برون سبزه وزدرون كوهر * مانندهٔ درياصفاى خاطرايله برنجيه منزل دخى كذار وورق پيروزه فام دريادن بريدهٔ مقراض قوايم مطايا قلندقدنصكره زلزلهٔ زمين كردان الهى ايله كوى چوكان قضا اولان ارض مدين قربنده عبادتخانهٔ خطيب الانبيا حضرت شعيب صلوات الله على نبينا وعليه حضرتلرينك زيارتيله قطع مدارج منبر مرام اولندى مشعل قمر ذى الحجه زيور دوش سپهر اولدقده عرصهٔ بدر حنين جلوه كاه خيام اولوب روز نصرت اندوز غزاى كبراى بدرده صهبا كشان پيمانهٔ شهادتك خاك خون آميزلرى زيارتيله سركرمئ نشئهٔ روحانى اكتسابندن غيرى سلطان منصور اللواء نبوت عليه الصلوة والسلام حضرتلرى اول معركهٔ خرد فرسا هنكامنده اميد خرام شاهد نصرت ايله دوكف استدعالرين مرآت روى رجاقيلمق ايچون توارى پيوردقلرى سايهٔ نخل تاكده بنياد اولنان مسجد عريش زيارتيله دست اميد نائل خوشهٔ مرام قلندى ﴿رسيدن بميقات احرامكاه﴾ اندن ايكنجى كونده ميقات قافلهٔ مصريه اولان رابق نام صحراى سبنه كشا پيراهن جنكاركون خيام ايله پيرايه كير اولدقده باجمله سالكان راه بيت الله البسهٔ عاديه دن تعرى ايدوب (بيت) پنبهٔ داغ درون ايچره

نهاندر بدنم * دیری اولدیجه لباسم بودراولسم کفنم * بیتی ایله شست وشوی ابداندنصکره لباچهٔ دیوان مقدس الهی اولان ایکی قطعه احرام سفید فامی ز یوردوش ومیان ایلیوب سرو پا برهنه آوازهٔ غلغلهٔ فلك رسای لبیکی آمیختهٔ اذکار مسبحان ملأ اعلا ایلدیلر (بیت) کعبه را مستانه لبیك آرم ازمیقات عشق * کزالستم هم باین لبیك کو یا کرده اند * تسلسل زمزمهٔ لبیك پنج شبانه روز انقطاع بولیوب بر صبحدم حاجیٔ برهنه سرخورشید دور مطاف کردون ایچون صبح اول واخیردن ایکی قطعه احرام کافور فامی آرایش اندام ایلدکده ناکاه تیغ جبال زمین بطحا لمعان ایتمکین قافلهٔ آرزو بارحجاجك عنان آرامی کسسته اولوب هرکسك صحایف پیشانیٔ حالنده داعیهٔ شتاب مرتسم اولمغین (بیت) رضایی صوره صوره کعبه‌یی بولور آدم * همان یوله دوشه‌لم کوی دلربا دیه‌رك * حرم شریف صوبنه مسارعت ایلدیلر (بیت) دلم بناله درایدکه ازصبوری را * زحد مبرکه در ین راه کس مباد صبور * واقعا شاهین ملکوت آشیان جان هنوز آزادهٔ پرواز هوای عالم اطلاق ایکن کردش پفترهٔ دعوت خلیلیه یه بال کشای اجابت اولمه‌ده اضطرارندن غیری شهربند مشیمهٔ عدمده نائل دستمایهٔ وجود اولدقدنصکره حضرت قادر استطاعت بخشا جل شانه نك آراستهٔ نوال مغفرت اولان ضیافتخانهٔ کبراسنه تکلیفی دخی زنجیر کردن اختیار اولوب خصوصا سودا کر چارسوی حیات اولدنبری دکانچهٔ سامعه کالای کفتکوی حرمین ایله پراولدیجه صندوقچهٔ متخیله نقد اشتیاق ایله مالا مال اولمغله (بیت) کی بود یارب که رودر یثرب و بطحا کنم * که بمکه منزل وکه درمدینه جا کنم * ترانه سیله نوبنو دریای اشك شوق موجه دار رقت * ونفس بنفس سفینهٔ دل بادبان کشای آه حسرت * اولمق معتادی اولدیغندن فضله

(لباچه) اوسته کیلن لباس

دلم بناله درآیدکه هان صبوری را نسخه
ازصبوری را نسخه

آثار حكم تقدير ازل ظهوره قريب اولمغين اول كلستان مغفرت الهى
زيارتنه عزم اولنديغى كوندنبرى شبنم صبر ربودهٔ نيجهٔ مهر اشتياق
اولمغله طى منازل بعيده دامن آرزويه غبار اولوب بركون مقدمجه
منزل مقصوده وصول وتسليم نقد اشك نياز اميد يله عوارضخانهٔ
جريدهٔ عمردن برمقدار خانهٔ ايام فرونهاده قلنمق جانه منت بلنوركن
نه حال ايسه اول مرتبه طى مراحل بيحساب دنصكره رسيدهٔ قرب
بيت الحرام اولدقده كاربان عقل وشعور وملكهٔ صبر وقرار محلنده
پايدار اولمق نيجه متصوردر (بيت) چون اثر قرب مصور شود *
جاذبهٔ شوق فزونتر شود * حرم مكهٔ معظمه يه ايكى ساعت مقدارى
عمره نام محل كه ابتداى حد حرم ايزدى اولديغن اشعاره طرفين
طريقنده ايكى ميل سر بلند لسان حال اولمشدر چشم كذار ره نوردان
بوادئ حسرت اولدقده يكباره قافلهٔ حجاج جنبش صرصر شوقيله
اوراق خزان زده كبى افتادهٔ زمين اولوب پيادهٔ بازيچهٔ شوق ومحبت
اولديلر (نظم) جمله خلايق چه عرب چه عجم * باديه پيما بهواى حرم
* زآتش شعله بخود آمدند * جمله دران عرصه فرود آمدند * خوشا
اول هنكام دلارام كه مقراض شوق وغرام صحيفهٔ قلوبدن حواشئ
تعلقات سوايى قطع ايدوب ريسمان باز آرزو سر منزل آماله خطوه
جنبان شتاب اوله وحبذا اول موحد پاكيزه سرشتكه جذبهٔ محبت
الهيه ايله پيراهن علايق اموال وعيالدن آستين فشان تجرد اولوب
خوان بى امتنان مغفرت الهيدن لقمه چين نعمت دارين اوله
(بيت) نعمت او هست برون ازخيال * كيف بود سر لسان المقال *
هزار شكر قادر بيچونه كه شمعهٔ سينه فروز حيات كشتهٔ نفس واپسين
اولمه دن كرم نظر قنديل طاق مطاف اولمغله ديده روشن
اولمق سعادتندن بى نصيب ايلمدى وثناى بيحد حضرت وهاب عميم
الرحمته كه كالاى كياب زندكانى * تاراج خوردهٔ رهزن مرك ناكهانى

بازيچه باجيم فارسى بدانچه بازى كنند ومسخره شرفنامه

فرود بمعنى فرو يعنى آشغه نعمة الله

الغرام الدوام والحرص (وا) كيرو معناسنه عربيدر مرة بعد اخرى معناسنه كاه اولور تحسين لفظ ايچون زائد كلور وبا معناسنه كلور پسين صكره كى معناسنه در نعمة الله

اولمازدن مقدم پرنیان پیشانی * پابنداز خاك حرم یزدانی قلمق
دولتندن محروم قومدی (بیت) منت خدا که هرچه که طلب کردم
ازخدا * برمنتهای همت خود کامران شدم * ماحصل حوالیٔ مکهٔ
معظمه ده ناکاه قباب مزارستان معلا * سایهٔ خرمازاردن هویدا
اولمغله حدقهٔ عیون پیمانهٔ لبریز نشاط اولوب مستیٔ شوق سرخوشی
اولمغه باشلدی (نظم) خاك معلاست که تاج سراست * نورده
دیدهٔ ماه وخوراست * هر طرفش مغرب صد آفتاب * پردهٔ کل
کشته برایشان نقاب * هزاران نجوم زهرهٔ سپهر کرامت اول
خاك پاکده متواریٔ کوشهٔ خفا اولمغین قدری آسماندن معلا اولمق
موقع چون وچرادکلدر خصوصا شمع شب [redacted]ان عصمت پروانهٔ چراغ
نبوت خدیجهٔ کبری رضی الله عنها حضرتلری دخی اول ساحه ده
آرایش زینت سرای جاودانی اولمغله قبهٔ مرقدلری اعظم قباب
معلادر اندنصکره ناکاه آثار عمارات بلدهٔ مکهٔ معظمه ورای نقاب
خفادن نمایان اولمغله یکباره هجوم سیلاب حیرت بنیان حواسی
نمونهٔ دل مشتاقان ایدوب صولجان مهابت قد سیه ایله کوی صفت
بازسر کرده (بیت) کویك کبی اهل دله باغ ارم اولماز * باغ ارم
اول جنت فیضه حرم اولماز * زمزمه سیله میانهٔ کوچهٔ مکهٔ
محترمه ده دور ایدرك (بیت) مدعامز بر نکاه مرحمتدر یاردن *
ایکی عالمده دخی برمدعامز یوق بزم * وقفنجه صحن مدعا آرامکاه
پای نکاه قلندی مدعا نامیله شهرتیاب اولان میانهٔ کوچهٔ ام القراده
بر پشته درکه صحیفهٔ دیوار حرم ربانی ابتدا اول محلده ممر طفل
نوآموز نظر اولمغله اول محلده چکیدهٔ یراعهٔ زبان اولان منظومهٔ
دعا مرسوم لوحهٔ اجابت اولمق موقع اشتباهدن متباعد اولدیغی
سلطان کونین صلی الله علیه وسلم حضرتلرینك موقف مزبورده
هربار دست کشای بارکاه احدیت اولدقلری ثبوت یافته در *

کوچه بمعنی صوقاق

یراعه یونلمش قلم
نعمة الله

(بيت) روى طلب نه بسوى مدعا * بى شك وشبهه است قبول دعا *
﴿ ديدن رخسارهٔ بيت الله ﴾ بالآخره مدعادن دخى كذر اولنوب
تار انظار شرفات منارات حرم مكرم سر بكردونه پيچيده قلندرق
سدهٔ سدره فرساى باب السلام سجده كاه پيشانئ جان اولوب
صحن ساحهٔ حرم اللهيه اطارهٔ جمامهٔ نكاه اولند قده نسخهٔ
متخيله دن شيرازهٔ شعور بالكليه كسسته اولوب اجزاى پريشان
حواس بازيچهٔ بادآه او لمغه آغاز ايلدى (بيت) كشت دلم غرقهٔ
بحر وصال * كشدم ازخود بفر وغ جمال * سيل سرشك ازمژهٔ
اشكبار * سر زدو جيحون شدو ازانم كنار * غلبهٔ دهشت وصالدن
ازقالديكه اكسير عالمبهاى جان * خاكريز مسامات بدندن ريزان *
اوله واستيلاى مهابت بيت ذى الجلالدن قريب اولديكه شير
روح زنجير انفاسى قطع ايد وب كريوهٔ تنك تندن كريزان اوله
(بيت) ديديم اينچنين دم وصل ونه مرده ايم * مارا بسخت جانئ
خود اين كمان نبود * بوكيفيتله شحنهٔ مهابت جلال * برزمان
قلمرو خردده تصرفدن تعاقب لمعهٔ تبسم جمال * نوعا انارهٔ چراغ
شعورا تمكين كمال شرميله وراى چارچوبهٔ مژكاندن قامت
هوشربای شاهد بيت الحرامه روزنهٔ چشم حسرت كشاده قلندى
﴿ ذكر اوصاف كعبهٔ عليا ﴾ برنازنين انجمن ملاحتدركه قامت
سدره خرامنه پيرايهٔ قيام ويرمكله تماشاييان ملك وملكوتى افتاده
نظرهٔ حيرت ايلمش * وبرماه آفتاب سوزدركه آغوش هالهٔ مطافده
جلوه كر اولمغله كان چشم نظاره كيان زمين وآسمانى كريبان عشاقه
دوندرمش (بيت) زفرق تابقدم هركجا كه مينكرى كرشمه * دامن
دل ميكشد كه جا اينجاست * برسرو دامن چيدهٔ ساحهٔ رحمتدركه
مرصع بالاء آشيان قدس كرد سرنده فاختهٔ مطوقه كه دوره
كيرمش برشمع انجمن تاب هدايتدركه سبعهٔ سياره پيرامن شعلهٔ

كار صبر نسخه

جمال عالمسوزینه پروانه اولمق آرزوسیله سوزان اولمش (نظم) کشته همه فاخته اوسروناز * جمله چو پروانه و اوشمع راز * شمع اکر هست درین بزمکاه * روشنیٔ اوست زنور آله * ورای پردهٔ سیه فامده سرچشمهٔ حیات ابدیدرکه دلالت خضر توفیق ایله اب تشنکان بادیهٔ آرزو زیرمیزاب رحمتدن استفاضهٔ ماء الحیات مراد ایتمه ده درلر برکاسهٔ سرپوشیده نوال هدایتدرکه دائرهٔ خوان مطافنده اولان نیم صحن حطیمدن کرسنه چشمان تنکنای معصیت ایچون تحصیل نوالهٔ مغفرت ایتمه ده درلر (بیت) از کل وآبش کرم میبارد این خانه است * خضر راسقا وابراهیم بنا کرده اند * نه کعبه ناف مشکین عالم آب وخاك * مرکز عنبرین دوائر افلاك * کرسیٔ مملکت آلهی * قفس طائر فیض نامتناهی * صندوقهٔ کنجینهٔ ملکوت * درج مظروف جوهر چارسوی جبروت * پیرامن مشکفامی تحریك نسیمله جنبش پذیر اولدقجه تموج قلزم انوار نمایان * و قلوب دلبستکان نظارهٔ حیرت عمان ذوق استغراقده غوطه زنان اولمشلر (بیت) تیه لباس مشکین چو بجلوه اندرآید * ببرد هزار دلرا بکرشمهٔ نهانی * وزیر نقاب عنبرآکیندن کوشهٔ عذاری لمعان ایتدکجه مهر سپهرافروز خروش ضیاده نهان اولمه ده در (نظم) شد متحرك زنسیمش نقاب * کشته منور زرخش آفتاب * برقع مشکین زرخش پرشکست * نرخ کل وقیمت عنبرشکست * امیدکاه کافهٔ کائنات اولان باب مغفرت مآبی جانب شرقه توجیه چشم التفات ایتمکله هرصبح داور خاور اورنك پیروزه فامه صعود هنکامنده سدهٔ سعادت پناهنه ناصیه سای اولمغله قلمرو آفاقی زیرنکین ایلمشدر (نظم) مهر سلیمانکه جهان برکرفت * سکه اش ازحلقهٔ این درکرفت * کر بشرف مهر ومه افسانه اند * حلقه بکوش دراین خانه اند * دست درین حلقه زند جبرئیل * تاشنود

پیراهن مشك نسخه

تیه صحرا وبیابان واولو لمق نعمة الله

بانك زرب جليل * جامهٔ عنبرين زرنطاقيله جلوهٔ محبوبانه سي مايهٔ سوداى انس وملك * واركان مطبوعه اوزره قاعدهٔ تمكين محترمانه سي واسطهٔ سركردانئ كاخ فلك در (نظم) آمده با خلعت عنبرسرشت * سنبل مشكين رياض بهشت * برده براه كرمش عرش راه * مشعله دار حرمش مهر وماه * عتبهٔ باب عاليجنابي محاذئ سطوح نواصى اولمغين افواه وپيشانئ زوار * شرف مالش ايله مشرق انوار اولمده در (نظم) تن ملك راست چون دل خاك راسويدا * بچهار حد كشاده در فيض جاوداني * چو وزد نسيم كويش كه رود پى مسيحا * چو رسد صرير بابش كه زند دم اغانى * نفحات آسمانى زحريم اومترجم * زخطاب آستانش شده عرش رحمانى * وباب رحمت نصاب ايله ركن شرقى بينى اوج ذراع مقدارى ملتزم شريف ناميله معين اولان موقف جرم افكندركه اوصفحه يه سايده اولان جباه وصدور * دست زدهٔ دوزخ اولمق غائله سندن دوردر ﴿ وصف حجر اسود والاى مكرم ﴾ ركن شرقيده تخمينا زميندن ايكى ذراع مقدارى رفعت ايله حجر الاسود اسعد مبارك بردائرهٔ سيمين احاطه سنده نور بخشاى انجمن حرم اولمشدر (نظم) نورسياهش لمعان ازخداست * خال سياهش حجر الاسود است * نه حجر الاسود برشبچراغ افسر آفرينش * مردمك ديدهٔ بينش * سويداى دل كائنات * خال جمال ممكنات * كوشوارهٔ عرش ربانى * بازوبند خانهٔ يزدانى * كوى كريبان انوار * نقطهٔ دائرهٔ اسرار * نكين خاتم صنع ازل * يمين خداوند جهان عز وجل * بوسه كاه انبيا كرام * محك شفاه اولياى عظام * لوحهٔ سينهٔ عنايت كوهر كزهدايت (نظم) نقطهٔ نه دائرهٔ آسمان * نقطه صفت هست ازان درميان * سرمه كش چشم غزالان چين * داده سياهيش كواهى براين ﴿ وصف مقام ابراهيم صلوات الله على نبينا وعليه ﴾

يقال نفح الطيب ينفح من الباب الثالث اذا فاح يعنى رايحه ويرسه ويقال نفحت الريح اذا هبت وانقولى

در ملا ئك مقره مقابل برقفص رويين زرين سقف دروننده مقام ابراهيم ايله مسمى حجرهٔ مباركه كه اثناى بناى بيت الهيده زير پاى ابراهيم صلوات الله على نبينا وعليه ده مرغ آسا محل اقتضايه پرواز ايتمكله اثرقدم مكرملرى حالا سينهٔ سنكده داغ محبت اولوب كندوسى حرم ساحهٔ سبحانيده كوشه نشين يقين اولديغى كبى ذكرى دخى كريمهٔ (فيه آيات بينات مقام ابراهيم) شرفيله متحيز ميانهٔ خيابان سطوركلشن كلام قديم اولمشدرانك دخى هيئات پاكيزه سند مناسب بركسوهٔ زرتار آيت نكار الباس اولنمغله بيت سيه قبا ايله همسنك ترازوى اعتباردر (بيت) كعبه است اينجا ملك حيران كار افتاده است * آسمان ازشوق طوفش بيقرار افتاده است *

﴿ اوصاف چاه روح ده زمزم شريف ﴾ مقابلهٔ حجر اسوده منبع شيرهٔ جان * مورد زلال روان * يعنى چاه شفا پناه زمزم مكرم كه خاصيت ذاتى سرچشمهٔ حياتى خيمه نشين ظلمت * ورحيق وتسنيمى موجه زير خجلت ايتمك وصفه شايسته دكلدر (نظم) بمذاق حق شناسان كف آبش اربسنجد * نه دهند لاى زمزم بزلال زندكانى * مه اكر مجال يابد كه شود مقيم چاهش * كندش زجرم دلوى زشعاع ريسمانى * بالاى چاهده برج آبى يه مماس اولان قبهٔ عاليشانى طبقهٔ علويسى مؤذنان شافعيه يه مقام اولمشدر شبانه روزصد هزاردن افزون تشنه لبان حجاج شرب وغسل ووضوده بروجه استيفا استعمال ايدرلركن كنجينهٔ غيبيهٔ الهيه دن فوران ايدوب مركزاصليسندن تفاوت جزئيه مى كوشكذار دكلدرخارج دائرهٔ مطافده اولان چهل ستون روين اوزره آويخته اولان قناديل خاطرشكن اخترفلك * وساحهٔ حرمده پرواز ايدن كروه كروه حمامهٔ تيز پرواسطهٔ انكساربال ملكدر (نظم) وضع قناديل وى ازهر طرف * اخترجا نرا شده بيت الشرف * خيل كبوتر

لاى يعنى طورطو

بهوا پر بپر * د رطیران چون ملك آش کردسر * اول چمنستان قدسك حوالئ حرم خرمنده هفت منارهفت سروکبی سر برآوردهٔ اوج اعتبـار * وقمریان پروازکاه قدسه جای قرار در (نظم) درصفت طول قدهرمنار * نکته‌زده برفلك زرنکار * پایه زاوج فلك اش مرتفع * باشجرسدره شده مجتمع * جوانب اربعهٔ مطاف جمـاعت مذاهب اربعه یه جای اولوب هر برینك مجمعنده بر محراب سینه کشای اصحاب اولمشدر (بیت) چترمقامات رباعی دران * برسرهرقوم شده سایبان * الحاصل بوکونه ترتیب نظام خانهٔ خداتماشاسی علاوهٔ حیرت اصلی اولمغین برزمان پای زمین پیما درون باب السلامده پیرایهٔ رفتاردن عاطل اولوب نظر مدهوشانه شاهین چشم دوخته کبی بالای نکه ربای بیت الحرامه تعلق بیهوشانه یه باشلدی (بیت) بس که مهابت بدلم رونمود * چشم نیارستم ازان درکشود * اکرجذبهٔ مقناطیس حجراسود پنجه زن کریبان شعوراولماسه انجماد دهشت ایله سندان صفت اول محلدن تحریك خطوه یه حصول قدرت نا ممکن ایدی (بیت) چنان از پافکنده‌ام روزم از رخسار و قامت هم * که فردا برنخیزم بلکه فردای قیامت هم ﴿ ذکر توجه بطواف قدوم ﴾ هله سیلاب سرشك ساحهٔ دلده رفع خیمهٔ حیرته برمقدار همت ایتدکده (بیت) آخرای کعبه دلیلی که بجایی برسم * دردمندم مددی تابدوایی برسم * بیتی ایله مصافحهٔ حجر اسوده مبـادرت وطریقهٔ سنت اوزره دور طواف قدومه مسارعت اولنوب اول شمع شبستان حقیقتك پیرامنده تماثیل اجسام طائفین ایله صورت فانوس خیال هویدا قلندی (نظم) زآتش شمع رخ جان پرورش * سوخته پروانه صفت برسرش * نیست درین انجمن آن شمع نور * یکنفس از کردش پروانه دور * برطواف کامل یدی دوردن عبارتدرکه هر بر دوری طبقات قباب

(فائده) فارسیده اوائل افعـاله داخل اولان باء موحده که تأکید افاده ایدر فرسك اهل لسان اولنلری مکسور اوقیوب رستا قیلری مضموم قراءت ایدرلر

چرخ دوارك بر طبقه سنه تبعیت وجهی اوزره تعیین كردهٔ صانع
ازلدر (نظم) هریك ازین دوره زروی نظر * تابع دورست
زچرخ دكر * چار ركن ركین كه ركن حجر اسود وركن عراقی وركن
شامی وركن یمانی نامیله ثبوت یافتهٔ عرصهٔ اشتهاردر انلره وصولده
وباب رحمت مآب وحجر اسود وملتزم شریف ومقام ابراهیم
ومیزاب رحمت مقابله لرینه وصولده اولان ادعیهٔ مخصوصهٔ
مسنونه اداسی ایله اتمام طواف قدومه اقدام اولندی (نظم)
طائف این خانه نباشد بفرش * بل چوملك طوف كند حول عرش *
طواف قدوم كه اشواط ثلثهٔ اولاسنده رمل واضطباع مراسمی
مراعات ایچون هركس طرف احرامی دوش یمیندن اسقاط ایتمكله
كالای تجردی زیور دوش رضا ایدوب بهادرانه ایله سر دوش جلوه
كاه جنبش شجیعانه ایدوب (بیت) جرأت واظهار تجرد نكوست *
خاص بشغلی كه بود بهر دوست * اشواط اربعهٔ باقیه سنده حالت
مسكنت وافتقاری شعار ایلدیلر (نظم) این سه بود جرأت
وفرخندكی * چار دكر راحت وافكندكی ۳ * مبدأ دائرهٔ طواف كه
نقطهٔ سیاه حجر اسود درهر بر شوط مقطعنده ینه رخسارهٔ جهان
تابندن لب ادب ایله بوسه چین اوله رق هفت دورهٔ طواف ختام
عنبرین حجر اسود ایله مختوم اولدیغی محلده عرضحال درگاه قاضی
الحاجات ایچون ملتزم شریف دخی دركار وجریدهٔ ضمیرده
مرتسم اولان مطالب نهفته برداشتهٔ باركاه ستار قلندی (نظم)
ملتزم ارشوق درآغوش كیر * زنده بجانان شو از جان بمیر * عادت
پروانه ندانی مكر * چرخ زند اول وسوزد دكر * بعده ورای مقام
ابراهیمده دو ركعت نماز طواف عقبنده دست سنا قیان زمزمدن
برقدح شیرین كوار ایله تسكین نائرهٔ آرزو قلندقدنصكره قادمهٔ عزم
آرامكیر وفقهٔ تأخیر اولمغه مساغ اولمامغین باب صفادن ساحهٔ مسعایه

زروی نظر تأمل
وجهی اوزره اوله
دیمكدر

۳ (فائده)
آخری هاء رسمی اولان
اسمك آخرینه یای
نسبت داخل اولدقده
هاء رسمی كاف ملفوظه‌یه
قلب اولنور

تحریك خطوات اهتمام اولندی (نظم) یافتی ازمرتبهٔ طوف کام * زودپی سعی بسعی خرام * طاق صفارشك رواق فلك * برسراو صف زده خیل ملك ﴿ سعی کردن بصفا ومروه ﴾ صفا ایله مروه‌سرای الهینك جانب شرقیسنده بربریله زا نوزدهٔ تقابل ایکی طاق بلند رواقدرکه طاق صفا جانب جنوبیده وطاق مروه جانب شمالده مقدم کرمروان آمدشدسعیه آغوش کشای مرحبا اولمشلردر (بیت) یکطرفش مروه و یکسوصفا * ساعی آن نیست جزاهل وفا * میانه ده اولان ساحه بسعی برمیله قریب برمسافهٔ هدایت پیرادرکه اصحاب سعی اول شکرستان مغفرت اوزره قافلهٔ مورکبی جوش ایتمشلردر (بیت) وادیٔ مسعاست که ریك شرف * سرمهٔ چشم عظمای سلف * نقش کف پای توبرآن زمین * روزن فردوس شود روزدین * هربردفعه سرمنزل صفا ومروه‌یه قدمنه وصول اولدقده زیرطاقده صورتنمای جداول تقویم اولان درجات اوزره ارتقا وطریقهٔ سنت سنیه اوزره جانب حرم مکرمه توجیه قبالهٔ خشوع ایله آیهٔ کریمهٔ (ان الصفا والمروة) سرنامهٔ دیباجهٔ دعا قلندی (بیت) سعی کن ازمروه ده دل راصفا * لیس للانسان الا ماسعی * دیوان حرم مکرم ایله خانهٔ عباس رضی الله عنه جوارنده بربرینه مقابل چارستون اخضرمیانده اولان مسافه‌ده دوش خطوه‌یه الباس خلعت سرعت اولنوب خصوصا حرم خرم الهینك باب صفا وباب بغله وباب بازان وباب علی وباب عباس وباب جنائز وباب السلام نام یدی دریچهٔ مطهره سی راه مسعایه دیده کشا اولمغله اثنای سعیده هرباب معلاجناب مقابلنه کلدکده شاهد تنهانشین بیت الهینك جلوهٔ استهزازی مشهود اولمغین دست نکه کلزارجمالندن شکوفه‌چین تماشا اوله‌رق مطلع صفادن مقطع مروه‌یه دك تکاپوی هفت پاره تکمیلی ایله هرهفت

اهتزاز نسخه

عروس مرام اتمامنه اقدام اولندی (نظم) هیچ نبی بی وولی بی
نبود * کو قدم سعی درین ره نشود * بر اثر پای کسی پانهی * کز
قدمش عرش کرفته مهی * آخر طومار هفت ورق سعی طی
اولندقدنصکره ساحۀ حرم محترمه روزن کشای نظارت اولان
برمنزلده بسط بساط آرام * و یوم وقفه یه انتظار ایله چند روزه
ادارۀ اوراق لیالی وایام قلندی (نظم) جونکه نیم محرم دیدار او *
مینکرم بردر ودیوار او * خانۂ اوخانۂ چشم منست * زانکه جهان
برمن ازو روشن است ﴿ ذکر وصف عزیمت عرفات ﴾ آخر
جرس سیمین هلال ذی الحجه دفعۀ هشتمده بختی کردنکش کردونه
آویزان اولدقده زمان عزیمت عرفات قریب اولمغله پای صبره
عقدۀ آرام حرام اولمغین آماده نشینان کریوۀ حسرت (مصرع)
مژده شهیدان عشق روز قیامت رسید * مآلیله بربرینه ابلاغ
پیام بشارت ایتمکه باشلدیلر شش جهت عالمدن (نظم لمؤلفه)
پیشانی شوقك قدم راه نجات ایت * مژکانکی جاروب غبار
عرفات ایت * طی ایله جبینکله ره کوی خدایی * ابرولرك آمادۀ
فیض خطوات ایت * دیوان الهیده دوکوب نقد سرشکك *
معمورۀ اسلامکه تجدید برات ایت * ویرسون سکا عمر ابدی کریۀ
حسرت * خوندلی همخاصیت آب حیات ایت * نابی نیه کلدك
نه طوررسن بومقامه * واربارکه خالقه کسب درجات ایت *
آوازه سی سامعۀ جانی کنجینۀ کوهر ایدوب طرف طرف آوازۀ
نفیر امرای حجاج اموات برهنه خیز انتظاره صور صفت افاضۀ حیات
ایتمکین کیمی ناقۀ آهه هودج شعله یی زیور کیمی جنازۀ سرشکه
عماریٔ ٢ حبابی برسر ایدوب غریوۀ نعره کشان دمساز سهیل ٣
فرس * وآوازۀ جرس * نالۀ دردناك عشاق ایله همنفس اولوب
برحالت آرام ربا هویدا اولوب قریب اولدیکه آب زمزم سرجوش

مهی مه بالکسر اولومعناسنه ویا یاء مصدریه در

٢ عماری عورت محفه سی نعمة الله

٣ السهیل بالضم وفتح الهاء کواکبدن بریلدزدر وآت آوازینه دخی دیرلر اما بو معنایه صادله دخی لغتدر الصهیل صادك فتحی وهانك کسری ومدیله آت کشنمك صوت فرس معناسنه وانقولی صهل الفرس کضرب ومنع صهیلا فهو صهال صوت وکامیر وغراب صوته قاموس

شوق اولوب سيلاب اشك حجاج ايله كف زنان وادی منايه
جريان ايليه واز قالديكه شاهباز آشيانهٔ عنايت يعنی بيت مكرم
احرام سيه فامن بال مشكين كبی آماده ٔ پرواز ايدوب همراهیٔ
سحاب آه عشاق ايله فضای عرفاته طيران ايليه (بيت) ناقه
سراسيمه شد وشوقناك * مرده برآورده سرازجيب خاك * سينهٔ
ام القراده شرحه شرحه دروب لخت جكر سوخته دلاندن تنور
كبابيان كبی آتشين * ودامن بطحا ايله كريبان معلاده اولان
چاك چاك طرق خروش اشك خونين ايله ممر سيلاب بهاردن
برترين * اولوب دل خاكدن برخواسته اولان غبار پردهٔ رخسارهٔ
مهر منير * وآوازهٔ زوار ايله آميخته غلغلهٔ اذكار صمم رسان سامعهٔ
فلك اثير اولمشيدی * مبالغهٔ تصاعد غباردن مشعل عالمتاب آفتاب
دوش فلكده ناپيدا * ومزاحمهٔ مطايادن كرهٔ زمين زير پاده ناهويدا
ايدی (بيت) عنان بدست عنايت سپرده بودارنه * صف ملائكه
در زير دست و پاميرفت * بوغلغلهٔ طربخيز ايله وادیٔ منی جانبنه
ورود اولدی ﴿ ذكر وصف منی ومسجد خيف ﴾ وادیٔ منی (منی) ميمك ضميله
بلدهٔ مباركهٔ مكه نك جانب شرقيسنده بربچق ساعت مقداری نونك قصريله در
مسافه ده بروادیٔ جانفزادركه نيچه خانهٔ معلا بنا اولوب طرفين
طريقده شهنشين برشهنشين رواق صف كشيدهٔ راه انتظار حجاج
اولوب طبقهٔ سفليسی سوداكران ايام تشريق ايچون دكاكين
نزهت آيين ترتيب اولنمشدر واول وادی اوزره سايه كستر اولان
كوه بهشت شكوه دامنده مسجد خيف نام معبد فسيح الارجا
اساس يافتهٔ قواعد استحكام اولمشدر (بيت) قرب دوصد كام
زسوق منی * مسجد خيفيست صفا درصفا * خاك وكل آن همه
عنبرسرشت * فسحت او وسعت صحن بهشت * اول مسجد
پرفيض وراسنده جلوه كر برغار پرانواركه دريتيم صدف كونين

حضرتلری اول غارده واسطة العقد انجمن اصحاب اولدقلری
حالده پیام رسان جهان آفرین * جبریل امین علیه السلام امواج
بحر قدیمدن سجهٔ سورهٔ والمرسلاتی دستاویز پیشکاه نبوی ایتملریله
غار والمرسلات نامیله صدف کوهر اشتهار اولمشدر (نظم)
هست یکی غار در آن کز صفات * آمده مشهور ابو المرسلات *
از پی فراشیٔ آن ابر و باد * میرسد از چرخ بهر بامداد * لیلهٔ تاسعهٔ
ذی الحجه ده وادیٔ مناده آرام شبانه * ومسجد خیفده ادای نماز
پنجکانه * سنت قائد راحلهٔ رسالت اولمغین خیمهٔ زرطناب خورشید *
ساحهٔ فیٔ زوالده بدید اولمازدن مقدم ستون واوتاد خیامده
هیئات رکوع وسجود وقعود وقیام جلوه کر اولمغه باشلیوب
دیباجهٔ زرافشان ظهردن خاتمهٔ سپید فام نماز بامه دک مسجد
خیفه ملازمت وعکس خطوط جبههٔ سجود مسطر نسخهٔ ضراعت
قلندی (بیت) خلق در آن عرصه بافغان وزار * جمع بهر کوشه هزاران
هزار * قافلهٔ سپید پوش صبح ایله خوابکاه افقدن سرزده اولوب
جنبش ضیا فضای پیروزه فام اوزره ورود آغاز ایلدکده (نظم عربی)
قد طلع الصبح وهب الشمال * اقترب الوقت انحوا الجمال (نظم)
بار ببندید که فرصت نماند * تیز براید که مهلت نماند * مألن زبان بال ببندید نسخهٔ
زدادا ایتمکین کیسهٔ قلوب نقد آرامدن خالی * وکاخ دماغ هولی
شوقدن مالی اولوب جانب موقف عرفاته شتاب ایچون خطوات
شوق پیك نکاهی تقدمه باشلدی (بیت) آن عرفاتست و بود
کوی حق * هست کریزنده کس سوی حق * بعد ازین نه خانهٔ
دلده مایهٔ صبر * ونه الده عنان اختیار * ونه تنده خلعت تاب *
ونه جانده نشئهٔ اقتدار قالوب زمام ارادت سر پنجهٔ حیرته مسلم
وورق شعورده مسئلهٔ بیهوشی مرقم اولوب مهابت دیوان جبروت
عمال حواسی مناصب شعوردن معزول * وغشاوهٔ تتق ملکوت * تتق پرده معناسنه در

طرهٔ ادراکی مسبول ایلدی (بیت) پای نه تا سرکنم ای ره دانا فریب * زهره نه تابوکنم این می دانش زدا * نو بنواستقبال امواج روحانیت سفینهٔ وجودی لطمه خوار طوفان انقلاب * ودمبدم تصادم صرصر مهابت عوالم معانی باد بان نفسی کنجینهٔ خفقان اضطراب ایدرك هرنه حال ایسه افتان وخیزان خاك روانبخش عرفاته ایصال جان ناتوان اولندی ﴿ ذکر عرفات وکوه رحمت ﴾ فضای رحمت آرای عرفات وادیٔ منادن اوج ساعتلك مقداری جانب شرقیده برساحهٔ انشراح بخشادرکه هرذره ده خاك مشکساسی کیسوی حوران بهشتدن آستین فشان استغنا * وکمتر کیاه نیم خشك نافه کشاسی سبزهٔ جویبار کوثر تسنیمه خنده فرمادر هرریزهٔ سنك کوهر شکننك رشك قیمتی زرخورشیدی کداختهٔ کورهٔ کرهٔ اثیر * وهرقطرهٔ آب کاه شوینك کیفیتی سرچشمهٔ رحیق وسلسبیلی امواج انفعال ایله درزنجیر ایلمشدر هرنخل بهشت آشوبی اغصان طوبایه میوه بخش پیچ وتاب * وهرخار خنجر دارینك خمیازه کش حسرتی آغوش دیدهٔ آفتابدر (بیت) ریك مپندار بظاهر درآن * که آب حیا تست جولهر دران * حقا برصحرای وسیع الاطرافدرکه اول فهرست تفاصیل عوالم علویه وسفلیه اولان روز رحمت اندوزده رباط نه قباب آسمانه صعود ایدن قوافل دعا وبقاع هفت صفهٔ زمینه نزول ایدن سراپای ملاء اعلا دخی صورت مراسم انسانیه ده مد طناب خیام ایتسه‌لر بنه اکثر مواضعی اول کونده جریدهٔ سیئات عصاتدن خالی ترقاله جنی موقف اشتباه دکلدر تاوسطنده تودهٔ راه مغفرت یعنی جبل رحمت هیئات مختصره ده برنافجهٔ المسك درج هدایندرکه بوی دماغ پیراسی مبدأ عطسهٔ صبح ومنشأ زکام شامدر بالای سر رحمت اثرده برقبهٔ دلنشین زانوزدهٔ تمکین اولوب سرشك عشاق کبی

السابل یولجی کیمسه سالك کبی

کوره یعنی اوجاق نعمة الله

دامندن كذر ايدن آب روان قربنده مطبخ حضرت آدم عليه السلام دود انكيز مجمر آسمان اولمشدر (نظم) كرچه بصورت زجبال اصغرست * ليك بمعنى زهمه اكبرست * پر بود از رحمت حق دامنش * انس وملك جمع به پيرامنش * سايهٔ او درعرصات جنان * ميدهد از ظل الهى نشان * اول جبل وآلا محل حواليسى كرداكرد طناب در طناب خيام رنكارنك ايله تزيين اولنوب اول كنجينهٔ رحمت كويا احاطهٔ ديوار مينا كاريده برنكين واول مركز دائرهٔ عنايت چارده صفت آغوش هاله ده مكين اولوب (نظم) ازجبل ودشت وى آثارنى * هيچ بجز خلق نمودارنى * دامنش ازخيل وشتر فوج فوج * كشته چو دريا كه درآمد بموج

﴿ جمعيت حجاجست درمسجد ابراهيم عليه السلام ﴾ وقتا كه عارض خورشيد ده رنك زوال نمايان اولمغه قريب اولدى يكسره حجاج قرين الابتهاج مسجد ابراهيم عليه السلامده كذشتهٔ سلك صفوف نماز اولمغه عزم ايلديلر تعيين روح الامين اوزره حدود بيت الحرام ايله حدود عرصهٔ عرفات امتيازى ايچون ايكى محلده وضع اولنان علمين بينندهكى ارض خاليه ده مسجد ابراهيم عليه السلام پرعبادتكاه فراخ ومنوردركه نماز پيشين و پسين همزانوى صحبت مواخات اولمق اول جامع شريفه مختصدر بنا برين اول مسجد شريف احرام كشان سپيد فام ايله شكوفهٔ بادام ريخته اولمش كلزاردن نمونه اولوب صحيفهٔ ساحهٔ دلاراسى عملنامهٔ رحمتيان كبى سطور سپيداج كون ايله جلوه كر اولدى آخر عقرب زراندودهٔ خورشيد ساعت مينا ظرف كردن مداردن كه درجهٔ ظهرده سرنهاده اولدقده مؤذنان پاكيزه نفس منبه وقت صلوة اولمغين خطيب بديع البيان منبر فصاحت مقتضاى حاله مطابق برخطبهٔ بليغه اداسندنصكره قياس ناسه مخالف رفع تنافر بين الصلوتين

ایله جمع وقصر ظهور وعصر ایلدیلر بو حالت اندیشه فرسا نا
نامسبوق جریدهٔ اعمال اولمغله مبتدیان حجه وسیلهٔ غرابت وضمیمهٔ
حیرت اولمغین عقیب سلامده یکباره کلبانك نعرهٔ لبیك ایله چاك
افکن کریبان افلاك اولدیلر برمدت اول محلده دست دعا کاسهٔ
دریوزهٔ درکاه کبریا قلندقدنصکره (بیت) وقت شدا کنون که
بموقف شوی * واقف اسرار معارف شوی * مألی کریبان جانه
دست اوروب هنکام تشبث دامن عرفات حلول ایتمکین همان اول
محلده نقد هوش ودیعهٔ صندوقهٔ حیرت قلنوب جاذبهٔ مهر عنایت
ایله شبنم آسا بی اختیار عزم دامن عرفات اولندی (بیت) کمال جذبهٔ
توآستین کشانم برد * بذروهٔ که یکی بود رنك سایه و نور
﴿وصف هنکام وقفه در عرفات﴾ ینه قافلهٔ مورشمار حجاج پیرامن
خرمن جبل رحمتله حلقه بند جمعیت اولنجیه دك فراشان چابکدست
صبا سیما احمال واثقالی برچیدهٔ مفرشهٔ دوش جمال ایدوب طرف
طرف دیوان مقدس الهیده هرکس وقفه کیر کوشهٔ مسکنت
وافتقار اولمق تدارکنه اشتغال ایتدیلر (بیت) این عرفا تست
فراغت کجاست * هرکسی امروز بخود مبتلاست * ماهچهٔ محفل
مصری وشامی اولکوه فلك عنایت دامننده صورتنمای فرقدان
اولوب توغلرك پرچی پرخم * وعلملرك شقه لری درهم قلندی
قاضیٔ محکمهٔ مکهٔ مکرمهٔ مبارکه بحسب العاده درجات منبره
صعود ایدوب رفع دست مناجات ایله فتح ابواب حاجات *
مقدماتنه شروع ایلدی * فواصل فقرات مناجاتده عامهٔ حجاجدن
تحریك سلسلهٔ لبیکه اشارت ایچون بازوی مؤذنان بال مرغان
کبی وقف جنبش اولدی هنکام زینت روز بازار مغفرت
اولمغله سوبسو جانفروشان سوداکر محبت لفافهٔ متاع نیازه کشایش
وبروب معاملهٔ کرماکرم سوز وکداز وشوق ونیازه درکار اولدیلر

کمال خواب لطف نسخه

﴿نظم﴾

(نظم) زین همه یکبار برآمد نفور * خواست قیامت مکر ونفخ صور * شیوهٔ شیون به بدن راه یافت * تنکدلی دستکه آه یافت * کاه بیم عصیان ایله بدنلر سیماب صفت لرزان * وکاه تشنهٔ رحیق امید غفران ایله دیده لر کریان * اولوب چهره لر دمسردیٔ آه ندامت ایله خزانی * وسرشکلر ار زوی نو بهار رحمت ایله ارغوانی اولمغه یوزطوتدی (بیت) مژه ها بر عذار دجله فشاند * آستینها زکریه جیحون شد * نیچه جبهه لر سجادهٔ خاك اوزره نقشبند * نیچه بدنلر آتش اضطراب ایچره سپند اولوب شرارهٔ آه نشانکاه مهجهٔ ثریا * وقطرات سرشك کلکونهٔ رخسارهٔ ثری اولمغه عزم ایلدی (نظم) دل بدرون کرم چوخورشید شد * رعشهٔ تن برنهج بید شد * نعرهٔ یارب زفلك برکذشت * اشك روان آمد واز سر کذشت * کریبان کفن احرامدن سرزده اولان برهنه تنلر ایله صحرای عرفات * نمونهٔ حسابکاه عرصات اولوب بلکه غوغای شورانکیز محشر * اکه نظر انجمن سوردن نازکتر ایدی (بیت) مردهٔ او با کفن پاره به * عاجز وافتاده و بیچاره به * جوشش سیلاب اشك ندامت آسیاب چرخی کردان * وهبوب عواصف آه حسرت کشتیٔ نه بادبان افلاکی ویران ایتمکه قریب اولمشیدی (بیت) لنکر لطف توای کشتیٔ توفیق کجاست * که درین بحر کرم غرق کنه آمده ایم * اشارت مؤذنان ایله صد هزار افواهدن دفعةً ظهور ایدن کلبانك فلك شکاف لبیك بنیان ملك وملکوتی برهم زدهٔ زلزلهٔ اضطراب بلکه لب سکان ناسوت ولاهوتی تبخاله زارتب وتاب ایدردی ساحهٔ خاك اوزره مزاحمهٔ روی نیازدن کلکون اشك عرصهٔ جولان کوره مزدی ورویٔ هواده کثرت دست دعادن طائر نکاه فرصت طیران بوله مزدی (بیت) دست دعا بین که در آسمان * داشته هرسوی زمین وزمان * الحاصل هرکس اندازهٔ قامت

استعدادی اوزره کنجینهٔ عطایای ربانیدن خواهشکر متاع مغفرت
اولمق سوداسیله نقد شمار اشك افتقار اولدقلری وقتده درون کنبد
اخضر سینهٔ حجاجدن ساده ترایکن آثار رحمت الهی ظهوره کلوب
(بیت) فوج درفوج کند حسن قبول استعجال * خلق را الشکر آمین
ودعا در سفرست * وفقنجه ناکاه تخمینا دائرهٔ عرفات مقدارنجه
بر قطعه سحاب عنبر افشان سایبان * سر برهنهٔ حاجیان اولمغه
آغاز ایلدی کویا تصاعد ابخرهٔ آه لباس ابرده جلوه کر اولوب (بیت)
آبرومیر وداى ابرخطاپوش ببار * که بدیوان عمل نامه سیاه آمده ایم *
نیازینك تأثیری نمایان اولوب کلاب افشانیٔ مهمان نوازانه اوزره
تدریج ایله صفحات وجوه عصاته ژاله بار اولمغه باشلدی (نظم)
کشت فلك زنجمکه تیرآه * رحمت حق ریخت دران جایکاه *
ازیم دریای کرم کوه کوه * فیض خدا ریخته براین کروه * کویا حکیم
خسته نواز شفاخانهٔ ازل عارض بیهوشان نشئهٔ محبته مشاهدهٔ
شاهد لطفه چشم کشای اولمغیچون رشحاب آب عنایت پاشیده
ایلدی نه باران هر قطره سی مرسلهٔ رباط الحجال الطاف یزدانی یه
بر در شاهوار * ووشاح الصدر عرایس قبول ربانی یه بر ز کوهر آبدار
ایدی (بیت) برفلك برده دعا را بر و بال وسوز وتاب * برزمین آورده
رحمت را دعای مستجاب * بوکونه هنکام عجز ونیازده آبیاریٔ ابر
عنایتك سرسبزیٔ کشتزار آماله دلالتی واضح اولوب بو معاملهٔ مرحمت
مقدمات جوشش دریای مغفرت اولدیغی استشعار اولنمغین
(مصراع) کرم کورد بجه ای باقی کدالردن رجا ارتر) وفقنجه فریاد کریه
خیزی نیجه پرده دخی تیز ایلدیلر بر ساعت مقداری تقاطر رشحات غمام
دخی اول موقف معلاده وقفه کیر آرام اولدقدنصکره خرمن برك
نسرین کبی تفرقهٔ تاراج صبا ایله ینه ناپیدا اولدی الحق نه هنکامدر
اول هنکام که سکان قلمرو اسلام دیوان مغفرت الهیده بر ساعت وقفه

الحجلة فتحتینله کلن اوی الحجال بکسر الحاء جمعه

مفروضه آرزوسی ایله هفت ساله وهشت ساله والك اقربی چهل
مرحله دن ارتکاب مشاق بحر و برایله طی منازل اشتیاق ایدرك اول زمان
ومکانه جان رسان اولوب (بیت) دست تهی پای تهی سر تهی *
قلب تهی روح تهی بر تهی * کدای کوچهٔ رحمت حضرت غنی
چاره ساز * ونائل دستمایهٔ عرض نیاز * اولهلرنه خوشدر اول فصل
بهار چمنستان قدس که بلبلان لانه بیزار هوای اطاعت شاخسار
عفو الهیدن کلچین اولمق امیدیله مسافهٔ دور ودرازدن اول کلشن
مغفرته پرواز و دست دعا و دامن نیازی دراز ایلیهلرنه دمدر اول
دم که خرمن خرمن ذنوب دوزخ آشوب صدمهٔ صرصر عنایت
بی غایتله برك کیاهدن سبکتر و توده توده غبار معصیت خروش سیلاب
مغفرت ایله اکسیردن نایابتر اوله نه مجلدر اول محل که مسودهٔ
جریدهٔ سیئات قلم عفوایله بیاضه چقوب پیشانیٔ شب فام عصات
طلوع آفتاب رحمت ایله ماننده دیباجهٔ صبح منور اولدقده ابلیس
تاقبول رنج اضلال صدسالهسی هبا اولدیغنه سینه کوب آه وواویلا
اوله (نظم) یا رکنه ازهمه کس لخت لخت * ریخته چون برك
زشاخ درخت * باردکر آمده ازنو بدید * هر که درین وقت
باینجا رسید * نه نعمتدر بونعمت که کرسنه طبعان روزهٔ عجز ونیاز
بوضیافتکاه عمیم النوال عفواندن کندیلری سیر معده اولدیغندن
فضله اقرباواحبا سنه دخی افرازحصهٔ غائب ایچون دست افراز نیاز
اولهلرنه سعادتدر بوسعادتکه حلقه کیران باب عطای غفاری
پنجهٔ زبانهٔ آتشدن کندیلری تخلیص کریبان جان ایتدیکندن
ماعدا امانت سپارلرك دخی صحیفهٔ رقبهسی رقداشت اعتاق اولمغه
وسیله اولهلرنه کوندر اول کونکه ابواب رحمت دست دعا کبی کشاده
وکالای عنایت روی نیاز کبی آماده اولوب سر و پابرهنه درکاه کرم
پناهه مجتمع اولان بندهلر پیراهن چرکین کناهدن عاری اولوب تشریف

خلعت مغفرت ایله عودت ایلیه لر (نظم) بر در ارباب کرم منع نیست * خواه درآی ازدرخواهی بایست * بردردرگاه کریمان چه باك * کرهمه آفاق دراینـد پاك * نه کرمد ربوکرم که حجاب جرم وتقصیر ایله نقاب عذار اولان ایادئ دعا نقد اجابت ایله کنجینهٔ اعزاز وبارکران شرم وعصیان ایله خم اولان قامتلر پایمردئ نشئهٔ الطافیله سروآساسرافراز اوله لر بوجمله مواهب بیکراندن غیری نه دولتدر بودولتـکه حضرت کریم ذی الجلال عزشانه اول روز مغفرت فیروزده ملائکهٔ مقربینی نائل لطف خطاب بیوروب ای معشر سرادقات ملکوت دیده کشـای تماشا اولك که امید عفو ورحمتله راه رضا خواهئ عزیمتده پویان اولان بنده لرم که شوق اطاعتمده ملك ومال واولاد وعیالیله موادعت وموقف مقدسمه افتان وخیزان مسارعت ایدوب حالا دیده لری چشمه سارنم وسینه لری چاکزارالم وجبهه لری خرمنکاه غبار مذلت ودهنلری ناله ریز فریاد ملامت دستلری کزیدهٔ دندان انفعال وسرلری کوفتهٔ سنك ملال دریوزه کر درغفرانم وحلقه کردان باب احسانم اولمشلردرسز جمله نکاشتهٔ صحیفهٔ شهـادت اولك که بونلرك سرجمله سیئاتده لباس حسناتده جلوه کر ورحمت ومغفرتمه مظهر ایلدم دیو رخسودهٔ خاك عرفات اولان کمینه لرین انجمن قدسیانده عظمت وکبریاسیله وسیلهٔ مباهات ایلیه (بیت) زهی مراتب علیا وسعادت عظمی * ملکلرینه مباهات ایده سنکله خدا * الحمد لله ثم الحمد لله بوهرزه کرد کوی معصیتی آوارهٔ وادئ یأس وحرمان ایتمیوب قوت رفتار پای اقتداردن دامنکش اولمدین اول خاك پاکه وضع قدم ایله فائز درجهٔ اغتنام ایلدی (نظم) ایردم اول جایه که مقصود دل وجانم ایدی * کوردم اول وقتی که آرایش ایمانم ایدی * بولدم اول مطلبی کم کوکلم ایدردی خواهش *

وخواهی بایست نسخه

بایست نسخه

با حرف تأکید ایست امر مخاطبدر استیدندن طور دیمکدر سودی

کزیده کزیدندن فتح کاف ایله ایصرمق معناسنه در

بصدم اول خاکه که کحل بصر جانم ایدی * حضرت قادر مجیب
جمله آرزومندان پیغوله نشین حسرته نصیب ایلیه آمین * ذکر
عودت بسوی مزدلفه * ماحصل تکمیل مرتبهٔ وجوبه دك موقف
کنه کدار عرفاتده اقامت پای ثبات اولنوب مجمر زرین خورشید *
زیر دامن افقده نابدید اولمق انصراف مهمانان مغفرته اشارت
اولمغین العظمة لله یکباره اموات عرفات نائل رتبهٔ حیات اولوب
برغلغلهٔ آسمانکیر ظهور ایلدیکه ازقالدیکه اطفاء نائرهٔ فلك اثیر ایلیه
آثار رحمت غفاری بالجمله قلوبه ساری اولمغین سینه لر کنجینهٔ
سرور وخاطرلر انجمن حضور اولدی جیش الم هزیمت خوردهٔ
سپاه انبساط وغبار غم خوابیدهٔ رشحات نشاط اولوب مدة العمر
دامن وصاله دسترس میسر اولمیان شاهد صفای درون جلوهٔ
نامعهودانه ایله عرض جماله باشلدی بود سمایهٔ صفا تحصیلیله
بربرین پامال ایدرك جانب مزدلفه یه امانهٔ عنان مراجعت قلندی
(نظم) خلق همه بارکنه ریخته * راحله ازجای برانکیخته *
کشته سبکبار زبارکناه * روزسر شوق نهاده براه * اول محلده
بربرینه مسابقت منشأ نزاع وجدال اولمق احتمالنی دفع ایچون
بحسب العاده محفل مصریان دست شامیانه ومحفل شامیان دست
مصریانه ایداع اولنوب کمال انشراح وابتهاج ایله رو بمال دامن
مشعر الحرامه تحریك کام اهتمام اولندی (نظم) رهروانرا بزمانی
چنین * پای نیاید زفرح برزمین * ازعرصات آنکه بباغ جنان *
روی نهد چون نبود شادمان * اوصاف مغفرت اثر مشعر الحرام *
مزدلفه نامیله مرسوم جریدهٔ شهرت اولان مقام فیض ارتسام
عرفات ایله وادیٔ منی بیننده برصحرای جانفزادر که مشعر الحرام
اول صحرای معصیت ربا سینه سنده اولان برصفهٔ وسیعه ووسطنده
اولان قبهٔ رفیعه دن عبارتدر موقف عرفاتده جریدهٔ عصیاندن

یکپاره پای فارسی ایله بالجمله دیمکدر یکباره باء عربی ایله دفعة دیمکدر

دستبرد نسخه

فیض اتسام نسخه

سترده کزلك عفو اولمیان سواد حقوق عباد اول مقام مبارکده
شسته صابون عنایت اولمق نکاشته صفحات تواتردر بنابرین پیرامن
پرامن مشعر الحرام مقام خیام قلوب وقت عشا ومغرب بر بریله
دوچار اولمق دخی اول مقام مغفرت نظامده مخصوص اولمغین
هرکوشه سنده برجماعت شیرازه بنداجزای نسخه عبادت اولمغه
شروع ایلدیلر (نظم) پروانه رحمت بده ای شمع که امشب * ازآتش
دل پیش توچون شمع کدازم * اول لیله مبارکه ده حقوق عباد
کبی بر بار بلادن آزاد اولمق شوقیله ذیل معافات رب العباده تشبث
طریقیله ینه قافله آه وفریاد چرخ برینه پیوسته اولدی (بیت)
امشب که یار برسر لطف وعنایت است * ای ناله کرم باش که وقت
سرایت است * اولیله خوف ورجاده نائره قلوبدن زبانه کش اولان
دودبیم وشمع امیدایلمره بشقه شب پراختردخی پدید اولوب دستلر
نهال دعا کبی سوی آسمانه کشوده وجبهه لر اشك نیاز کبی زمینه
سوده اولوب (بیت) چندان سودند روی حسرت برزمین * که این
سوده خاك را بتنك آورد ند * در بچه خزائن ابصار کلید امید ایله
مفتوح * وکالای خواب کران سرپنجه دزدبیم ایله مرفوع اولدی
(بیت) رفت زدل محنت وغربت بدر * شام غریبان دکر است
این دکر * اول مراح شافیه صفاده حال ماضی ومستقبل لرینه
کریه ایله معتل العین اولنلر فائزعز مقصود * واول ملتقای بحر
رائق هدایتدن درر خزانه مغفرت ایچون نسخه اشباه آه ایله
تنویر ابصار ایدنلر واصل مسئله شهود اولدیلر (نظم) ظلمت زنك
از رخ آیینه رفت * ازته دل محنت دیرینه رفت * کوکب امید ازو
شد بدید * شام چنین به بود از روز عید * اول ساحه راحت
بخشای عمیة المغفرتده بازوی مژکان دراغوش عروس خواب ایتمك
دخی وسیله مشاهده صورت مرام اولمغین نیجه لردخی کریبان

این توده خاك
نسخه

اجفانه کار یزخواب استراحت اولدیلر (نظم) دیدهٔ آن بخت که
نغنود بود * کردمددطالع انجاغنود * چونکه شدی پاك زآلودکی
از بی باکی بود آسودکی * شکست کاسهٔ د رون ابالسه ایچون
انداخته اولنه جق ریزهٔ سنك جمرات اول ساحهٔ مبارکه دن برچیدهٔ
کوشهٔ دامن همت اولمق سنت اولدیغنه بناء اول جواهرکان سعادت
پرور زیورسرانکشت جمعیت قیلدی (نظم) ریزهٔ سنکش همه
تسبیح کوست * نیست تهی یکنفس از ذکر دوست * درتو
قصور یست که آن کوش نیست * ورنه وی از زمزمه خاموش
نیست * ورق عنبرفام شام عملنامهٔ سیهکاران کبی ریزش
قطرات نجوم ایله شسته روی اولدقده خروس ململع بال
صبح (نظم) صبحك الله صباح السعید * برتو مبارك بود این
روزعید * این چه صباحست که شش صد هزار * بنده شد
آزاد صغار وکبار * زمزمه سیله لبریز بانك بشارت اولمغین آفتاب
سجده کذار دست اشعه ایله جویبار شفقدن وضوساز اولمازدن
مقدم (بیت) دلابرخیز وطاعت کن که طاعت به زهرکارست *
سعادت آنکسی دارد که وقت صبح بیدارست * مألن دلیل صبا
مسامع مجامع حجاجه القا ایتمکین احمال واثقال تحمیل ظهر جمال
قلنوب ادای فریضهٔ صبحدنصکره مشعر الحرامه توجیه قبالهٔ
خشوع اوزره وقفهٔ مزدلفه یه قیام واساس دست دعا احکام
اولندی ﴿ رفتن ازمزدلفه بسوی منی ﴾ پنجهٔ مصباح آفتاب
اظهار مفتاح فروغ ایتدیکی ساعت پای قیامدن دفعهٔ عقال آرام
کشاده اولمغین قنده سین قربانکاه منی دیوجان انداز اولدیلر
(نظم) کس نکشد بهر کسی انتظار * شوق منی برده زدلها قرار *
بنه وادیٔ منی کثرت خیام ایله نمونهٔ بحر پرحباب قلندیغی ساعت فوج
فوج دامن جمرهٔ عقبه یه شتاب ایلدیلر ﴿ ذکر اوصاف جمرهٔ اولی ﴾

جمرهٔ اولی عقبهٔ وادیٔ منا نك مکهٔ مکرمه جانبنده اولان مدخلنك طرف شمالنده برموضعدرکه دامن کوهده طولا وعرضا بش ذراع مقداری بردیواربنا اولنمشدر جناب ابراهیم نبی صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلری بروفق فرمان یزدانی کردن جکر کوشهٔ کرامیلرین بوسه کاه دهن تیغ ایتمکه دامن برزدهٔ عزیمت اولدقلری حالده ابلیس علیه اللعنه اول جان سپاران راه وفایی * کشدهٔ بیابان نافرمانی ایتمك سوداسیله ابتدا اول موضعده تحریك محبت پدرانه ایدیجك کلمهٔ شفقت انکیز مقدماتیله ترتیب دام فریب ایتمکین مانندهٔ سك هرزه فریاد * دست ابراهیم علیه السلامدن سنك خوردهٔ رجم وابعاد اولمشدر * جمرهٔ ثانیه وثالثه دخی تخمینا بر برندن صدکام مقداری بعدایله وسط بازارمناده واقعدرکه اول شاخ زقوم ضلال یعنی ابلیس شقاوت مآل اول موضعلرده دخی اطالهٔ ریشهٔ تزویر ایتدیکی اجلدن سنك رد ایله برکریز حرمان اولمغین بناء علیه اول موضعلر دخی بررمیل بناسیله تعیین واشارت اولمشدر روز نخستین ده فقط موضع عقبه یه رمی جمرات اولنمغله هم اندام بادام هفت سنك الماس رنك فلاخن ناخندن پای عقبه یه پرتاب اولندی (نظم) هفت کرت سنك برآن میل زن * میل چه برروی عزازیل زن * قوم که شمشیر غزامیزند * نعرهٔ تکبیر فنامیزند ❋ ذکر قربان و سرتراشیدن ❋ اول روز جکر سوزده بذل نقدینهٔ حیات سوداسیله تسلیم کردن رضا ایتمکه آماده اولان رمهٔ کوسفندان ریك بیاباندن افزون اولمغین هرکس کاسهٔ اقتدارنجه اراقهٔ دم ایتمکله کلکونه سای عارض آمال وسرخ نویس فصول وابواب نسخهٔ اعمال اولمغه تشمیر ساعد اهتمام ایلدیلر (نظم) کشته درآن بادیه قربان بسی * تشنه بخون تیغ بکف هرکسی * هرکه نشد کشتهٔ شمشیر دوست * لاشهٔ مردار به ازجان اوست *

اول بسملكاه رحمت پناهده خلعت خونين ايله كرد نفراز اولان قربانيان سرباز * قدوم شاهد قبوله اطلس سرخدن بسط پانداز * وپاى عروس انابته نثار كلبرك اعزاز ايلديلر (بيت) بسمل قربانكه اوكر بود صيد حرم * بر زمين خونش حلال و بر بدن جانش حرام * اسالهٔ جويبارخونه متعاقب تودهٔ سرسوداز ده دن ازالهٔ كياه خود روى مويه سرعت اولنوب اول قربانكاه وفاده * تيغ فرمان ربانى يه سرنهادهٔ تسليم ورضا اولمامش آفريده قالمدى (نظم) كرسرمو نيست علايق ترا * نيست يكى طاعت لايق ترا * ازسر تسليم رضا پيشكير * دره دين ترك سرخويش كير * سر بتراش ارچه كه مو اندكيست * اندك وبسيار درين كويكيست

﴿ ذكر اوصاف برون آمدن از احرامست ﴾ آخر نسخهٔ افعال ايام احرام تراشهٔ موى عنبرين فام ايله مسكى الختام اولنجق مرده كان كفن دركردن احرام دست بردهٔ برات حيات اولمغين بعدازين پيراهن احرام وديعهٔ لفافهٔ تعطيل قلنوب هركس صندوقهٔ استطاعتنده آماده اولان البسهٔ عيديهٔ عاديه ايله آرايش بدن عريانه شتابان اولديلر (بيت) ويردى جان عيد بهار ايتدى ينه تازه قبا * كفنن نركس بيمارهله چاك ايتدى * شانه لر دست كش دامن محاسين ايكن ينه بربريله هم آغوش مصافحهٔ تهنيت اولديلر كلاب وعود روى ومشاميله آب وآتش ايكن خاك وباد كبى رفع غبار وحشت ايلديلر البسه ايله اجسام يننده وساطت احرام ايله حاصل اولان برودت ينه لباس كرميده جلوه ريزاولدى وسرايله دستار ميانه سنده مفارقت دور ودراز قات قات الفتيله تازه لندى انداختهٔ بام نسيان اولان نعلينلر طلب مصالحه ايله پايلره افتاده اولمغين بعدازين روح وجسم كبى اتحادده ثابت قدم اولمق شرائطى قالب استحكامه افراغ اولندى اول روز مسرت افروزده بازارمناده

جلوه كر نسخه

کشایش بولان تنك کالای سرور خارج کاروانسرای تصورایدی (بیت) نه سوقدر بو که سودا کران زوارك * فروختی اوله جرم وخریدی اوله ثواب ﴿ رفتن بکعبه بهر طوف زیارتست ﴾ اما سه شبانه روز مشاهدهٔ رخسار دلارای بیت خدادن جدا دوشمکله نفس بنفس پیك خیال جانب حرم مکرمه آمد شددن خالی دکل ایکن لوازم رمی وذبح وتراشدن آزاده سر اولدقدنصکره ادای فریضهٔ طواف زیارت جریدهٔ ذمتده باقی قالمغله کمند جاذبهٔ محبت کردن دله منعقد اولوب مانندهٔ جویبار بهار موج موج اولجهٔ مغفرت جانبنه جریان اولندی اول کونده ینه صحن حرم ربانیده ساحهٔ بهشت کبی شورش جمعیت نشاط آمیز هویدا اولوب کوردیلرکه اول شاهد مربع نشین سریر عزوتمکین ینه خلعت عباسی ایله جلوهٔ اهتزازه آغاز ایلمش کرزرتار کوهرنکاری دیدهٔ ملا ئك ایله ترصیع اولنمش (نظم) بهر همین بسته کرتا دکر * جان کنند آویزهٔ بندکمر * زلف سیاه خم بخم عنبرسایی پرویزن دست نسیم اولدقجه ارواح مقدسه بیختهٔ اکسیر عنایت کبی خاك پاینه ریزان اولمه ده در (بیت) پیش او برپاستاده چار ارکان وجود * کرده ازجان خدمتش را ملتزم وار التزام * اول نهال سرافراختهٔ بوستان عنایت معانقهٔ نسیم عنبر ریزایله خرامه کلدکجه بال کشایان هوای قدس قمری واری بالای سرنده حلقه نمای کردش نیاز اولمشلر اول هنکام فیض عام اولان روز عیدده بونجه ناکاملر (بیت) چکمه دامن نازایدوب افتاده لردن رحم قل * کوکلره آچلسون اللرکه دامانکده در * ناله سیله عرضحال ایچون دامن استار فیض یارینه توسل ایتمشلر (بیت) دامن اودرکف مردم بسی * اونکشد دامن ناز ازکسی * نیجه لر زحام انام سببی ایله دست امیدی کوشهٔ دامن جامهٔ مشك فامندن کوتاه اولمغین (بیت) یوزسورمك امارو پایکه

افتاده لر اما * نو بتمی دکر کیسه‌یه دامانك اوجندن * مألن دستمایهٔ تسلیت ایلمش نیجه لر ایسه (بیت) باشکه دو رایده‌یم مهر جهانتاب کبی * پایکه یوز سوره‌یم شعلهٔ مهتاب کبی * زمزمه سیله کباب سوزش شوق طواف اولمش (بیت) کردن کرو بیان ودست ودوش حاجیان * درطوافش بی‌سپر کشته زفرط ازدحام * نیجه‌لر ملتزم شریفه (بیت) من کرآمرزش تو بهره بزم سود کنم * کرتو بخشی کنهم راچه ضرر برداری * مألیله سینه سای نیاز اولمشلر نیجه لر سودای تمغای حجر اسود ایله متاع جانی کارکاه زحامده تنکدچکمش (نظم) کشته زخالش دوجهان مشکبو * خم شده چرخ ازشکن موی او * بوسه زنندای همه بر خال او * هیچ دکر کون نشود حال او * نیجه لر زیر میزاب رحمتده مردمك دیدهٔ حطیم اولان حجر اسمعیل علیه السلام اوزره ناودان دودیده سین سرشار خونابهٔ نیاز ایتمش (بیت) مژه پیش ناودانش بجزع چنان بکرید * که زصحن حرم آرد بدرش زسیل رانی * ونیجه‌لر مقام ابراهیم علیه السلامده ناصیهٔ خضوعی فرش سجدکاه نماز ایدوب نیجه لر پیرامن چاه زمزمده تسکین نائرهٔ سوز وکداز ایچون قدح کردان امید اولمشلر (بیت) عافیتلر اوله اول تشنهٔ طوف حرمه * که سر چاهده پیمانه‌کش زمزم اوله * دخول حاجیان در بیت مولی * خصوصا اول پیرایهٔ جمال موجوداته اول کون الباس جامهٔ مردمك کون ایتمك ایچون دیدهٔ باب عالمتابی طاق عرش برین کبی کشاده اولمغین اول لجهٔ انوارده اشتیاق استغراق ایله پیشکاه سدهٔ رحمتده زحام اجسام انام دریای صرصر دیده کبی موج خیز خروش اولوب نیجه لر معصرهٔ تنکنای زحامده شیرهٔ شعوردن جدا ونیجه لرك زیر اقدام الامده عقد کوهر انفاسی ناپیدا اولدی نیجه حالا کلر پشتهٔ اعناق اوزره رفتار ونیجه سبك بار تودهٔ رؤس اوزره کذار ایلدی اما (نظم)

عجز بدرکاه تو ناصیه سای غرور * فقر باقبال تو حوصله سوز غنا *
وفقیجه چارسوی قبول کبریاده کالای عجز وافتقار قدرجنس رایج
اولمدیغی تمغا یافتهٔ ثبوت اولمغین قادمه جنبان دریچهٔ بیان اولان
نابیٔ ناتوان سمین بدن وضعف حرکتدن ناسی سیلاب خروشان
زحامدن کذاره فرصتیاب اولمیوب حسرت ایله نا امیدانه دوردن
نکران ایکن (نظم) بدرش چنان بنالم که زغایت ترحم * زدرون ندا
برآید که درآدرآفلانی * وفقیجه دستیاریٔ جاذبهٔ عنایت ایله اول
عتبهٔ فلك فرسایه اسهل وجه اوزره چهره سای وصول اولمق
دولتنه موفق اولدی (مصرع) العزة لله تعالی وتقدس (بیت)
فیض ازل بزور وبزر آمدی بدست * آب خضر نصیبهٔ اسکندر
آمدی * واقعا اکر آفتاب عنایت ازلی کند انداز قبول اولماسه
پابستهٔ جرم وتقصیر اولان بو عبد فقیر اول مخزن انواره پانهاده اولمق
نیجه متصور ایدی (نظم) این بود ازفرط عطا وکرم * کوچوکی
بلر دهد درحرم * داد مرا درحرم خود مقام * کرد مرا طائف
بیت حرام * این حرم محترم کبریاست * مخزن آن خلوت خاص
خداست * اول سرای جهان آرای دار الملك حقیقت که غبارکتزینی
توتیای چشم خزنهٔ فرادیس جنان * واول نهانخانهٔ انسا انس
اسرار وحدتکه فرش عرش عیاری چاروب زدهٔ مژکان قدسیان
اوله اکه پانهاده اولنلرك ستون شعوری برپا وارکان ادراکی برجا
قالمامق متواریٔ پردهٔ خفا دکلدر (نظم) ماراچه اعتبار واثر باوجود
دوست * جایی که جلوه کرد حقیقت مجاز نیست * اول آینه خانهٔ
صاف اتصاف حقیقتده طوطیٔ شکرخای خامهٔ سرخ منقاره مساغ
مدنفس اولمامغین (نظم) من برآهی میروم کانجا قدم نامحرمست *
وزمقامی حرف میکویمکه دم نامحرمست * مقالی سرنوشت صحیفهٔ
اعتذار قلمنشدر (نظم) تبارك الله ازان صحن بی زال که بود *

سمن بدن نسخه

زنور حسن لبالب زدوستی معمور * اول قبلهٔ ملك وملكوت درونده
كمی رو بروكمی قفا برقفا وكمی دوش بدوش نمازكذار تحیت كمی صحن
وكمی دیواه رخسودهٔ مذلت اولوب اول بن قلزم اسرارده غریق وار
بری برندن بی خبر حركات بی اختیار ایدرلر ایدی (بیت) صارلسه
حیرتیله نوله زلفنه یارك * نكاهی غرقهٔ حسن اولدی عاشق زارك
﴿ عزیمت دكر بارسوی منی ﴾ ماحصل اول كون غواصان بحر
حرم یزانی دامن دامن خرمن خرمن كوهر بهشت افروز مراد
تحصیلند نصكره ینه مناده آماده اولان خیامه توجیه مطایای
عزیمت * ولیالئ ایام تشریقده انجمن كیر فضای منی اولمق سنتنه
تبعیت ایلدیلر (نظم) سوی مناران وكرامت بببن * كرمئ بازار
قیامت بببن * سه شبانه روز سوق منی نشانداده بازار رستاخیز اولمغین
كار عیش ونشاط * هردریچه یه فرش بساط ایدوب بار متاع
كونا كون فلك كبی تنك برتنك وخرمن خرمن سیم وزرتودهٔ راه ایله
همسنك اولمشیدی (نظم) رومی وهندیست كه بایكدكر * كرده
مماسات چو شیر وشكر * بس كه بهم ریخته همیان زر * كشته
دكانهای منی كان زر * نیجه چابكدستان سفیده كاردخی ساده
لوحان تماشاییانك تنكشای جیب و بغلندن كیسهٔ نهفته لرین دست
زدهٔ نیرنك دزدانه ایتكله غم نسیه لرین نقد ایدرلر ایدی (بیت)
كیسه برانند درین رهكذر * هركه تهی كیسه تر آسوده تر
﴿ كردن زیب چراغان شامیان ومصریان ﴾ سودا كر كردون
زرخورشید ایله خرید ایتدیكی پردهٔ عنبر كونی دكان آفاقه آویخته
ایتدكده قافلهٔ مصریان وشامیان بر برینه اظهار حشمت واقتدار
ایچون مخیم مخصوصه لرینه ترتیب آیین چراغان ایلدیلر هر برخیمه
پیشكاهنده ه هزار قنادیل ایله برر اشاره نقش آخر اوزره اشعال
اولنوب طبل وسورنا عالم بالایه ولوله * وطوپلر اجزای زمینه

بغل قولتق حلبی
نیرنك حیله خلمی

زلزله صالوب آتشین چرخلر کرهٔ ناری کبی دوار * خروسلر
ققنوس صفت آتشین منقار * کبشلر سمندر مثال آتش نثار فواره لر
شراره بار دلیجه فشکلر آتش زن خانمان ریش ودستار اولمشیدی
هوایی فشکلر یلدزه کمند آتوب تارشهاب ایله جو هواده عقد
رابطهٔ اخوت ایلدیلر کو بیادستبرد دزدان ابالسه یی قافلهٔ حجاجدن
ابعاد ایچون زمین وآسماندن اعمال ادوات رجم وطرد ایلدیلر
غلبهٔ مشاعل وقنادیل زمینی همرنك آسمان وآسمانی خاکه یکسان
ایدوب جابجا کل مشاعل وخوشهٔ قندیل ورشتهٔ کجروش فشکدن
دوش شامه کویا برجامهٔ زنجیر باف کلداری الباس ایتمشلرایدی
طلوع ید بیضای صبح ابطال حبال آتشین ایتدکدنصکره آخر ایام
تشریقه دك وادیٔ مناده درنك وهر وقت زوالده دامان امیال
جرات سپر همت سنك قلنوب ینه ارزوی جمال بیت ذی الجلال
عنا نربای آرام اولمغین غبار راه حرم ایله تنویر دیدهٔ رکاب اولندی
﴿ عودت زمنی بیت اشرف ﴾ منادن عودتده مدخل مکهٔ
مبارکه ده بطحا نام زمین دلنشینده واقع محصبه ده بر ساعت
مقداری جلسهٔ استراحت سنتنی مراعات دنصکره حوالیٔ حرم
مکرمده اولان منازل معینه ده بسط حصیر اقامت اولنوب اوقات
قرین البرکات لیالی وایامده هرکس اندازهٔ شوقی مرتبه سنجه متاع
بهشت بهای مطافی (نظم) امیدنوبت طوفیله تابحشر اولماز * رباط
دیدهٔ کروبیان نشیمن خواب * مصداقی اوزره پیمودهٔ خطوات
طواف ایتدیکندن غیری درون وبیرون ام القراده اولان امکنهٔ
متیمنه یی زیارتی ایله تنویر دیدهٔ جان ایدرلرایدی ﴿ وصف جبل
ابی قبیس است ﴾ جمله دن بری جبل ابی قبیسدرکه بیت محترمك
شرقنده مائل جنو بنده سر برآوردهٔ کریبان فلکدرکه نصفنه
وارنجیه دك مبانیٔ عمارات ایله جلوه کر اولوب حتی خورشید

فلاك

فلك نبوت صلى الله تعالى عليه وسلم حضرتلرينك دندانهٔ كليد
خزانهٔ اعجاز اولان سرانكشت عالمكشالری سينهٔ ماهی كريبان
عشاق كبی چاك ايتدكلری اول كوه بهشت شكوهك كرنده رسيدهٔ
ذروهٔ وقوع اولمشدر (نظم) كان كرامت جبل بوقبيس * سنك
غمش بردل فرهاد وقيس * دركرش موضع شق القمر * كشته
بخورشيد بعالم ثمر * كعبه چوكل سرزده ازدامنش * هشت
بهشت آمده پيرامنش ﴿ ذكر اوصاف مولد نبوی ﴾ بری دخی
اول ماحصل مزرعهٔ كائنات * عليه ازكی الصلوات * حضرتلرينك
نهال وجود عرش آرالری خرامان ساحهٔ امكان وجود اولديغی
خانهٔ ملائك خدمدركه سوق الليل نام بازار عنايت زاركوشه سنده
اولان شجر جميز قربنده نور بخشای زمين وزمان اولوب ميانهٔ صحن
خانه ده سرزدهٔ چمنزار شهود اولدقلری مقام برصندوقهٔ سبز
پوش سروسيما ايله ايما اولنمشدر (نظم) نكهت جنت دمد
ازسوق ليل * خاك كش كوچهٔ اوكل بذيل * سرزده خورشيد
جهانتاب ازو * روضهٔ جنت شده درتاب ازو ﴿ بيان وصف
سرای خديجهٔ كبری ﴾ وبريسی دخی دولتسرای خاص الخاص
خديجهٔ كبری رضی الله عنهادركه خواجهٔ سرمايهٔ دارشفاعت
صلی الله تعالی عليه وسلم حضرتلرينك خلوتخانهٔ انسا انس عبادتكاه
خاصه لری خانهٔ خزينه مقامنده روزندن كذراولنوب برحجرهٔ
مطهرهٔ مختصره دركه صورت ديوارنده اولان ديدهٔ محراب
ملكوت آراسی قامت طوبی شكن محمدی فراقيله حالا كشاده قالمشدر
كوشوارهٔ بناكوش بقا يعنی حضرت فاطمهٔ زهرا رضی الله تعالی
عنها دخی دست افروز شهود اولدقلری محل ينه روزن ديكردن
كذراولنوب برحجرهٔ پاكيزه درون صحننده برپوشيدهٔ سبزيله جلوه كر
اولوب دست آسيای سنكينلری حالا فراق دست مكارم پيوستلريله

الجميز جيمك ضميله صيغهٔ تصغير اوزره برجنس يمشدركه انجيره مشابه در وانقولی

حالا ديدهٔ حيران وش كشاده نسخه

سر کردان دقیقهٔ هجران اولمشدر (نظم) بام ودرش یك بیك
ازهم جدا * باردازورحمت خاص خدا * مشتری وزهره وشمس
وقمر * بوده قران شان همه بایکدکر * مطلع نیر ذات صدیق
اکبر وغایهٔ شیرخدا یعنی ولادتکاه علی مرتضی دخی اول کوچهٔ
کیمیا غباره متقاربدر (نظم) جای علیست دران شعب هم *
خانهٔ صدیق بیکدوقدم * اول مرأت جلا دادهٔ جمال قدیم *
علیه افضل التحیة والتسلیم جنابنه اثناء کذرده مانندهٔ طوطئ
کویا شکرپاش ثنا * اولان سنك مبارکه دخی اول کوچه دیوارنه
کوکبه بخش انوار * وبوسه کاه افواه زواردر (نظم) سربسر
آن کوی نشیب وفراز * بوده خرامشکه آن سروناز * برسر آن
کوی چه سان پانهم * بی ادبست آنکه نهد دیدهم * بریسی دخی
طاق صفایه همسایه دارخیزراندرکه جناب سید الوری * علیه
صلوات الاعلی اول خانه ده اوتوزطقوز نفر اصحابیله ورانشین پردهٔ
خفا اولدقلری حالده جناب عمر ابن الخطاب رضی الله تعالی عنه
اول خانه ده رشحات سحاب عنایت ایله چرك شرکدن تطهیر
پیراهن جان ایتمکله تکمیل رتبهٔ اربعین ایتمشلر (نظم) خاك درش
سرمهٔ اهل نظر * کشته دران خانه مسلمان عمر * مولد حضرت عمر
رضی الله تعالی عنه دخی برکهٔ یمنی جانبنده برتودهٔ رفیعه اوزره
مرجع اعتبار زواردر * ذکروصف کوه نور سر بلند * بریسی
دخی مکهٔ مکرمه یه برفرسخدن اقل جبل نوردرکه کل کلشن طراز
رسالت علیه افضل الصلوات حضرتلری هنوز غنچهٔ نشکفته ایکن
سینه لری نسیم دست روح الامین ایله اول مقامده منشرح اولدیغندن
غیری ذروه سنده واقع غارحراده مظهر تشریف رسالت اولمغین
قبهٔ فلك مماسنده برقبهٔ بیضا دیدهٔ نظاره نوربخشادر (نظم)
زاویهٔ حضرت مولاست این * مهبط انوار تجلاست این * طلعت

لفظ سان وجه واعتبار
معناسنه در نعمة الله

جبریل كه دیده رسول * كرده درآن غار بایشان نزول ﴿ ذكر وصف كوه ثور جانفزا ﴾ بر یسی دخی ینه برفرسخ محلده جبل ثوردر كه ذروه سنه قریب برغار تنك جیننده كوهرنه درج كائنات علیه افضل الصلوات حضرتلری یار غار صدیق ایله هنكام هجرتده نهفته اولدقلرنده بافرمان صانع حكمت نما عناكب رشته باف پرده كش اشتباه اولوب برجفت كبوتر زیبنده فرمهرهٔ بازیچهٔ مشعبذانه رسمنده برنیچه بیضهٔ نظاره فریب وضعیله چشم بند متجسسان قریش اولمشلردر (بیت) لعل اكرشد ببد خشان مقیم * معتكف اوشده دریتیم * ازصد فش ریخت درشبچراغ * داد جهانرا زكواكب فراغ * الحاصل سربسر تجلی زارانوار خدا * وجلوكاه انبیا واولیا اولان خاك پاك مكهٔ معظمه نك بیان اوصاف شایكانی بیرون قدرت قلم فرسوده قدم اولدیغی وسیلهٔ اعتذار اختصاردر ﴿ ذكردم هجر وطواف وداع ﴾ آخر نسخهٔ ایام اقامت رسیدهٔ حد نهایت اولدیغنه خاتم سیمین غرهٔ محرم ختم زن امضا اولمغله آثار مقدمات فراق سینه لری مطاف غم ودیده لری مانندهٔ چشمهٔ زمزم ایتمكه باشلدی (نظم) دل بازخریدار متاع دكراست * رنجیده سر ازدست صداع دكراست * این طرفه نكر كه صبر درخانهٔ خویش * ننشسته هنوز در وداع دكراست * بورباط مهمانفریب عالمده دست ساز میزبان ایام اولان قنغی مادهٔ سروردر كه عاقبت دست اشتهاشتهٔ آب چشم فرقت اولمیه وبوصهبا كدهٔ مست انداز جهانده بخشیدهٔ ساقئ روزكار اولان نه كونه جام لبریز صفادر كه آخر لب آرزویی پیمانهٔ خمیازهٔ خمار ایتمیه (بیت) دم وصله هجوم جنبش هجراندن امان اولماز * فنا كلزار یدر بونده بهار بی خزان اولماز * كعبهٔ مكرمه یه روز نخستین وصولده جریان ایدن كریهٔ سرور بودفعه لباس خونابهٔ حزن وفراقده فوران ایدوب

مقدما تازیانهٔ شوق طواف قدومله توسن برقهٔ مسابقت ایدن کام
آرزو طواف وداعه کلدکده ستون مطافدن جایکیر تراولوب غلبهٔ
جنبش خطوهٔ عزیمتدن دامنکش اولدی امانه چاره بوحالت
جانکداز ایله عاقبت کام وناکام دائرهٔ مطافه وضع قدم اولندی
(بیت) باخفقان دل ورنج صداع * میروم اکنون بطواف وداع *
خون کری ای دیده بصد های وهوی * وقت جدا ییست ازان
خاك کوی * اول روزکلو سوزده دیباجهٔ زرنکار صبحدن خامهٔ
مسکی شامه دك نالهٔ دل پریشان هجران ایله حرم کعبهٔ سیه لباس
ماتمکدهٔ پرشیوندن نشان ویررایدی (بیت) فراق کعبه دن سن صانمه
چشم خونفشان اغلر * سر کوی حقیقتدر بوتنلر ایچره جان اغلر *
دکل کریان اولان انجق بنی آدم وداعندن * فلکلرده ملك اکلر زمین
وآسمان اغلر * هر بردورهٔ طواف طائر شکسته بال دله برحلقهٔ دام اولوب
دانهٔ خاطر ربای حجر اسوددن علاقهٔ اتصال قابل انفصال اولمدی
امانه چاره مراعات آداب مجاورت خارج عهدهٔ قدرت اولمغله دوری
صوریٔ ضروری رو نمه بنا ملتزم شریف ایله معانقهٔ موادعهٔ افتراق
اولدقدنصکره رسم مسنون اوزره سدهٔ سنیهٔ عرش اعتبار رخسارندن
دخی لب ادبله بوسه چین حسرت اولدقده مداد اشك وخامهٔ
مژکان ایله صحیفهٔ سدهٔ معادنه بومنظومهٔ فرقت آمیز ترقیم
اولندی (نظم) الوداع ای مردم چشم بصیرت الوداع * الوداع ای
سنبل باغ حقیقت الوداع * الوداع ای خال مشکین جهانتابك سنك *
مایهٔ داغ دل حوران جنت الوداع * الوداع ای قطرهٔ آب زلال
زمزمك * سلسبیله موج بخشای نجالت الوداع * الوداع ای چرك
شوی جامهٔ جرم عصاة * کوشهٔ بامکده کی میزاب رحمت الوداع
ایله ناپینك ادای حجنه روز جزا * پیشکاه حضرت حقده شهادت
الوادع * آخر دامن دامن خونابهٔ سنك کداز هجران دوکه رك *

سدهٔ سعادته نسخه

جهان جهان آه كرد ونسوز حسرت چكرك * قدم قدم رجعت قهقری ایله باب وداعه عزم اولندی (بیت) ازسر كوی تومن باچشم كريان ميروم * باكريبان پراز كل ازكلستان ميروم * بيرون عتبهٔ باب وداعده جمال جهان آرای بیت خدا دیدهٔ نكراندن نهان اولدیغی ساعت خانهٔ درونه نزول ایدن كاروان حيرت وملالك تحرير كيفيتی كنجيدهٔ تخانهٔ تعبيراولمديغی انجق باركشان هجرانه نماياندر (بیت) خروش اشكی نه بلسون كناره كيروصال * دوشن بلوريم طاقت كداز هجرانه * غلبهٔ حسرت فراق ایله رائض حيرت دوديده دن جريان ايدن لجام سرخ فام سرشكی سر پنجهٔ تصرفدن چقروب توسن زود رميدهٔ جان * نه جانبه دوان ايلديكن استشعار ايده مدی (بیت) عنانده چشم كريان الدی دست اختيارمدن * صاولسون باكه سنك راه اولنلر رهكذارمدن * فراق ليلیٔ سيه خانه ايله مجنون ملامت زده وار دامن صحرايی طوتوب ميانهٔ امواج حيرتده غرقهٔ فنا اولمغه بر ايكی نفس انجق قالمشيدی ناكاه (بیت) مشو ملول كه فتاح باب مشكلها * اكر دری كه ببندد هزار بكشايد * زمزمه سيله برطرفدن خضر فريادرس عنايت * كمند انداز تعبيراستمالت * اولوب ای فتادهٔ كرداب اضطراب هيچ تختهٔ پارهٔ جسم نزارك بو مرتبه طوفان زدهٔ انقلاب اتمه كه اكر بحر رحمت خيز حرم محترمدن ساحل هجرانه دوشدك ايسه عنقريب واسطة العقد نظام موجودات اولان بردركرانبهای صدف كونينك رويمال خاك دركاهنه فائز اولورسك كه هنوز هفت حقهٔ مرصع افلاك محيط جواهر آب وخاك اولمدين انك ذات كهری كنز خفاده منظور قادر پروردكار ايدی (نظم) كوهر تحقيق بعالم نبود * كو در كنجينهٔ معنی كشود * واكر كلستان استان الهی كلكشتندن جدا اولدك ايسه بر ورد

مطرای چمنزار قدسك روضهٔ بهشت آراسنده بلبل كبی نالان
اوله جقسك كه هنوزخیابان سنبله دار چرخ برین * كشیدهٔ دائرهٔ
باغچهٔ زمین * اولمدین انك وجود عالم آراسی سرشیشهٔ خلوتخانهٔ
انوار ایدی (بیت) آب درجوداشت درفصلی كه عالم بود آب *
دست دركل داشت آن روزی كه عالم بود طین * بونوید مسرت
رخسار جانه كلاب پاش تسلیت * اولمغله مجمرهٔ دلده بر مقداری
عنبرشعور غلیانه باشلدی الحق اكر هوای شوق مدینهٔ منوره اول
ساعتده تحریك چاروب عنایت ایتمییدی جوهرنایاب روح زیر
تودهٔ غبارغمده كم اولمق مقرر ایدی (بیت) دل اولوردی پایمال
لشكر جانسوز هجر * جیش جانبخش نوید وصل امداد ایتمسه
واكر رشحات سحاب آرزوی روضهٔ مطهره اولمحلده افاضهٔ قطرات
عنایت ایتمییدی خرمن هجران زدهٔ هستی طعمهٔ برق فنا اولمامق
نامتصور ایدی (بیت) اكر صوسپمییدی دمدم اندیشهٔ وصلت *
نه جان قوردی نه تن یاندرمدق سوز غم حسرت * هله فرمانروای
قلمرو هدایت * شمع نیم مردجانه بووجهله پروانه بخش تسلیت
اولمغله بعد ازین كاسهٔ دلدن ریخته اولان خونابهٔ اندوهه بدل
بادهٔ نشئه زای شوق جدید پر اولوب (بیت) وادیٔ یثرب كجاست
آه زحرمان او * دامن دل میكشد خارمغیلان او * زمزمه سیله جذبهٔ
كمند محبته تسلیم كردن ارادت اولنوب خاك روانبخش طیبهٔ مباركیه
تحریك قادمهٔ اشتیاق قلندی (بیت) هوای عشقه اویوب كوی
یاره دك كیدرز * نسیم صبحه رفیقز بهاره دك كیدرز * متاع كرانقدر
منازل بین الحرمینده بارتمغازدهٔ مهرمنیر اولدقده برصبحدم (نظم)
بادصبا دامن كل برفشاند * نكهت یثرب بمشام رساند * نكهت كل
برسرم ازباد ریخت * خانهٔ هستیم زبنیا دریخت * نمایان كشتن شهر
مدینه * مدینهٔ منوره یه نصف ساعت مقدار محلده جبل مفرح نام

بر پشتهٔ آسمانقدرا وزره ارتقا اولندقده مرأت عالمتاب حصار مدينه دفعهٔ صورتنمای جلوهٔ ظهور اولوب اول كلشن مقدس ميانه سنده كنبد خضرای نبوی احاطهٔ آغوش چارمنارده نور بخشای چشم اشتياق اولدقده العظمة لله يكباره قافلهٔ آه وفرياد مهمانسرای كردونی پرمتاع اشك لاله كون ايلدی رنك رولرطائر باصره دن اول پرواز و روح روانلربيك خيالدن مقدم شتابه آغاز ايدوب قفص بی جان ابدان لطمهٔ اشكيله روان اولمغه باشلدی (نظم) تابا غم عشق توهم آغوش شديم * بيكانه زعقل وخرد وهوش شديم * دروادی عشق انچنان كم كشتيم * كزخاطر خو يشتن فراموش شديم * نه كنبد خضرا جترزرفلكهٔ پيروزه فام عرش پناه كه سايهٔ سعادت مايه سی آسايشكاه سلطان سرا پردهٔ زمين وزمان و پيرامن كنكرهٔ لامكان كذاری پروازكاه قدسيان هفت آسمان درحوالئ قبهٔ فلك فرساسنده تلألؤ امواج انوارشوكت شكن آفتاب وتلون اجنحهٔ ملائكهٔ زوار تفرقه بخش سحاب ايديكی بی ارتيابدر (نظم) كنبد خضراست چه می پرسيش * عرش بدان پايه شده كرسيش * نور تجليست كزو تاسما ست * نوركجا آتش موسی كجاست * برسرهر كنكره اش تافلك جای كرفته است ملك برملك * اول سرچشمهٔ انوار دوجهان معاينه سی ايله يكپاره قافلهٔ مشتاقان خفاش آفتاب ديده كبی زمينه دوكلوب اول بهارستان وصالده غبارسيلاب زده واركف زنان ونعره كشان ممردر بچهٔ مدينه يه ورود ايلديلر (نظم) بمژكان رفته ام خاك درش امابشيمانم * مبادا در رهش افتاده باشد خارمژكانم * كيمی زبان ماهئ جو يبار صلوات وكيمی طوطئ ناطقه سن غرقهٔ شكرستان تحيات ايتمكين نخلبند حديقهٔ اثر * يعنی نابئ كمترد خی بوسنبل نودميدهٔ زمين اخلاصی دست آو يزسركوی خيرالبشر ايلمشدر (نظم) اياحبيب خدا يا محمد عربی * شفيع روزجزا يا محمد عربی * هوای كردش مهركله

چرخه کیره شدر * سرادقات سمایا محمد عربی * اوشهسوار رهزنسن که
جلوه کاهکدر * فضای نور وضیایا محمد عربی * سن اول طبیب شفا
بخش سنکه هر نفسك * ویرر عصاته شفایا محمد عربی * حکیم صنع
قومش حقهٔ دهانکده * مریض جرمه دوایا محمد عربی * شفاعتکاه
اواور زیب قامت رحمت * پلاس جرم وخطایا محمد عربی * اسیر
لعل شفاعت نثارك اولمشدر * کمال حسن ادا یا محمد عربی * تفاخر
ایتمه ده درخدمت رکابکله * امین وحی خدایا محمد عربی * کلید قفل
کشای خزائن رحمت * الکده جلوه نمایا محمد عربی * قلندی روز ازل
جلوهٔ جمالکه خاص * قلمرو دوسرایا محمد عربی * کشاده یافتهٔ تیغ برق
حسنکدر * درسواد رجایا محمد عربی * لباس سایه ده اولدك برهنه
جسم ایتدك * اودکلو ترك هوایا محمد عربی * چمنستان بهشته سحاب
فیضکدر * مدار نشو ونمایا محمد عربی * سیاه روی وکنهکار نابئ
بدکار * ایدر امید عطایا محمد عربی * محصل مانندهٔ سایهٔ بیجان
رو یمال جادهٔ آمال ایدرك غبار راه ایله باب مدینهٔ منوره دن کذر
اولندقده (بیت) کی بودسدهٔ آن روضه بشویم باشك * ادخلوها
شنویم ازحرم وآلایش * زمزمه سیله هر قدمده صفوف روحانیان
استقبالیله اکتساب صفای درون ایدرك عتبهٔ عرش پیرای باب
السلام * جان اشتیاق زده یه جای آرام * اولدقده نکهبانان مواقف
ملکوت * وپرده داران سرادقات جبروت * بوزمزمه ایله قرع سامعهٔ
انتباه ایلدیلرکه (بیت) صقن ترك ادبدن کوی محبوب خدادر بو *
نظرکاه الهیدر مقام مصطفادر * حبیب کبریانك خوابکاهیدر
فضیلتده * تفوق کردهٔ عرش جناب کبریادر بو * بوخاکك پرتوندن
اولدی دیجور عدم زائل * عمادن آچدی موجودات چشمن توتیادر بو *
فلکده ماه نو باب السلامك سینه چاکیدر * بونك قندیلیدر خور
مطلع نور ضیادر بو * مراعات ادب شرطیله کیر نابی بودرکاهه *

سایه دن اولدك نسخه

رسیدن زعطر اباب السلام ایله دیده باب نسخه

مطاف قدسياندر بوسه كاه انبيادر بو * اى باديه پيمايان اشتياق
بواول دولتسراى جهان آراى حقيقتدركه فرش براق عنايت
اندوزى سر بسر ديدهٔ حيران كروبيان وقنديل طاق آسمان
افروزى سينه سوزان قدسياندر (بيت) برسبيل طوف ميكردند
كرد مرقدش * پيش جبريل وملائك درقفاى جبرائيل * اى
پوينده كان راه مرام بواول حرم كعبه توأمدركه ساحهٔ سعادت
بخشاسنده مكين اولان سلطان المرسلين صلى الله تعالى عليه وسلم
حضرتلرينك اثرقدم لامكان پيرالرى وسيلهٔ مباهات جبين عرش
برينندراى آرزومندان پيغولهٔ هجران بواول آستانهٔ سعادت عنواندركه
رفت وروب غبار صحن بهشت آشو بى مايهٔ افتخار بال روح الاميندر
(نظم) طعنه باكسير زند خاك او * درنجلست ازخس وخاشاك
او * ريك زمينش چو نجوم سما * كشته بسى كشده را رهنما *
اى بيماران بستر حسرت بواول دار الشفاى علت معصيتدركه
غبار صحن معلاسندن تركيب اولنان معجون مفرح جواهر تقويت
بخش دلخسته كان عصيان اولماسه تب وتاب جماى حميدن افاقت
نامبسرايدى (بيت) آنكه دامان شفاعت بميان بوزند * كرداندوه
نشيند بجمال كوثر * اى آبله پايان خارستان فراق بواول روضهٔ
مطهره دركه زمين دلنشيننده نشانده اولان نهال بالاكش رسالت
صلى الله تعالى عليه وسلم حضرتلرين بهار وجودندن خزان
عدمه دك مزرعهٔ آفرينشدن سر زده اولان عصياة امم اوزره
خرمنكاه رستاخيزده سايه انداز شفاعت اولمغيچون باغبان ازل
خاصة تربيه ايلمشدر (بيت) كل نكار ازجلوه اش فرش رح خلد
نعيم * عطرريز ازروضهٔ اش جاروب زلف حورعين * اى چشم
كشايان صحيفهٔ مرام بواول حجرهٔ محترمه دركه صدر والاترين متكا
ايدن خواجهٔ كائنات عليه افضل الصلواتك نام ناميلرى ديباجهٔ

طراز جریدهٔ آفرینش اولماسه اجزای اجرام علویه وسفلیه شیرازه پذیر انتظام اولمازیدی (نظم) طور صد موسی برانکیزد ز خاك آستان * شمع صد عیسی بافروزد باد آستین * ای خریداران بازار امید بو اول مضجع مقدس عرش زیبدرکه آغوش صندوقهٔ مشك ساسنده دفین اولان جوهر یکتای کونین بهادرج خفادن درخشان اولماسه کنجینهٔ ملك و ملکوت زیر قفل عدمده جلوهٔ وجوددن محروم قالوردی (نظم) زآستین نرسیدی بجیب دست وجود * اکرنه کوهر اوداشتی هوای ظهور * ای چاك زدكان کریبان حسرت بو اول مرقد منوردرکه شفیر حفیرنده آسوده اولان متاع کارکاه لولاك زینت چارسوی امکان اولماسه بازار کون ومکان آیین بند آرایش ظهور اولهمزایدی (نظم) آنکه بی حبل المتین مهر ذات پاك او * خلعت خلقت ندیدی تاقیامت تار و پود * ای امیدداران شفاعت بو اول سلطان سراپردهٔ رسالتدرکه داخل شمار جریدهٔ امتی اولمق مرسوم صحایف آمال انبیادر (نظم) شان دینش همه بازار ملل کرده کساد * انبیا جان بکف اندر هوس سوادیش * ای دانه پاشان اشك فراق بو قفص آرای شباك اولان اول طوطئ شیرین ادای وماینطق عن الهوادرکه هنوز زبان امکان دهان عدمدن نمایان اولمدین ناطقهٔ روانبخشای انا افصح ایله خلوتسرای خاص الخاص لی مع اللهده شکرپاش زمزمهٔ کفتکوایدی ای دلبستکان مشاهدهٔ مراد بو اول تابنده جمال پیرایهٔ انا املح درکه حسن ملکوت آرای ازل پسندی جلوکاه قرب القرب وحدتده منظور کردکار ایکن هنوز ماه مصر آشوب کنعانی نهفتهٔ بن چاه عما ایدی ای بادیه پیمایان آرزو بو اول تنها سوار فضای ملاء اعلادرکه آرزوی قدم جهان کشاسیله نه رخش مرصع پوش افلاك مربوط طویلهٔ انتظار اولمشلردر ای سینه

ریشان محبت بو اول شاهباز بازوی عنایتدرکه آشیانهٔ قدسدن شکار
کاه امکانه نزوللری ایچون صیاد قدرنیچه مدت ادلهرهٔ پفترهٔ مهر وماه
ایلمشدر (نظم) دیده سدرالمنتهای معرفت رابرك وبر * وادیٔ
تحقیق راطی تاباقصا ساخته * ای سینه صافان بزمگاه خلوص
بو اول سردفتر انبیای کرامدرکه آرزوی اسم مکرملریله صحایف
دورنك ایام ولیال نیچه مدت جلا دادهٔ مهرهٔ مهر وماه اولمشدر
ای جان سپاران راه وفا بو اول حبیب نازندهٔ خالق یکتادرکه
ضیافتخانهٔ هشت درجهٔ نعیم سالکان جادهٔ موافقتی ایچون مزین
وعذابگاه هفت درکهٔ جحیم سرکشان بیابان مخالفتی ایچون معین
اولمشدر (نظم) جای سرشت آنکه تو پا می نهی * پای ندانی که
کجا می نهی * هرکه درین کونه زسر پا کند * بی خردست ار بفلك
جا کند * لیك درایبجا ادب آمد بکار * بی ادبارا نبود اعتبار * دیو
سروشان غیب توصیهٔ طریقهٔ آدابده تأکید ایتدکده استیعاب
شوکت آستان رسالت ترکیب جسم ناچیزدن ازالهٔ نشئهٔ حیات
ایده جك مرتبه‌لره قریب اولمغین (نظم) بیچهٔ حیرت زکریبان
کرفت * عقل سراسیمه شد اندرشگفت * کشتم ازان واله
وحیران ومست * صبر برفت ازدل ودل شد زدست * بوحالت
شعورکدازایله مردهٔ صد ساله سیماسنده روضهٔ مطهره یه وضع قدم
ضراعت * ومحراب مغفرت مآب نبویده ناصیه سای سجدهٔ
تحیت قلمنق میسر اولدی (نظم) روضه که آمد زریاض بهشت *
خشت بخشش همه عنبر سرشت * هرکه دران روضه زمانی
نشست * تاابدالدهرز اندوه رست * ادای تحیة المسجد عقیبنده
رهنمونیٔ دلیل عنایت ایله مواجههٔ شریفهٔ سید الانامده ادای
لازمهٔ صلوة وسلامه قیام اولندی اما (بیت) تاب لقا نداردبیمارغم
کشیده * درآفتاب افتد دیوارنم کشیده * وفقنجه رشتهٔ انفاس

رهين عقدهٔ اضطراب ولب نيـاز معدن رعشهٔ شرم خطاب
اولمشيكن ينه دشت ادب قفل صندوقهٔ سينه وتار انظارمز بوط
پشت پاى سكينه قلنوب زبان مشتاق رخصت يافتهٔ جنبش سلام
قلندى (نظم) السلام اى سرور اولاد آدم السلام * السلام اى بادئ
ايجاد عالم السلام * السلام اى كوهر يكتاى ذات اقدسك * زيور
بالاى طاق عرش اعظم السلام * السلام اى قفل كنج رحمت حق
نازل * دست استعداديكه اولمش مسلم السلام * السلام اى انتساب
ذات پاككله سنك * اولدى بو يله نوع انسانى مكرم السلام *
السلام اى جدك اولمقله خليله ايتدى حق * آتش نمرودى بركلزار
خرم السلام * السلام اى قرب عهدك فيضنك تأثيريدر * كايلدى
احياى اموات ابن مريم السلام * اشته كلدى نابئ دلخسته خاك پايكه
ايده زخم جرمنه لطفكله مرهم السلام (عربى) ياخير من دفنت
فى القاع اعظمه * وطاب من طيبهن القاع والاكم * روحى الفداء
لقبرانت ساكنه * فيه العفاف وفيه الجود والكرم * خوشا اول
هنكام حيات بخشا كه سياح عليين نورد روح راكب جنازهٔ بدن
اوللدنبرو اول آستان شفاعته رومال آرزوسى ايله مانند جرس لبريز
فريادايكن اعانت قائد عنايت ايله واصل سرمنزل مرام اوله حبذا
اول وقت دل زدا كه فانوس شكست آزماى بدن نشيمن چراغ
حيات اوللدنبرو اول انجمن مقدس شوقيله كنجينهٔ سوز وكدازايكن
اول شعلهٔ جمال موجوداته بى پرده اطارهٔ پروانهٔ نكاه ايليه ياد باد
اول بهار وصال كه عندليب خونين ترانهٔ دل آشيانكير شاخچهٔ جسم نزار
اوللدنبرو هواى روضهٔ مقدسه ايله زمستان هجرانده نالان ايكن
امداد نسيم هدايتله اول كل كلشن افروز نبوتك پيشكاه عزتنده
بى واسطه كرهكشاى نالهٔ فرياد اوله (نظم) چه خوشست پيش
محبوب لب راز باز كردن * كله هاى هجر قربان بسر نياز كردن *

فراموش مباد اول دم مکرمکه بال حمامهٔ آه ایله ارسالی معتاد اولان نامهٔ صلوة وسلام بالمشافهه رسانیدهٔ معرض معلا قلنوب رحای کوهر فردوس بهای شفاعت ایله بسط دامن نیاز اولند المنة الله تعالی وتقدس (بعده همنشین انجمن زندکانی هم حجرهٔ آبشکاه جاودانیلری یعنی جناب صدیق وفاروق رضی الله تعالی عنهما مقابله لرنده دخی ابلاغ لوازم تحیت وتسلیم اولندقدنصکره ورای حجرهٔ مقدسه ده درهٔ صدف هدی سیدة النساء حضرت فاطمة الزهرا رضی الله تعالی عنها پیشکاهنده جواهر تحیت وثنا نثار اولندی (نظم) میوهٔ دل قرهٔ عین رسول * زهرهٔ کردون نبوت بتول * سیدهٔ جمله زنان بهشت * مانده در پای نبی سر بخشت

﴿ عزم زیارت ببقیع شریف ﴾

بلبل خوشخوان وحی تنزیل حضرت جبریل علیه السلامك راه آمد شدلری اولان روزنهٔ پر مینه ده دودست دعا بال طائر رجا قلندی (ینه آ که قریب باب جبریل علیه السلامدن کذرا ولنوب خاك مغفرتناك بقیع شریفده آسوده اولان همسایکان نبوی زیارتنه شتاب اولندی (نظم) شومتوجه بزمین بقیع * عرش برین بین ومقام رفیع * هر طرفی نور دمد زان زمین * همچو نجوم ازفلك هشتمین * زنده دلان بین بخوم مرده اند * سر بکریبان عدم برده اند * واقعا مزارستان جنت نشان بقیع بر صحن رحمت نمادر که هر توده سی بر طور نور وهر نخلی بر درخت ایمن کبی لمعان ایتمه ده در هر ذرهٔ غبار مغفرت آثاری مایهٔ اکسیر دولتدن محترم وهر ریزهٔ سنك تابداری نکین سلیمانیدن مکرمدر اول خاك پاك زوارندن هیچ برتن یوقدر که چار درج عناصر جیبنده نهان اولان کوهر نایاب روحن اول خاکده نثار ایتمك استدعاسیله دست کشا اولمیه هیچ برجان یوقدر که خلعت چهار قطعهٔ جسمن اول زمینه افکنده ایتمك ایچون لبریز تمنا اولمیه

قوله ناك اداتدر که کلمه‌نك آخرینه لاحق اولور اتصاف واتصال ونسبت افاده ایدر مثلا زهرناك وغضبناك وغمناك غملو دیمکدر آسوده یعنی دکلنمش

بوندن اعلاجای آسایش اولورمیکه زمین بقیعدن برخاسته اولنلر دستبرد عملهٔ درکات دوزخدن امین اولوب بلکه دوردن بله اطالهٔ سلسلهٔ نکاه آتشینه فرصت بوله میه‌لر (و بوندن افضل دولت اولورمیکه روز باز رستاخیزده شهریار کشور شفاعت صلی الله تعالی علیه وسلم ایله بالین خاکدن بله سر برآورده اولوب سایهٔ لواء الحمد نبویده عزیمت کلکشت باغ نعیم ایلیه‌لر (نظم) روز قیامت که بود نفخ صور * این همه خیزاند دراستار نور * سرچو برارند زجیب غبار * دیده کشایند بدیدار یار * حضرت رب الغفور نابیٔ معصیت مآبی دخی آسوده نشینان بقیع مرافقتی ایله سایهٔ لواء الحمد محمدیدن مهجور ایتمیه آمین بحرمة محمد الامین (دریچهٔ بقیع شریفده ابتدا عمهٔ سید المرسلین برقبهٔ علیه دروننده مکین اولوب اکا قریب برقبه ده دخی محرمان سرا پردهٔ سعادت یعنی ازواج طاهرات خواجهٔ کائنات علیه افضل الصلوات پرده نشین شبستان بقا اولمشلردر (نظم) برسر آن ره که طریق خداست * حجرهٔ ازواج رسول خداست * ساحهٔ آن مشهد فردوس بو * حور بکبسوکسندش رفت ورو * برقبهٔ نورآمیز دروننده دخی پروردهٔ دوش وکنار دایهٔ عزت * درشاهوار افسر سعادت قرهٔ عین قبول * ابراهیم بن حضرت رسول صلی الله علیه وسلم غنودهٔ کهوارهٔ عدم اولمشلردر (نظم) نیست مجال درقدم اجنبی * خفته دران کوهر صلب نبی * کرده دران مخزن عنبر سرشت * جای بهر کوشه طیور بهشت * برقبهٔ کردون مماس سایه سنده دخی عم مکرم سید الناس حضرت عباس رضی الله تعالی عنه ایله چار کوهر معدن ولایت وچار قندیل طاق امانت یعنی حضرت امام حسن بن علی المرتضی وامام زین العابدین وامام محمد باقر وامام جعفر صادق رضی الله عنهم انجمنکیر خلوتسرای

باز خاسته نسخه
کشور رسالت نسخه

رفت وروب سپرکه که انکله خرمان سپوررلر ایکیسی بر برده مرکب استعمال اولنور نسخه

خلد اولمشلردر (نظم) كنبد عباس كه خلد آشيان * قبهٔ ازنور بعالم عيان * ازفلك جود وسخا وكرم * كرده قران چارستاره بهم * برقبهٔ معلا درونده دخی حضرت عقيل بن ابی طالب رضی الله عنه (و برقبه ده دخی امام مالك رضی الله عنه كوشه كزين بسترخواب عدم اولوب (برقبه ده دخی امام القراء حضرت نافع بن كثير رضی الله عنه سرفرو بردهٔ رحلهٔ رحلت اولمشدر (برقبه ده دخی مادرشيرخدا فاطمه بنت اسد رضی الله عنها پنغوله نشين غابهٔ فنا اولمشلردر (اما سايبان قبابدن ساده اولان مراقد اصحاب كرام خارج حيطهٔ حسابدر (نظم) خيل صحابه چه بزرك وچه خرد * بيش ازانست كه توانی شمرد * خصوصا كبار مجاوريندن ملوك ومشايخ وعلما وصلحا شمارغبار بقيعدن افزونتردر بلكه هر برمرقدده يوزدن متجاوز خاموشان منزلكاه فنا آسايش كزين خلوت بقا اولمشلردر (سرحلقهٔ انجمن خواجكان خواجه محمد پارسا قدس سره حضرتلرينك مزار فيض آثارلری دخی برلوح رخام ايله اعلام اولنمشدر (اما غايت حدود بقيعده برقبهٔ عالمتاب آسمان جناب آغوشنده جامع آيات قرآنی كاتب وحی آسمانی يعنی عثمان بن عفان رضی الله تعالی عنه حضرتلری متواریٔ حجاب بقا وخوش نشينان سرزمين بقيعه نكهبان سرحد انتها اولمشدر (نظم) كنبد عثمان كه نمايد زدور * زين همه يك نور دمدزان دونور * كشته حيا پردهٔ دركاه او * بسته زبس خيل ملك راه او * هر برينك غبار مزار فيض بارلريله ديدهٔ دل تنوير * وزبان خامهٔ آه ايله كتابهٔ بالا خانهٔ آسمانه سورهٔ سبع المثانی تحرير اولندقدنصكره بنه مقصد اعلای انس وجان يعنی روضهٔ مطهرهٔ حبيب يزدان زيارتنه اعادهٔ روی ضراعت اولندی (مدينهٔ منوره ده مدت اقامت اون كون اولمق عادت اولمغين مطلع نهاردن

مقطع ليله دك وكريبان شامدن دامن بامه دك مواجههٔ سلطان
الانبياده غلغلهٔ صلوة وسلام انفصام بولمیوب كريه هاى هاى
ندامت ونالهٔ رجاى شفاعت ايله طبقات كردون پريشان وزواز
كروبيان زمان اوله جق حالتلر ظهور ايلدى اراقهٔ اشك فراقه
هنكام فرصت واطالهٔ طومارآرامه رخصت الويرمكين هركس
آويختهٔ دامان شفاعت اولمغه صرف مقدور ايلديلر حتى رقطراز
او حهٔ مقال نابىٔ شكسته بال دخى بوعرض حال درداشتمالى
برلوحه يه تحقيق ومواجههٔ سرور اقليم شفاعته كستاخانه تعليق
ايلدى (نظم) بحمد الله نصيب اولدى سعادت يارسول الله *
كه ايتدم خاك دركاهك زيارت يارسول الله * زهى خسران كهر پاش
اولمدين بوخا كه ايتسيدم * كوزم كنجينهٔ خواب فراغت يارسول الله *
كنهكارم سفهكارم سيهكارم تبهكارم * بنى رد ايتمه فرداى قيامت
يارسول الله * خلاصه دستبرد كارفرمايان دوزخدن * نكاه كتر ين
ايلر كفايت يارسول الله * فريب ساقىٔ پيمانه كردان ضلالتدن *
دم آخرده ايمانم امانت يارسول الله * كمينك يوسف نابى پى احباب
واقلربله * شفاعت ياحبيب الله شفاعت يارسول الله * على الخصوص
حسرتكاه اجفان سلاطين جهان ومايهٔ مباهات آل عثمان اولان
خدمت فراشت جريده سنده نام فقيردخى نكاشتهٔ خامهٔ توفيق
اولمغله هنكام شامده نطاق عبوديت * آرايش ميان مفاخرت *
قلنوب درون شباكده پيرامن حجرهٔ مقدسه ده خدمت اشعال
قناديله اشتغالده چهره فروزآمال اولمق ميسر اولدى * بحمد الله
تبارك وتعالى كيسهٔ فرسودهٔ وجود نقد حياتدن تهى اولمدين اول
خاك شرفناكده صرف نقدينهٔ اوقات اولمغله مشاهدهٔ صورت
آمال اولندى (بيت) هزارشكر كل از روضهٔ مقدسه چيدم * باستان
شفاعت بدين كاه رسيدم * ذكر وصف شهداى احدست *

نشانكاه سجده‌ٔ ايام اولان روز پنجشنبه سلك ايامده نما يان اولدقده
زيارت شهداى احد سنت سنيه‌ٔ رسول الثقلين عليه الصلوة والسلام
اولمغين بالجمله حجاج پياده وسوار اول سرزمينه كذار ايلديلر (جبل احد
مدينه‌ٔ منوره نك برساعت مقدارى شمالنده بركوه بلند سرخ
فامدركه معركه‌ٔ مشهوره‌ٔ غزاى احد دامن دلنشيننده موقع ظهور
اولمشدر (نظم) دامن كردون كه شفق كون بود * ازاثر سرخئ
آن خون بود * اولا سرراهده داور ممالك كشاى رسالت عليه
الصلوة والسلام حضرتلرى جسم مطهر جهانز يبلرينه پيرايه بند
اسلحه‌ٔ دشمن افكن اولدقلرى محل زيارتكاه تير نكاه قلندى *
چترسايه دار عنايتلرى مد طناب اقامت ايتدكارى محلده ستون دعا
خيمه‌ٔ آسمانه رفع اولندى * درياى كارزار خروشان اولديغى محلده
شمشيرآه حواله‌ٔ چرخ ستيزه كار قلندى * درج لعلين دهان شفاعت
فشانلرندن درعالمبهاى دندانلرى افتان اولديغى مكانده قطرات
سرشك حسرت كلكونه‌ٔ عارض دامان قلندى (بيت) چنان عقده
از كارامت كشاد * كه دندان درين كار بر باد باد * نخل ناز پرور
جسم نازنينلرى اثناى حربده برمقدار استراحت ايچون برسنك خارا
شكافنه نزول بيوردقلرنده اثرسر عرش سارى اول سنكده جايكير
اولديغى محل مشاهده سى تاج سر نظر قلندى (بعده مجموع شهداى
احد كه جمله سى برزمينده دخمه نشين ملك بقا اولمشلر ارواح
مطهره لرينه ابلاغ هديه‌ٔ دعا قلندى (نظم) بوى وفا ميد مد
از خاك سان * غرقه بخون تربت نمناك شان * روز قيامت كه
برآرند سر * باجكر خشك وكفنهاى تر * بارخ چون مهردمنداز
زمين * تخم وفابار نيارد جزين * انلردن غيرى برقبه‌ٔ عاليه‌ٔ بهشت
نما صدرنده عم رسول كبريا سيد الشهدا حضرت حمزة بن
عبد المطلب رضى الله عنهك سرمزار لمعه باراريندن ناوك دعانعره‌ٔ

آه وفریاد ایله حوالهٔ سپرآسمان قلندی (نظم) حمزه که قربان شده د ر راه دوست * سید هرجا که شهید است اوست * لاله زخونش شده خونین کفن * داغ نهاده بدل خویشتن * سرخی کوه احدازخون اوست * ریك بریکش همه تسبیح اوست * ینه اول حوالیده مسجد فتح نامیله مسمی عبادتخانهٔ دلکشا و بئرهٔ مخصوص سلطان الانبیادخی مایهٔ فتوح درون و بیرون قلندی (نظم) مسجد فتح این شد و بئر رسول * جای دعاییست محل قبول * بئر رسولست که ازآب حیات * موجزن افتاده چونهر فرات ﴿ ذکر وصف مسجد ذوالقبلتین ﴾ ینه اول طرفلرده مسجد ذوالقبلتین برمعبد منورغیرمکرردرکه دیوارجنوبی وشمالیسی بر بر ینه ابرونمای محراب اولوب بری مسجدالحرامه و بری مسجد اقصایه استظهارایله همچشم قاعدهٔ عز وتمکین اولمشلردرکریمهٔ فلنولینك قبلة ترضیها جمالندن رفع برقع ابهام ایدن پیرایه بندان عارض تحقیق تعیینی اوزره اوائل هجرتده جبههٔ عرش تاب محمدی علیه الصلوة والسلام اون یدی آی جناب بیت المقدسه سجده بر اطاعت اولمغین برکون مسجد معهودده شعلهٔ بشرهٔ لامکان افروزلری قندیل محراب قبلهٔ قدیم اولدیغی حالده حضرت ناموس اکبرفرمان جهانکردان فول وجهك شطر المسجد الحرام ابلاغیله اول آفتاب فلك نبوتی جانب بیت الحرامه تحویل ایتمکین محراب قدیم قفای سید الانبیایه دیده کشای حسرت اولوب قالمشدر ﴿ ذکرمقام پرشرف مسجد قبا ﴾ ظهورطلیعهٔ صباح شنبه ده زیارت مسجدقبا سنت سلطان رسالت وموازیٔ ثواب عمره ایدیکی مثبت اولمغین کروه کروه اول جانبه عزیمت ایلدیلر برساعت مقداری محلده میانهٔ نخلستانده برمسجد مکرمدرکه لمعان انوار وآثار اسرار درودیوارنده هویدادر (قافله سالار انبیاء علیه الصلوة والسلام

حضرتلری هنکام هجرتده حوالئ مدینهٔ مبارکه یه شرفبخشای
قادمهٔ وصول اولدقلرنده تعیین قائد تقدیر ایله ناقهٔ فیض بارلری اول
محلده بسط نافهٔ استقرار ایتمکین فرمان معمار کارخانهٔ آفرینش
ایله مسجد قبا بناسنه مباشرت بیوروب نص کریم لمسجد اسس
علی التقوی ایله اساس مغفرت ساسی تمهید اولنمشدر هنکام بناده
بالجمله اصحاب کرام رضی الله عنهم ادای خدمت مزدوری ایتدکلرندن
ماعدا سلطان ممالك ماء وطین علیه الصلوة والسلام حضرتلری
دخی مالك مفاتیح مخازن رحمت اولان دست کرم پیوستلری ایله
بالذات احضار لوازم کل وسنکه مباشرت بیورمشلردر (نظم)
کعبه بصد جای زشوق قبا * ساخته پیرامن عفت قبا * محراب
سعادت نصابی روزنهٔ قصر اجابت اولدیغندن غیری محراب رکن
شرقیسنده باصرهٔ عرش پیمای نبوی یه بیت سیه قبای خدا پرده
برانداز خفا اولمغله جلوکاه قبول دعا در ناقهٔ رفرف وقارلری
دوزانوی پاکیزه تکاپوسنه عقدهٔ استقرار ویردیکی زمین مبارك

تکاپوی یلوب یوروق
نعمة الله

وسط مسجدده برمحراب ایله سجده کاه شیخ وشابدر (نظم)
هست دران صحن مقام دیکر * خوابکه ناقهٔ خیر البشر * سایهٔ
دیوار قباده مسجد علی المرتضی رضی الله عنه ومسجد فاطمهٔ
زهرا رضی الله عنهاده خدادهٔ قامت تحیت اولدقدنصکره بئر
قبا نام چاه زمزم سیما آیینهٔ صورت استدعای شفا قلندی (برکون
سرور کائنات علیه الصلوة والسلام حضرتلرینك کلبرك جسم
نازنینلری تأثیر کرمای هوادن آزرده اولمغله چهار یار کزین ایله
ساق عرش مساقلرین اول چاه عالیجاه دلونه القا بیوردقلرنده
انکشت مه شکافلرندن انکشترین یوسف جبینلری بن چاهه افتاده
اولمغین اول آبدن تجرع ایدنلرك پیرامن قلمرو طبیعتلرندن لشکر
امراض وعلل کذر ایتمك ایچون دار الشفای الهیدن اعطای برات

ممهور اولنمشدر ینه اول باغبان ریاض شفاعت علیه الصلوة والسلام حضرتلری نخلستانی قبادن کذر اثناسنده برنخل سعادت ثمر رهکذر نبوی یه اطالهٔ کردن ضراعت ایدوب یا رسول الله بوزخم خوردهٔ تیشهٔ انکسارك برنیچه خرماسین رسیدهٔ لب شفاعت نثار اتمکله تن بیچارهمی بین الامثال سرافراز بیورك دیو بسط کلمات شکر سماط ایتمکله الی هذا الآن روی ضراعت برزمین نخل متکلم نامیله رهکذار قباده مکین اولمشدر انك دخی زیارتی ایله ذائقهٔ مرام شیرین کام قلنوب ینه مدینهٔ منوره یه عودت اولندی اما درون و بیرون مدینهٔ منوره ده برکوشه یوقدر که انواع آیات بینات لمعان ایتمیه وبرمحل بولنمزکه آثار معجزات فائضة البرکات الی الآن محسوس اولمیه (بیت) قنده یوز سورسم اوماهك جلوه کاه پاییدر * قنده باقسم پرتو رخسار جنت سابیدر * درهرکجا که مینکرم جلوه کاه اوست * درهرکجا که روی نهم خاکراه اوست * بنا برین یکان یکان تفاصیل کیفیت احوالی کنجیدهٔ معمورهٔ بیان اولمق محاط حوزهٔ امتناع ایدیکی حصن حصین اعتذار در (نظم) اوصاف محبت دهن خامه یه صغمز * تعبیر مزایای نهان نامه یه صغمز ﴿وصف روز وداع عالمسوز﴾ عاقبت سرانکشت صبح وداع روزنامهٔ ایام اقامتدن ورق کردان اولمغین شمشیر سرتیز فراق دللری ابواب حرم کبی چاك چاك وناوك دلدوز هجران سینه لری نمونهٔ شباك ایتمکله آغاز ایلدی آه انین نیشخوردهٔ هجران اول کوارهٔ انکبین شفاعت پیرامننده نالهٔ زنبوردن افزونتر اولدی (نظم) روزجدایی که نبیند کسی * تیره تراست ازشب هجران بسی * روزوداعست واجل درکمین * خاصه وداع کهرابیچنین * الحق نه کاردشوار در بوکه امیدکاه کافهٔ موجودات اولان داور انس وجانك مواجههٔ علیه سنده نائل فرصت نیاز اولمشیکن کندی

کواره بالفتح والضم سبد باری قوانی ونیز خانهٔ زنبور که آنرا زنبور خانه وشانه ولانه نیزکویند شرفنامه

اختيارکله لب ناطقه بی مورد کلمهٔ الوداع ایلیه سن ونه امر مشکلدر بوکه دستکیر عامهٔ موجودات اولان محبوب خدانك پیشکاه سعادتنده کره بند ساعد ادب اولمش ایکن پای ارادتکله صحرای هجرانه روان اوله سن (نظم) اغله ای دیده که کریان اوله جقسك آخر * اکله ای دل که پریشان اوله جقسك آخر * دستکه کیرمش ایکن کوشهٔ دامان مراد * الدیروب واله وحیران اوله جقسك آخر * ای سر بی سامان بعد از ین کوفتهٔ سنك ندامت اولکه عتبهٔ علیهٔ آستان حرم کبی بالش استراحتدن برخاسته اولورسن * وای جبهه جلوکاه داغ غم اولکه مالشکاه رخسارهٔ قدسیان اولان روضهٔ مطهره‌ده مجده کذار اولمق دولتندن جدا اولورسن * ای دیدهٔ غم دیده فوارهٔ خون درون اولکه نظرکاه خالق ذی الجلال اولان مرقد مقدس مشاهده سندن سد دریچهٔ نکاه ایدرسن * ای مشام بدکام منبع زکام آلام اولکه نکهت کل ریاض قربدن بنه تخلیهٔ دامان ایدرسن ای دهن پرمحن کاسهٔ انکشت خورده کبی لبریز فریاد اولکه مواجههٔ پادشاه دو سراده سرشار زمزمهٔ صلوة وسلام اولمق دولتندن مهجور اولورسن * ای سینهٔ بی سکینه موجه زار شرحهٔ اندوه اولکه بنه قامت موزون خرام ستون حرم در اغوشندن بی نصیب قالورسن ای دست افسردهٔ سرمای ندامت وکزیدهٔ دندان حیرت اولکه بنه دامن شباك شریفه توسلندن تهی قالورسن * ای پای هرزه کرای پرکار صفحهٔ ندامت اولکه نائل کلکشت چمنزار نعیم ایکن بنه آوارهٔ بیابان فراق اولورسن * ای دل شمع انجمن درد اولکه پیشکاه محبوب الهیده یانوب یاقلورکن بنه بازیچهٔ تند باد هجران اولورسن * ای طائر روح بی حمیت اشیانهٔ شاخسار علییندن خاکدان اسفل السافلینه کرفتار اوللدنبری پروازکاه اصل هواسیله بال زن اضطراب اولورکن حالا دار الامان حرم رسالتده فرصتیاب فرجهٔ

کراییدن بکسر الکاف میل ایلمك حلبی

رها اوله سکده افسوس که ینه شکست قفص چارچوبهٔ جسمه
قادر اولیه سن (بیت) خاك بادا بسر غیرت اشفتکیم * که ترا دیدم
وجان بردم وقربان نشدم * ای عقل بیهوده کرد علهٔ غائیهٔ
مقدمات ایجاد اولان وجودی بولمشیکن افسوسکه واروب تنکنای
امور ناشایستهٔ دنیاده ینه سرکردان اولورسن (نظم) آفاق پردریغ
وجهان پرندامتست * این روز هجر نیست که روز قیامتست * اواین
روز وصالده شوق مشاهدهٔ روضهٔ مطهره ایله تیز پرواز اولان
عندلیب جان * هنکام وداعده شکسته بال وناتوان اولوب پیشکاه
قفص مقدسده ناله سنج الوداع اولمغیچون جنبش باله مجال
بوله مدی (نظم) چنانکه کشته ام از رنج انتظار ضعیف * نکاه را
برخش طاقت رسیدن نیست * عاقبت خواه وناخواه خلاف دلخواه
افتان وخیزان مواجههٔ علیهٔ طاقت کدازلرنده دست شرم وحجاب
نقاب چهرهٔ اعتذار قلندی اما برحال ایله که سرتاسر شرایین بدن
مجاریٔ سیماب وقوت ناطقه اسیر تب لرزهٔ حجاب اولوب (نظم)
دی روز همه وصال جان افروزی * امروز همه فراق عالمسوزی *
فریاد که در دفتر عمرم ایام * آنرا روزی شمارد اینرا روزی * مآلی
هر بن مویدن ترشح کان اشك غلطان ودل طپان ایله مقال درد
آمیز وداعه آغاز اولندی (نظم) الوداع ای خاك راهك كحل ایمان
الوداع * سنك کویك کوهر تاج سلیمان الوداع * پنجهٔ خورشید تابك
شانهٔ زلف وجود * صفوت نور رخك مرآت قرآن الوداع *
کوهر بیضای یکتای وجودك تا ازل * رونق خلوتسرای قرب
یزدان الوداع * خدمت اسقایه مأمور اولدیغندن دورایدر *
کشتزار شرعکه طولاب دوران الوداع * كحل کرد آستانکدن اولورکن
وایه کیر * قندهصرف ایتسون نکاهن چشم حیران الوداع * قامت
نخل حریم آستانکدن جدا * نیجه کلسون بریره آغوش مژکان الوداع *

پیشگاهنده اولورکن نغمه سنج السلام * قنده اولسون بلبل دل زار ونالان الوداع * حسرت روضکله ای ورد بهشت آرای قرب * ایتمسونمی دیده دامان کلستان الوداع * شرمسارم یارسول الله وداعکدن سنك * بویله اولمش نیلیم تقدیر یزدان الوداع کشتئ جسم نزارم موج طوفان قدر * ایتمك استر ساحل هجرانده ویران الوداع * دور دوشدم آستان دولتکدن صورتا * لیك معنیده مجاوردر دل وجان الوداع * یارسول الله نکاه شفقتك هرحالده * ایله تابئ حزین اوزره نکهبان الوداع * لحظه لحظه جانب مضجع مقدسه اعادهٔ نظرهٔ حیرت ایدرك داغ غم وقامت خم ایله خارج دریچهٔ حرمه وضع قدم اولندی (نظم) فغانکه روز وداعست وکریه هادارم * اکرچه میروم اماسر وفادارم * چه کونه پای که سنك ملامتم ناید * که تند میروم وروی درقفا دارم * اول حین درد آکین ده خیمهٔ خشك اجزای اعضایه اصابت ایدن سوزش فراقك بیانی خارج قدرت قلم ترزباندر (بیت) نکه کلچین حسرت دامنم پرخار محنتدر * کل ای بلبل بنمچون ناله ایتکم روز فرقتدر * بو حالت پرملالت ایله غبار کوچهٔ مدینهٔ منوره یی سیراب سیلاب اشك خونپاش ایدرك دامن صحرا کرفتهٔ پنجهٔ سودا قلندی (نظم) میرفتم وخون دل براهم میریخت * دوزخ دوزخ شرار ازآهم میریخت * میرفتم وازحسرت آن کلشن کوی * صحرا صحرا کل ازنکاهم میریخت * کاه خیام خیال حرمین آرایش صحرای جنان * وکاه مذاکرهٔ اوصاف مقامین رائض کلکون زبان * اوله رق راه شامه تحریك عنان مراجعت اولندی (بیت) دم وصال کچر نشئهٔ شراب کبی * قالور کوزمده اودملر خیال خواب کبی * ادارهٔ سبحهٔ ایام ولیال ایله برکون ینه خطهٔ شام منزلکه مرام اولیجق اول محلده رشتهٔ نظام حجاج رهین افتراق اولمق اعتیادنه بناء هرکس دستمایهٔ حصول

یقال رضت المهر اروضه ریاضا وریاضة وانقولی ریاض طایه باش اوکردوب رام ایتمکه دیرلر وانقولی
(ان نلت یاریح الصبا
یوما الی ارض الحرم)
(بلغ سلامی روضة
فیها النبی المحترم)

الغرام بمعنى الحرص

مرام ایله وطن مألوفنه توجیه روی غرام ایتمکین حضرت سلطان
بارگاه احدیت جل شانه بو عبد ناتوانی دخی رهین بدرقهٔ توفیق ایدوب
قافلهٔ امن واسایش ایله ینه برکون آستانهٔ علیه ده بسط وسادهٔ
استراحت میسر ایلدی (نظم) جناب حقه هزاران هزار حمد وثنا *
که ایتدی لطفله بو عبد کمترین احیا * نه استدمسه نصیب ایتدی راه
بیتنده * نه حاجتم وار ایسه ایلدی کرمله روا * علی الخصوص که
بو شاهد نو آمده نك * که حسن لفظی ویرر جانه نشوهٔ صهبا *
ادای دلکشی تعبیر شیوه آمیزی * اولور محیر طبع اهالئ انشا *
عجبی جامهٔ قد قبول اولورسه بودر * متاع تازه ظهور قلمرو معنا * بو فیض
خامهٔ نابی یه راه حقدندر * که اولدی بویله عروس لطیفه چهره کشا *
* دیدم تمامنه نابی بو نسخه نك تاریخ *
* بو تحفهٔ حرمینم قبول ایده مولی *

اقلیم نظم ونثره داور * میدان بلاغت وفصاحته سخن آور *
صدر سخن سنجانك پیر داناسی * [illegible] شکر کویانك محفل
آراسی * زمان ودهرینك نادر وکیابی * استاد ماهر یوسف نابی *
فاضلك اشبو تحفة الحرمین نام عجیب الانسجاملرینك طبع
وتمثیلی * راغب اقدهی زغائب الغانی اشوق الوری محمد رجائیدنك
معرفت ونظارتیله * دار الطباعة العامره ده * بیك ایكیوز
التمش بش سنه سی شعبان شریفی
اواسطنده ختام پذیر
اولدی